

# ضدانقلاب در تدارک توطئه بزرگ جدیدی است

## میتوان و باید با هشیاری، آمادگی و اتحاد خلق توطئه جدید ضد انقلاب را نیز درهم شکست



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۹  
پخش ۲۶ مرداد ۱۳۵۹، تک شماره ۲۰۰ ریال

واقعیت است و این چشم و مغز و دست میلیونها مردم کشور و مسئولان مملکت است که باید با احساس مسئولیت کامل از انقلاب پاسداری کنند، دماهای خطر را از سر راه آن برچینند، تا انقلاب امکان پیشروی و بالندگی یابد و بر زبانی محکم با گامهای استوار قامت برافرازد.

بگذرد و به منزل مقصود برسد. ماجرای توطئه‌های امپریالیستی نله انقلاب ایران افسانه نیست، بلکه

انقلاب ایران هنوز به میلیونها چشم هشیار، مغز بیدار و دستهای حراست‌گر نیاز دارد، تا از رهگذر

### هشدار!

طبق اطلاعات موثقی که بدست ماسر سیدده، عوازل ضد انقلاب وابسته به گروه بختیار، کارت شناسایی سپاه پاسداران را جعل کرده و در اختیار برخی از افراد خود گذارده‌اند. ما توجه سپاه پاسداران، دادستان کل کشور، دادستان کل دادگاههای انقلاب و تمام ارگانهای دولتی و بخصوص مردم رابه‌سوء استفاده‌های که ضدانقلاب از این راه بعمل

انقلاب ایران، انقلاب خلقی و سرزمینی فقیر از نظر ثروت‌های مادی و معنوی و پارچه‌های کم اهمیت در قوسه دور افتاده‌ای از جهان به‌نار و زیت، که امپریالیسم بتواند آنرا سرسری گیرد و از آن بسادگی بگذرد، انقلاب ایران نه تنها منافع سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی آنرا زیر پا بگذارد، بلکه متحرک «با دشمن شماره یک» امپریالیسم دارد، به‌خطر افکنده است، بلکه تهدیدی است جدی برای کل منافع امپریالیسم در منطقه حساسی از جهان، که امپریالیسم، با آن ذات تجار و زر و غارتگر و ستیگر خود نمیتواند آنرا شوخی بگیرد. از اینجاست که امپریالیسم، بر سر کردگی امپریالیسم آمریکا، همه راهبهای «مشروع» و نامشروع «قانونی» و غیرقانونی را هم که به منظور انحراف انقلاب از مسیر ضدامپریالیستی و خلقی آن و هم برای سرکوب و درهم شکستن آن بکار گرفته است.

شواهد و واقعیات، حکایت از توطئه تازه امپریالیسم علیه انقلاب دارد و باین واقعیت امام خمینی و مسئولان مملکتی هم اشاره کرده‌اند. امام خمینی در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر توطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب ما تاکید کرده و ضمن تکیه بر این نکته که امپریالیسم تازی از پیش نخواهد برد، توصیه میکنند که: لکن باید با کمال دقت مراقبت بشود.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در بیانات خود بر این نظر استوار است که مردم را به هشیاری فرا میخواند و میگوید:

«امروز ما در مقابل آمریکا، با همه ابعاد و با همه نیرو استفاده‌ایم و بدینا ثابت کردیم که در مقابل این قدرت نظامی آمریکا هم میتوان ایستاد... دشمن درصدد سر به زدن است. مردم ایران! برادران و خواهران مسلمان! آماده باشید که دشمن سعی خواهد کرد این سر به خود را وارد کند و نیش خود را بزند. ما انتظار حمله دشمن را داریم.»

آیت‌الله دکتر محمد بهشتی در صحیح گفتگی خود و در پاسخ خبرنگاری که می‌پرسد: «در دیدار نمایندگان با امام، ایشان از توطئه جدیدی یاد کرده‌اند... ممکن است مردم را بیشتر در جریان این توطئه قرار دهد» پاسخ می‌گوید:

«اطلاعات خوبی درباره این توطئه بدست مسئولان مملکت رسیده است و معاونان و کسانی که باید این اطلاعات را دنبال کنند، سر نخها را تعقیب میکنند و تا بدست آمدن نتایج خیلی روشن از دادن اطلاعات خیلی بیشتر معذور هستیم.»

بیانات صحیح امام خمینی و سایر مقامات مملکتی، بیانگر این واقعیت است که توطئه تازه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب خلقی است. جدی بودن مسئله، هنگامی عمیق

# اسلام آمریکائی، امام را «تکفیر» میکند!

کنند، برای اینکه اصول خلقی و انقلاب آنرا زیر پا بگذارند. ولی زندگی شاهزادگان سعودی، با همه ادعای «اسلامی» بودن دولستان، با بزرگترین سرمایه‌داران امریکائی نرسقی ندارد. «اسلام» نه تنها در عربستان سعودی، بلکه در بسیاری از کشورهای اسلام منطبق، که مدعی «اسلامیت» هستند، مانند مصر و پاکستان و غیره، دستاویز استعمارگران برای اسارت مادی و معنوی زحمتکشان است.

شدیدت بین دو «اسلام» که یکی انعکاسی از ایدئولوژی طبقات حاکم و دیگری جلوه‌ای از خصومت‌های طبقات محروم است. تضادی که در تمام طول تاریخ نه بقیه در صفحه ۲

سمودی در آسیا تا تونس و مغرب را در افریقا، از سر زشت و آینده خود نگران ساخت. «اسلام» در این کشورهای، بخصوص در عربستان سعودی و پاکستان، به دستگیری ایدئولوژیک برای حفظ سلطه دیکتاتوری سرمایه‌داران و ثروتمندان تبدیل شده است. پادشاهان عربستان سعودی، بدلیل «واقعیت جغرافیائی» کشورشان، که اماکن مقدس مسلمین در آن سرزمین قرار دارد، خود را حافظ «کیان» اسلام میدانند و مدعی هستند که «اسلام» اصیل بدان نحو که در قرآن و سنت پیامبر آمده، تنها در عربستان سعودی حکم می‌یابد. آنها برخلاف ظاهر احکام اسلام، از قبیل شلاق زدن به زنان کارگران و بدست زدن و غیره را بزرگ می‌دانند.

کوبیده‌اند. در دورانی که پای استعمارگران اروپائی بکشورهای اسلامی باز شد و دوعاط‌السلطنین به خدمت حکمرانان تازه درآمدند، «تکفیر» این حربه ناجوانمردانه خود را نیز در اختیار آنان گذاشتند. سید جمال‌الدین اسدآبادی، که بحق او رانخستین شخصیت سیاسی-مذهبی مبارز علیه سلطه استعمار پر جهان اسلام میدانند، در معرض «تکفیر» قرار گرفت و پس از آن او را بدستور ناصرالدینشاه خونیخوار، چون «کافر» که حتی علامت سنت اسلامی بر اندامش نبوده، از ایران تبعید کردند. سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی از رهبران جنبش مشروطه رانیز دوعاط‌السلطنین، تکفیر کردند. شیخ محمد خیابانی، سلیمان

# مردم از قاطعیت انقلابی دادگاہها پشتیبانی میکنند

شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز، ۱۵ نفر از شرکت کنندگان در توطئه کودتای ۲۸ مرداد، همدان را، همراه با رئیس سابق زندان اوین، نماینده ساواک در بیان سنس و کلیه کنترانسهای امنیت در امریکا و فلسطین اشغالی و نیز مدیرکل بانک مرکزی ایران را در دوران طاغوت به اعدام محکوم کرد و حکم به اجرا درآورد.

روند کار دادگاههای انقلاب، که بویژه پس از کشف دو توطئه امپریالیستی بار دیگر قاطعیت انقلابی خود را باز یافته است، مورد پشتیبانی و تأیید مردم است. دادگاهها چند ماهی پس از پیروزی انقلاب بتدریج کارشان به مستی گرائید و افراد سرشناسی از وابستگان رژیم پیشین، یابی سرور و عدا از زندانها رها شدند و یا احکام صادره درباره آنان به پیچوجبه با میزان جرمشان متناسب نبود. آزادی سمعی و فرسچی و حکم زندان شیخ الاسلامزاده و خوش کیش نموده‌ای از تسامح کار دادگاهها در آن دوران بود، که با اعتراض عمومی مواجه شد.

روند مهم تاریخی است و نه ایجاد دشواریهای تازه از راه ترویج خودسری و ناانگیزگی. جو انقلابی موجود در کشور، در عین هوشیاری دائم و قاطعیت بیکر در مقابل توطئه‌های مداوم امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی، باید مترجه نوسازی بنیادی جامعه و تحکیم نظام جمهوری اسلامی باشد. رهبر انقلاب، امام خمینی، در اظهارات خود بکرات همه مقامات دولتی، نهادهای انقلابی و توده‌های مردم مستضعف را متوجه ضرورت این امر کرده‌اند، از غائله‌سازی و ایجاد تشنج و درگیری بر حذر داشته اند و لزوم حسن تفاهم، هم‌آهنگی و همکاری را گوشزد نموده‌اند. دیگر مقامات مسئول و عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران، از جمله رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، رئیس دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور،

# به خودسری‌ها باید پایان داده شود

خودسری‌های بعضی اشخاص، گروهها (که اغلب از چند نفر تشکیل شده‌اند) تجاوز نمیکنند) و حتی بعضی مقامات مسئول هنوز ادامه دارد. اغلب این خودسری‌ها که به تردیده زبان انقلاب شکوهمند ایران و به نفع دشمن اصلی آن، امپریالیسم امریکاست، زیر نام «مردم» صورت می‌گیرد. در صورتیکه مردم رزمند و انقلابی ایران بکلی با اینگونه خودسری‌ها، تحریکات و غائله‌سازیها مخالفند. آنها با درک عمیق وضع کشور، به پاس حرمت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، که با اعتماد و ایمان راسخ بدان رای داده‌اند، برای احتراز از هرگونه درگیری و ایجاد تشنج، به امید اجرای قوانین کشور توسط مقامات مسئول، ارگانهای اجرائی دولت و نهادهای انقلاب هستند. اکنون در دشوارترین شرایط توطئه‌های گسترده و پی در پی امپریالیسم و ضدانقلاب پیرونده‌اش علیه ایران و علیرغم همه این دشواریها، نظام نوین جمهوری اسلامی ایران، که از دستاوردهای عمده انقلاب شکوهمندمان بهریری امام خمینی است، در حال تکوین و شکل‌گرفتن است. وظیفه اصلی هر فرد، گروه، حزب، سازمان و نهاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، که واقعا درست انقلاب و برخط امام است، کمک سازنده باین

# ما اعلام جرم خود را علیه صادق قطب‌زاده تکرار می‌کنیم

دادگاه داده است، و از آنجا که منافقانه تاکنون از جانب مقامات مسئول درباره اعلام جرم حزب توده ایران علیه آقای صادق قطب‌زاده، وانگیزی دیده نشده است، لذا بار دیگر اعلام جرم خود را تکرار می‌کنیم و از دادستان کل کشور می‌طلبیم که به این اعلام جرم هرچه زودتر رسیدگی بعمل آید.

دو تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۵۹، از جانب حزب توده ایران علیه آقای صادق قطب‌زاده، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بسبب ناسزاهای، افتراها و توهین‌های مکرر ایشان به حزب توده ایران و مسئولین آن، اعلام جرم شد. از آنجا که آقای صادق قطب‌زاده، پس از این اعلام جرم نیز همچنان به ناسزاهای، افتراها و توهین‌های خود به حزب توده ایران

بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### روش قطب زاده برای منافع ملی ایران خطرناک است

روزنامه «اومانیته» ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه ضمن اشاره به مقاله صادق قطب زاده خطاب به وزیر خارجه اتحاد شوروی محتوی نامه را شدیداً بباد انتقاد گرفت و نوشت قطب زاده سیاست شوروی در مورد ایران را تحریف کرده و

### اسلام آمریکائی

بقیه از صفحه ۱  
تنها در اسلام، بلکه در تمام ادیان دیگر نیز آشکارا بچشم میخورد، پس از آنکه انقلاب ایران آید ولو خود را «اسلام» مستعصقان اعلام کرده، در تمام کشورهای اسلامی عمیق تر شد. اسلام خمینی در برابر «اسلام» سعودی و اسلامهای نظیر آن قرار گرفت. امپریالیستهای امریکائی کوشیدند با استفاده از توطئه های سدطالی که در افغانستان برانگیخته بودند، تمام «اسلام» ها را زیر شعار مخالفت با کمونیسم تحت سیطره خود جمع کنند و از آن برای ادامه غارت و استثمار ثروتهای کشورهای مسلمان و بخصوص نفت استفاده نمایند. اما این خنای آنان نگرش انقلابیون کشورهای اسلامی و در راس آنها پیران امام خمینی در ایران، در دام این حیلۀ انگلیس آمریکائی نیفتادند و آنرا «اسلام» امریکائی خوانند و محکوم کردند. اسلام خمینی صفا و بی آلاچی خود را حفظ کرد و بجهت قیمتی حاضر به مصالحه با «اسلام» امریکائی نشد. چاره ای برای امپریالیستهای انگلیسی آمریکائی باقی نماند، جز اینکه «اسلام» خمینی را منفرد سازند و از نفوذ این «اسلام» در کشورهای زیر سلطه خودشان جلوگیری کنند. اینک ما شاهد یک صحنه سازی فرتانگیز امپریالیستها برای محاصره آیدئولوژیک انقلاب ایران هستیم. امپریالیستها تمام ابزارهای خود را بکار انداخته اند ما را در محاصره اقتصادی، سیاسی، نظامی گرفته اند. تنها محاصره آیدئولوژیک مانده بود، که آن را هم اکنون آغاز کرده اند. جلا دادن بمشی را بخدمت گرفته اند که پرسر پاسداران انقلاب بمب و خیاره بریزند و «علمای» مغرب را برانگیخته اند که از جوامع اسلامی بخوانند «چون تن واحد!» بر ضد خمینی، که منکر «وحدانیت الهی و رسالت محمد پیامبر اوست» (نقل از لولوموند شماره ۷ اوت ۱۹۸۰) قیام کنند. «علمای» نادان و مغرض مغرب، از روی نوشته های روزنامه های کویت و عربستان سعودی، «فتوای» شرم آور

### ضد انقلاب در تدارک ...

بقیه از صفحه ۱  
بیشتری می باید که به تدارکات جنگی روزافزون امپریالیسم آمریکا در منطقه توجه کنیم، که مستقیماً انقلاب ایران را نشانه گرفته است. امپریالیسم آمریکا پایگاه نظامی خود در جزیره دیه گوارسیا را با آخرین تجهیزات مجهز ساخته و در کار ایجاد شبکه وسیعی از پایگاههای نظامی و دریائی در اقیانوس هند و مجاورت خلیج فارس است. امپریالیسم انگلیس عثمان قباوسی و عربستان فهد را با سلاحهای مدرن تجهیز میکند. آمریکا در تدارک تقویت نیروی دریائی عربستان سعودی است و سخنگوی نیروی دریائی آمریکا فلش ساخته، که تعداد ۱۳ قایق موشک یاب و کشتی های مجهز به موشک برای عربستان سعودی در دست ساختمان دارد.

این تدارک وسیع نظامی و صرف میلیاردها دلار هزینه، چنانکه بدیهی است، برای مقابله با رژیمهای پاکستان و ترکیه و مصر و اردن و عربستان سعودی نیست، که مزدورند و دست نشانده و فرمانبر امپریالیسم، بلکه برای مقابله با رژیمهای مترقی منطقه و قبل از همه و بیش از همه با انقلاب ایران است که حضور غیرقانونی و تجاوزگرا را امپریالیسم در این منطقه از جهان مورد سؤال قرار داده است. برای مقابله با انقلاب ایران است، که افسانۀ ساختمانی «جزیره ثابت آریامیری» را رسوا کرد و آفتشان خشم مردم در هر گوشه از این «جزیره ثابت» چنان خرمنهای آتشی بر افروخت، که رژیم دست نشانده و پایگاه و حامی آن در این سرزمین، ساواک و سیا و موساد، در شعله آن دود شدند.

اکنون وزیر خارجه آمریکا، ادویند ماسکی، از گذشته یاد می کند که رژیم شاه منافع ملی آمریکا را تأمین میکرد و امپریالیسم آمریکا دندان از خشم بهم میساید که، چرا رژیم حافظ «منافع ملی» آمریکا را از دست داده است. تمامی تلاش امپریالیسم آمریکا اکنون آنست که نظام جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کند و رژیمی همانند رژیم پیشین بر سر کار آورد، که از «منافع ملی» آمریکا پاسداری کند. اجرای گام بگام طرح برژینسکی در ایران و تیره ساختن عمدی مناسبات با اتحاد جماهیر شوروی، بلین گمان که انقلاب را از بزرگترین پشتیبان خود محروم سازند، ایجاد جو تشنج و تفرقه و آشوب و هرج و مرج، زیر پا گذاشتن قوانین جمهوری و نادیده گرفتن تصمیمات ارگانهای مسئول مملکت و ایجاد اختلال در همه عرصه های حیات کشور، همه و همه تدارک مقدمات آن توفتهای است که باید در روز و سکت نامعلومی علیه انقلاب پیاده شود و انقلاب را در آتش خاکستر کند.

بدیهی است که تا مردم در صحنه حضور دارند، توفیق دشمن ممکن نیست، اما به این شرط که از حضور توده ها در صحنه، استفاده سنجیده بعمل آید و از اینجه شور و ایثار انقلابی مردم بجا و به موقع و طبق برنامه بهره گیری شود. و این امر مهم در درجه اول برعهده مسئولان مملکت است که مردم را متحد و مشکل کنند، حدود وظایف و منکر نبرد هر فرد، هر گروه و هر سازمان دقیقاً مشخص باشد، که در اینصورت دشمن واقعاً تم در مقابله با صفوف درهم فشرده مردمی آگاه و ییاد و متشکل و مجهز کاری از پیش نخواهد برد.

روزنامه اومانیته می نویسد سخنان قطب زاده در مورد حزب توده ایران آکاذیب و اراجیفی بیش نیست و اعضاء حزب توده ایران در صف مقدم رزمندگان علیه رژیم شاه نبودند و بعضی از اعضای حزب ۲۵ سال و پابشتر در سیاهالیهای شاه مخلوع بسر بردند و مقاومت کرده اند.

در عقاید و رفتار و شیوه کنشوراری ملک حسن و محمد رضا چیزی مخالف اسلام نمی دیدند و نمی بینند، که آنرا محذوم لندۀ انوقت که محمدرضا مملکت ما برای جلب شیوخ عرب به سفرهای جهنمگیزی با ایران، باید برایشان «زن» هم آماده کنیم، اندکاه که ساواک دسته دسته انقلابیون ایرانی را در خیابان بسلسل می بست، «علمای» مغرب مفراسلامی خودشان را کجا پنهان کرده بودند؛ و ایا اکنون سران عربستان سعودی، شیخ های خلیج، دیکتاتورهای پاکستان و مصر و ... بدیویری از اصول «اسلام» بدامان امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی خزیده اند، که «علمای» مغرب درباره آنها مهس سکوت بر لب زده اند؟

خیر، آقایان «علمای» مدافع «اسلام»! دیگر نه خنای خودتان رنگی دارد و نه خنای «اسلامتان». در تاریخ خلفای مسلمان دوران تازه ای آغاز شده است. انقلاب ایران نخستین سنگ بنای جامعه نوینی را در کشورهای مسلمان بنا گذارد، که در آن دیگر جانی برای ملوک و شیوخ و امراء و «علمائی» چون شما باقی نخواهد ماند. چنان «تکفیر» این حربه زنگ زده را غلاف کنید. در جاییکه امریکای چپا خوار پا بسپهای هیدرولژی و ناره های هواپیما بر کوه های خود هیچ غلطی نمیتواند بکند، حربه زنگ زده شما هم در محاصره آیدئولوژیک ایران انقلابی تأثیر نخواهد داشت.

ریشه انقلاب ایران عمیق تر از آنست که «وعاظ السالطین» بتوانند آنرا با این حرکات مذبح و نه از قلب مردم مایه یرون بکشند. اینرا در داخل کشور نیز «وعاظ السالطین» یکبار آزمودند و خلق قهرمان ما آنان را منتسحانه به سکوت وادار کسرد. برای دهان ناپاک شما، «علمای» چپه خوار مغرب، نیز میتوان بقدر کفایت مشت گره کرده در ایران یافت.

آذربایجانیها شرب المثلی دارند که میگوید: مگس خودش چیزی نیست، اما دل آدم را بهم میزند. «تکفیر» شما هم فقط چنین مگس است.

به اتومبیل های مردم و در دیوار شهر می چسباندند، تحسن و اعتصاب و کم کاری را تشویق میکردند، بعنوان یکای وظایف سازمانی خود، احتکار و کرافروشی را تبلیغ میکردند و در کار پالک سازی اختلال و آنرا بشد خود تبدیل مینمودند.

### بخود سری ها باید...

انقلاب و دیگران نیز توجه لازم را به این موضوع مهم داشته اند. آقای بنی صدر رئیس جمهور در سخنرانی خود در سیدیه تبران بویژه متذکر شدند: «کشوریکه در محاصره نظامی و سیاسی است و کشوریکه از داخل و خارج درگیر با توطئه است، نتواند عدم هماهنگی را تحمل کند.» ایشان دری خود سری بعضی گروهها، مقامات و نهادها توقف کرده گفتند:

«اگر قرار باشد هر روز گروهی در شهرهای مختلف به حرکت درآیند و برای دولت مساله ایجاد کنند، اینجا را تصرف کنند، آنجا را حکم برانند، این را تویخ کنند، در آنجا شکنجه خانه درست کنند، در آنجا زندان درست کنند و دهها حکومت بوجود بیاورند، یکی این خانه را تبدیل به زندان کند، دیگری آن خانه را تبدیل به زندان کند و هیچکس نداند که این نهادها چه حق دارند این همه زندان داشته باشند، در این محیط ناامن... حکومت، از حکومت کردن عاجز میشود و من تردید ندارم که ملت بزرگ ما، ملت هوشیار ما و این جوانان مسلح ما خواهان نظم و امنیت هستند و میایند کسی عهددار این مسئولیت بزرگ شود و به این دوران استبداد و هرج و مرج با قاطعیت و سرعت پایان بخشد.»

در این زمینه ایات الله قدوسی دادستان کل انقلاب در سینار یادگاریها و داسراهای انقلاب، بویژه روی لزوم پایان دادن به خودسریها تاکید کرده گفت: «توجه به بخشنامه های صادره از مرکز، تقسیم گیریهای خودسراهای پاره ای از دادستانهای انقلاب بدون اطلاع حکم شرع و با لکس، دخالت در کارهای ادارات و امور پاسکاری و تشنه ادارات بصورت خودسراهای بدون اطلاع و دستور مرکز، لغو احکام صادر شده و تشدید یا تضعیف این احکام پس از تویض حاکم شرع بوسیله حاکم شرع جدید، از جمله مشکلات دادگاههای انقلاب است.»

دادستان کل انقلاب رفیع سریع این نارسائیها را خواستار شد. در همین سینار آیت الله دکتر بشتی، رئیس دیوانعالی کشور، با اشاره به تخلفاتی که در احکام یا رفتار دادستانها حکام محاکم و یاقضات میشود، لزوم جلوگیری از این گونه خطا و لغزش و رفع این قبیل نارسائیها را متذکر شد.

اما آنچه در این ارتباط باید در مرکز توجه و دقت دائم قرار گیرد اینست که، تنها تذکر این نکات از جانب مقامات عالی کشور بیچوجه کافی نیست. باید انجام صحیح، بموقع و دقیق وظائف مربوطه را از ارگانها و مقامات اجرائی خواست و بیوسته تحت نظارت و بازخواست قرار داد، زیرا در غیر این صورت زمینه مساعد برای تحریکات عناصر ضدانقلاب و خرابکاری عمل امپریالیسم، که هنوز در این ارگانها باقی مانده و یا در آنها رخنه کرده اند، فراهم میشود. آنها باید به وسیله می توانستند سبب تشدید نارسائیهای مردم شوند، کاسه صبر و متانت انقلابی آنها را لبریز کنند، تشنج و درگیری ایجاد کنند و به نیات پلید خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دست یابند.

بگفته دکتر بنی صدر رئیس جمهور: «مردم امروز ایران مردم عاقل، باغب و رشیدی هستند. اینها میدانند کشورشان در صورتیکه درست اداره نشود باچه مصیبتها بزرگی روبرو خواهد شد.» از اینرو نیز مردم منتظر اقدام جدی و عمل قاطع از جانب ارگانها و مقامات اجرائی و مسئول مملکتند، نه تذکرات و توصیه های بی دریغی.

### شیلی در جنگال تو و پر دیکتاتوری

خیمه شب بازی جدید داروخته خون آشام و فاشیست حاکم بر شیلی در مورد برکناری باسپلاخ رفو اندم در مورد قانون اساسی از یکسو موجب استیزاء و تمسخر محافل اجتماعی امریکائی لاتین شده و از سوی دیگر نشان میدهد رژیم پینوشه علیرغم حمایت بیدریغ اروپائی امریکائی خود، بتدریج در داخل و از تنگنا قرار میگیرد.

محافل فرقیخواه امریکائی لاتین اظهار نظر میکنند باسپلاخ رفو اندمی که قرار است یازدهم سپتمبر (سالگرد کودتای خونین) در شیلی در مورد قانون اساسی بر گزار شود چیزی جز یک نمایش تو خالی برای فریب توده ها نیست. در این باسپلاخ قانون اساسی، اختیارات کامل همچنان در دست «جلاده» باقی میماند و رژیم پینوشه در واقع میخواهد، با این نمایش مسخره به دیکتاتوری فاشیستی حاکم بر کشور، جنبه «قانونی» بدهد، از سوی دیگر رژیم پینوشه در داخل کشور خود را با مقاومت روزافزون خلق روبرو می بیند. در ماههای اخیر همراه با گسترش مقاومت، بویژه بعد از جشن اول ماه مه که علیرغم ممنوعیت برگزاری تظاهرات، هزاران تن در این روز به خیابانها ریختند، دهها کارگر بازداشت شدند. بویژه در دو هفته گذشته بچند کارگر از منزلت کن روده شده و مدتها زیر شکنجه قرار گرفته از جمله دو کارگر را مدت ۱۴ ساعت شکنجه دادند. انباشتن این جنایات، پینوشه را وادار کرده است خود را «بسی اطلاع» از جریان نشان دهد و رئیس پلیس را به عنوان سربلا قربانی کرده است.

محافل سیاسی در امریکائی لاتین اظهار نظر میکنند که هدف پینوشه این است که «آنجاکه نمیتواند محیط امن و آرامی برای رژیم دیکتاتوری بوجود آورد اما از هم اکنون روشن است که تمام این تلاشها، سرانجامی جز شکست نخواهد داشت.

### کمکهای دولت انقلابی افغانستان به دهقانان زحمتکش

کنار شهای رسیده از افغانستان نشان میدهد برداشت محصول سال جاری روبه پایان است. در ایالت بدخشان میزان محصول نسبت به سال پیش ۵ درصد افزایش یافته و در بسیاری دیگر از ایالات نیز محصولات افزایش یافته است. کمک دولت به کشاورزان، از قبیل اعطای ماشین آلات و کود شیمیائی به بهائی نازل و همچنین خرید محصولات، از دلایل اصلی افزایش میزان محصولات است. در ایالات مختلف کشور تقواریهای دهقانی سرعت در حال تشکیل است و دهقانان افغانستان که از زیر یوغ فئودالیسم خون آشام آزاد میشوند دلبستگی روز افزونی به امور کشاورزی نشان میدهند.

# کشورهای اسلامی بر دو نوع اند: ضد امپریالیسم وابسته به امپریالیسم

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس ماهیت ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ایران باید با کشورهای ضد امپریالیست و مترقی اسلامی مناسبات دوستانه برقرار کند و در برابر توطئه های کشورهای اسلامی وابسته به امپریالیسم، بایستد.

سیاست خارجی هر دولت جاسدی، بویژه جمهوری اسلامی ایران، که مولود انقلاب شکوهمند مردم این کشور است، باید منکی بر محاسبه درست واقعیات موجود باشد نه بر تخیلات و القآت، یا بر پیشداوریها و غرض ورزیهای این و آن. برای محاسبه درست واقعیات موجود نیز مباحثی اصولی و معیارهای مشخص لازم است.

ببینیم واقعیات موجود و مباحثی اصولی و معیارهای مشخص در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشورهای اسلامی چگونه باید باشد؟ واقعیات موجود جهان ما بوضوح نشان میدهد که گروهی از دول اسلامی در جهت تحصیل آزادی و استقلال و تأمین منافع مادی و معنوی خلقهای زحمتکش خود به مبارزه جدی علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، برخاسته اند و در این راه دشوار موفقیت هایی نیز بدست آورده اند.

این امر بهیچوجه تعادلی نیست که از میان همه دولت های اسلامی، بویژه این گروه از دولت ها (ونبضت هما)، مانند الجزایر، لیبی، سوریه، یمن، دموکراتیک، نهضت آزادی، فلسطینی و... هستند که از انقلاب شکوهمند ایران پشتیبانی کرده و میکنند.

در همین حال بسیاری از دولت های اسلامی دیگر، از مراکش گرفته تا مصر، عراق، ترکیه، عمان، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، پاکستان و... هستند که، علیرغم منافع واقعی مادی و معنوی خلقهای زحمتکششان، وابسته به امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و دنباله روی سیاست تجا و زکار و سلطه گران هستند. و ملاحظه می کنیم که درست همین دولت ها از میان دول اسلامی هستند که در عمل، هر یک به نحوی از انحاء، به مقابله و رویارویی با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برخاسته اند. در ارتباط با اینگونه دولت ها بود که رهبر انقلاب شکوهمند ایران، امام خمینی، در دیدار خود با نمایندگان سازمانهای آزادیبخش شرکت کننده در کنگره قدس گفتند:

"سما سرنا سرمالک اسلامی را وقتي که ملاحظه کنید، کم جایی را می توان سید پیدا کنید که مستقلاناً بوسیله حکومت - هایشان ایجاد نشده"

جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب شکوهمند مردم کشور، برهبری امام خمینی است. سیاست خارجی این جمهوری، که خود مولود انقلاب است، باید قبلاً از هرجبیز و با قاطعیت و مراجعت هر چه تمام تر در راستای انقلاب، برای خدمت به تحکیم و دفاع و دستاوردهای انقلاب و پیشبرد آن باشد.

انقلاب ایران دارای ماهیت ضد امپریالیستی و خلقی است. همین ماهیت اساسی نیز باید تعیین کننده سمت کلی و امیلی سیاست خارجی ایران باشد. بر این اساس روسن است که در فعال دولت های اسلامی نیز ماهیت ضد امپریالیستی و خلقی باید مبنای اصولی مناسبات، خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل دهد. و الا تنها اسلامی بودن، چنانکه رهبران انقلاب امام خمینی، نیز تأکید کردند، نمیتواند و نباید منای کار باشد.

حکومت هایی که در بلاد مسلمین ست، اینها به اسلام هیچ کاری ندارند اگر بکدفعه اسلام بگویند برای اینکه شما را بازی بدهند اسلام دام هم مثل اسلام محمد رضا خان است. سلام آن مصری هم، سادات هم مثل سلام سدام است.

بدینسان بر مبنای ماهیت ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ایران، جمهوری اسلامی ایران میتواند مناسبات مترده و همه جانبه ای با دولت ها

## سازمان های توده ای نیکاراکوه را بشناسیم

هنوز چند روزی از پیروزی مردم تهران نیکاراکوه بر رژیم سرسپرده خاندان سوموزا نگذشته بود، که سازمانهای توده ای گوناگون در آن کشور تاسیس یافت. اکثر این سازمانها بنا انتخاب صفت "ساندینیستی" در عنوان خود، از یکسوز نام ژنرال آگوستو سزار ساندینو "قهرمان خلق نیکاراکوه" تجلیل کرده اند و از سوی دیگر آمادگی خود را برای پیشبرد دگرگونی های بنیادی و دموکراتیک در نیکاراکوه، بر رهبری "جبهه ساندینیست آزادی ملی نیکاراکوه" ابراز داشته اند.

ما در زیر به معرفی برخی از این سازمانهای توده ای می پردازیم:

کمیته های دفاع ساندینیست این کمیته ها ارگانهای خودگردانی هستند که در دوران مبارزه مسلحانه با رژیم سوموزا در مناطق آزاد شده بنیادگذاری شدند، و پس از پیروزی، به همه محلات و منطقه های شهری توسعه یافتند. هدف "کمیته های دفاع ساندینیست" عبارتست از تأمین امنیت و نظم، روشنگری سیاسی مردم و حل مسائل آنها.

گانون ساندینیست زحمتکشان این سازمان زود پائیز ۱۳۵۸ تاسیس یافت و بزودی به بزرگترین سازمان سندیکائی نیکاراکوه مبدل شد.

گانون ساندینیست زحمتکشان "فدراسیونیست" است، مرکب از سندیکاهای مبارز پیش از انقلاب و اتحادیه هایی که پس از پیروزی در صنایع نیکاراکوه تشکیل شدند.

نمایندگان "گانون ساندینیست زحمتکشان" در مدیریت همه موسسات دولتی شرکت دارند.

انجمن ساندینیست کارگران کشاورزی در دوران حکومت دیکتاتور سوموزا،

۲۶ تیر ۱۳۵۸: دیکتاتور سوموزا از کشور میگریزد.

۲۸ تیر ۱۳۵۸: اورکویو، که از سوی سوموزا بعنوان نخست وزیر موقت اعلام شده بود، فرار می کند. "جبهه ساندینیست آزادی ملی" پیروزی نظامی خود و پایان استبداد سوموزا را اعلام می دارد.

۲۹ تیر ۱۳۵۸: "سورای دولت بازسازی ملی" در فرمان شماره ۱ خود اموال و اطلاق سوموزا را معادله می کند و به مالکیت خلق می سپرد.

۲ مرداد ۱۳۵۸: برای تضمین و تسریع بازسازی ملی قانونی بنام "قسانون اغفرار ملی اعلام می گردد.

۳ مرداد ۱۳۵۸: بانک های خصوصی ملی می شوند. نخستین شماره "باریکادا" ارگان "جبهه ساندینیست آزادی ملی" انتشار می یابد.

۱۵ مرداد ۱۳۵۸: اصلاحات ارضی، با تقسیم املاک سوموزا میان سیس از ده هزار دهقان و تشکیل تعاونی ها آغاز میشود.

۱۷ مرداد ۱۳۵۸: تشکیل سیستم دولتی بهداری و بهداشتی و "انستیتو بازرگانی داخلی و خارجی".

۱۸ مرداد ۱۳۵۸: ملی شدن بازرگانی (نهضت های) مترقی اسلامی دانسته باشد، که در مبارزه بیگانه علیه امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در راه آزادی، استقلال، رفاه و ترقی مردم زحمتکش با کشور و مردم ما منافع اساسی مشترک مادی و معنوی دارند. بزرگای از خطاهای دولت موقت، بویژه وزارت خارجه، آن، این بوده است که تاکنون که یکسال و نیم از قیام قهرمانانه، مردم ایران میگذرد، هنوز هم مناسبات جمهوری اسلامی ایران با عده ای از دولت های مترقی اسلامی، که زیاد هم نیستند (بطبیر لیبی، یمن دموکراتیک) چنانکه ساینده است، نیست، برعکس، وزارت امور خارجه ایران، به خصوص در دوران تعدی آقای قطب زاده دائما تلاش کرده است تا با دولت هایی نظیر ترکیه و پاکستان و امارات متحده عربی مناسبات دوستانه برقرار کند.

اکون که اولین دولت قانونی جمهوری اسلامی ایران در سرف تشکیل است، وقت آن رسیده است که درسیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بطور کلی، و در مناسبات آن با دولت های اسلامی بویژه، تجدید نظر اساسی بعمل آید.

## در جهان سوسیالیسم

### افزایش در آمد ملی، تولید صنعتی و بار آوری کار در «شورای همیاری اقتصادی»

در سال گذشته درآمد ملی شوراهای عضو «شورای همیاری اقتصادی» ۴/۵ درصد افزایش یافت. در همین سال افزایش تولید صنعتی در این کشورها ۳/۶ درصد بود. بدین ترتیب، تولید صنعتی شوراهای عضو «شورا» در چهار سال گذشته ۲۲ درصد افزایش پذیرفته است.

سال پیش شوراهای «شورای همیاری اقتصادی» ۱۶۶۰ هزار میلیون کیلووات ساعت برق، ۶۰۴ میلیون تن نفت، ۴۶۰ میلیارد متر مکعب گاز، ۲۱۰ میلیون تن فولاد، ۳۷۰ هزار ماشین ابزار سازی، ۷۲۳ هزار تراشور، ۲۱۲۵۰۰ ماشین سواری، ۸/۷ میلیون پخمال، ۳۵ میلیون تن لود معدنی، ۱۹۴/۲ میلیون تن سیمان تولید شد. در چهار سال اخیر تولید صنایع مندرسی و فلز کاری در شوراهای نامبرده ۴۰ درصد افزایش یافت. در این دوران بار آوری کار در صنایع این شوراهای ۱۷/۱ درصد از بداد پیدا کرد. شوراهای عضو «شورا» در چهار سال افزایش تولید صنعتی خود را مدیون از دیدار بار آوری کار بوده اند.

## در جهان سرمایه داری

### وخامت اوضاع اقتصادی در کشورهای امپریالیستی

چندی پیش خبرنگار خیر گزار «آوسو شیل پرس» جنگ آبوت، نوشت به پیش بینی «سازمان همکاری توسعه اقتصادی»، غرب در انتظار بدترین سال از ۱۹۷۵ تا کنون باید باشد. در سال جاری. احتمال دارد که تورم، بیکاری و سر موازنه پرداختها و ثوردهای جدیدی بجای بگذارند و آنگاه رشد در بیشترین حالت به ۳/۵ درصد کاهش یابد. «سازمان همکاری توسعه اقتصادی» اخطار داده است که چنانچه کشورهای تولید کننده نفت، تولید خود را پائین نیاورند بیست و چهار کشور عضو «سازمان» به اقدامات جدی برای تحدید مصرف نفت نپردازند، آبنده این شوراهای از این نیز تیردهتر خواهد بود.

اوایل دسامبر سال گذشته، «سازمان همکاری توسعه اقتصادی» بر پایه رشد ۳/۲۵ درصدی فر آورده ناویژه اجتماعی شوراهای عضو «سازمان» در سال ۱۹۷۹، پیش بینی کرد، که این رقم در سال ۱۹۸۰ تا ۲۱ درصد خواهد بود. اینک پیش بینی میشود که آننگ «رشد» ایالات متحده آمریکا و بریتانیا در سال ۱۹۸۰ برترتیب ۱/۵- درصد و در صد ۲ درصد باشد. بزرگترین رقم رشد برای ژان. به مقدار ۴/۷ درصد، پیش بینی شده است. آنگاه رشد جمهوری فدرال آلمان ۲/۲۵، فرانسه و ایتالیا ۲ و کانادا ۱/۵ درصد خواهد بود. به موجب این گزارش، در سال ۱۹۸۰ نرخ تورم در کشور «سازمان» به ۱۰ درصد و سری موازنه پرداختها به ۵ تا ۵۵ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. نمازده بیجران، که در پایان سال پیش ۱۶/۷ میلیون بود، نظریه ۱۹/۵ میلیون و اواخر سال ۱۹۸۰ به ۲۰ میلیون خواهد رسید و بدین ترتیب رتورده جدیدی بجای خواهد گذاشت.

به مبارزه سیاسی و نظامی برای پیشبرد حقوق قانونی خلق فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت خووس و سکیل یک کشور ملی مستقل، مسغول است.

برنامه "جبهه دموکراتیک" هدف اسرانیکی این سازمان را ایجاد جامعه سوسیالیستی در حد کسری تعیین می کند. "جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین" با احزاب کمونسست منطقه خاور میانه و مخالف عرب صهیونیستی اسرائیل دارای مناسبات برودک و برادرانه است و در درمنه سیاست خارجی برای دوستی خلق فلسطین با اسحد جاهرسوری و دیگر کشورهای سوسیالیستی اهمیت اسرانیکی قائل است.

نایف حواتمه، دبیرکل "جبهه دموکراتیک"، بارها تأکید کرده است که برای رویارویی با افریس دسیسه های امپریالیستی در خاور میانه، لاریست که بیوند میان "سازمان آزادی بخش فلسطین" و "جنس ملی- صربی لیبان" کسریس باسد و "جبهه باعداری عرب" هرچه سیسر بحکم بذرد.

"جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین" سالیهاست که نا حزب بوده، ایران مناسبات دوستانه دارد. هئت باسدکي حزب ما در اسفندماه گذشته، در مراسم یازدهمین سالگرد نامسس "جبهه دموکراتیک" در سربود و دسو سرک حست و ما اسفصال برسر مردم فلسطین روبرود.

## گاهنامه انقلاب نیکاراکوه

خارجی برای صدور فرآورده های سنتسی (شبهه، قهوه، محمولات ماهی) و ورود کالا های ضروری، تشکیل دادگاه عالی، ۱۲ شهریور ۱۳۵۸: نیکاراکوه در ششمین کنفرانس جنبش غیرمرتبه ها به عضویت این کنفرانس می آید.

۲۶ شهریور ۱۳۵۸: با آغاز سال تحصیلی، آموزش دبستانی و دبیرستانی رایگان اعلام می گردد.

۶ دی ۱۳۵۸: تشکیل "جامعه صنعت خلق" برای رهبری و اداره موسسات ملی شده.

۱۱ دی ۱۳۵۸: "برنامه اقدامات اضطراری و نوسازی بسود خلق"، که از سوی دولت تهیه شده بود، آغاز میگردد. بموجب این "برنامه"، تدارکات گذار به اقتصاد طبق نقشه فراهم خواهد آمد. از دیگر هدف های آن، میتوان از ایجاد کار برای ۹۰ هزار بیکار و بهیچسود تأمین خوار و بار برای سکنه نام برد.

۵ اسفند ۱۳۵۸: تشکیل "سبانه ساندینیست خلق" آغاز میشود. ۴ فروردین ۱۳۵۹: کارزار "نیکاراکوه" بسوادی" نشایتمی یابد. صد وهشتاد هزار آموزگار به تعلیم ۹۰۰ هزار بسواد می پردازند.

۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹: "سورای حکومت نیکاراکوه" افتتاح و بدین ترتیب مرحله ای نو در روند دگرگونی های دموکراتیک نیکاراکوه آغاز می شود.

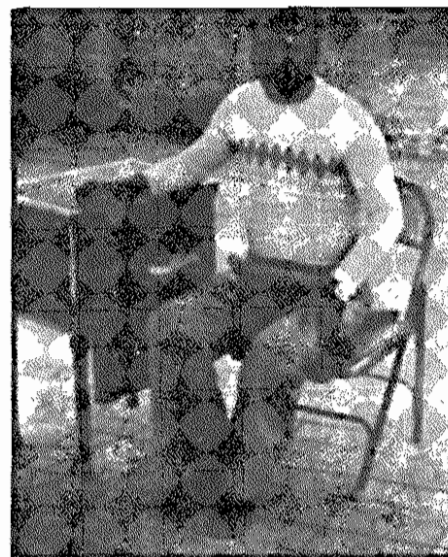
جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین را بشناسیم

«جبهه دموکراتیک» برای دوستی خلق فلسطین با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اهمیت استراتژیک فائل است

جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین در سوم اسفند سال ۱۳۴۸ پس از اسباب سرحی از بنامگزاران آن از "جنس خلق برای آزادی فلسطین" نامسی یافت. دبیرکل "جبهه دموکراتیک" رفیق نایف حواتمه است، که از نامسس این سازمان تاکنون سمت نامبرده را برعهده دارد.

"جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین" در "سازمان آزادی بخش فلسطین"، برهبری باسر عرفاب، عضویت دارد. "جبهه دموکراتیک" همچنین در "سورای ملی فلسطین" شرکت میکند و در "کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین" دارای یک نماینده است. "جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین"، در خارج متصوبات "سازمان آزادی بخش فلسطین"،

### کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان انجام خواستهای بحق خود را میخواهند



بخشنامه‌های فقط بهانه‌ای بود برای سرکوب راه تازه‌ای بود برای منحرف کردن ذهن زحمتکشان.

در این مورد، همانطور که صدر موارد دیگر نیز متذکر شده‌ایم، نظام انقلابی می‌تواند و باید دستمزدها را بر مبنای نیازهای ضروری زندگی خانوادگی کارگران و متناسب با هزینه زندگی تنظیم و پرداخت کند.

در مورد دیگر، ناراضیاتی کارگران، مشکل و شیوه مدیریت این شرکت را در بر می‌گیرد.

شخص مدیر عامل شرکت در مصاحبه با روزنامه حرکت اصفهان (شماره ۲۶ تاریخ ۵۹/۲/۳۰) ضمن اشاره به ناراضیاتی کارکنان شرکت از شیوه اعمال مدیریت، آن را "طبیعی" دانسته و گفته است که هر کسی حق خود را می‌خواهد و چون همه به این حق نمی‌زنند، ناراضی می‌شوند.

البته با قسمت اول این اظهارنظر که ناراضیاتی "طبیعی" باشد، نمیتوان موافق بود. اگر مدیریت انقلابی در واحدهای گوناگون اعمال شود، بی تردید با استقبال عموم زحمتکشان روبرو خواهد شد و بویژه در شرایط بفرنج کنونی، در حالی که امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب دست پرورده‌اش از هر امکانی بسود خود استفاده می‌کنند، این گونه ناراضیاتی ها طبیعی نیست و نباید چنین بر خوردی با آن بشود. باید زمینه‌های واقعی ناراضیاتی های عمومی را از میان برداشت و چنین کاری جز با برخورد اصولی ممکن نیست. بر- خود اصولی ناراضیاتی را نوعی عارضه دردناک و نا سالم می‌داند و در رفع آن می‌کوشد.

اما قسمت دیگر گفته مدیر عامل شرکت واحد اصفهان گوشه‌ای از واقعیت را در خود دارد. هر کس حق خود را می‌خواهد. این درست است. نمی‌توان در کوتاه مدت هم خواست‌های همه افراد را بر آورد. این هم درست. ولی میتوان بطور عمده، خواست‌های اولیه و نیازهای ضروری زندگی روزمشره خانوادگی زحمتکشان را مرتفع کرد این کار شدنی است و کارگران، عموماً چیزی را در این حد را مطرح می‌کنند. ناراضی کارگران، بر خلاف نظر مدیر عامل، در این جا نیست. در آن است که مدیریت سندیکا را منحل میکند و خود را مستقیم در برابر کارگران قرار میدهد. داشتن سازمانهای صنفی حق مسلم زحمتکشان میهن ماست. این را قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح کرده است. کارگران جز با تشکیل در سازمانهای صنفی نمی‌توانند از حقوق خویش بطور سازمان یافته و بنا بر این موثر و مفید در برابر تجاوز کار فرمایان و اجحاف‌های گوناگون دفاع کنند.

این را خود کارگران بتجربه دریافته‌اند. کارگران می‌دانند که انحلال سازمانهای صنفی بمعنای فراهم کردن مقدمه و زمینه لازم بمنظور تضعیف و پایمال کردن حقوق آنان است. اما این نظام انقلابی چنین نمی‌خواهد و دست‌اندر کاران مسئول آن نیز در این جا و آن جا نباید دست به اقداماتی زنند که چنین شبهه‌ای را برای بهره‌ای زحمتکشان فراهم آورد.

ما امیدواریم که قانون کار آینده با صراحت انقلابی از هر جهتی بر این خواست بحق و اصولی کارگران صحه گذارد و شرایط و چارچوب واقعی و عملی آن را مشخص کند.

قبل "تمام جمعه‌ها کار می‌کردیم و مزد می‌گرفتیم، ولی الان فقط یک جمعه در هر ماه به ما حقوق میدهند. حق پارکینگ و ناهار هم که کم شده. گرانی هم بیداد می‌کند. من بفکر خودم نیستم، ولی جواب زن و بچه‌هایم را نمی‌توانم بدهم."

حسین ساگی، راننده خط ۱۲؛ برای وام به کارگران شرکت

بودجه‌ای در نظر گرفته شده، ولی به هیچکس وام نمی‌دهند. حقوق ماها نسه ما را هم ۱۰ الی ۱۲ روز دیر می‌دهند. عباس هاشمی، بلیط فروش نا-

بینای خیابان شیخ بهایی؛ برای وام به کارگران شرکت

روزی ۶ و ۷ تومان شروع کردم و موقعی که سنار به حقوقم اضافه شد، هزینه زندگی چندین برابر بالا رفت. من از عهده این قیمت‌ها بر نمی‌آیم. تازه حق جمعه‌ها و حق ناهار و پارکینگ را هم که کم کرده‌اند.

حسین رستگار پناه، بلیط فروش خیابان فلسطین؛

بازده سال سابقه کار دارم و هفت نفر را باید غذا بدهم. حق اولاد، بیمه، پارکینگ و ناهار را، که جمعا ماهانه هزار تومان میشود، از من کم کرده‌اند. با این وضع گرانی قادر به هیچ کاری نیستم.

آنچه مسلم است، کارگران شرکت واحد اصفهان عموماً از میزان دستمزد خویش ناراضی‌اند. آنها زیر بار کم- شدن هزینه سرسام آور زندگی شانسه خم کرده‌اند. گرانی طاقت فرماست و افزایش اندک دستمزدها نیز چندان دردی از آنان دوا نکرده است.

بدیهی است که دستمزدها در مقایسه با دوران طاغوت، بقول مدیر عامل شرکت واحد اصفهان، روزانه می‌رسد و سه ریال افزایش یافته است. ولی مقایسه با میزان دستمزد در دوران - طاغوت گویای همه جوانب این مساله نیست، بلکه این مقایسه مویذ آن است که در نظام جمهوری اسلامی ایران به کارگران توجه بیشتری شده است. اما کارگران از مؤلفین این نظام انقلابی بدرستی انتظار دارند که وضع سابق را مبنای نگیرند. در گذشته هیچ حکمی و هیچ امتیازی نبود کارگران نبود. هر

اصفهان آمد، ولی متأسفانه به جای گفتگو با کارگران، با شورش که ما آنرا منحل کرده ایم، تشکیل جلسه داد و افرادی را اخراج کرد. اگر این وضع ادامه پیدا کند، مستقیماً "پیش امام می‌رویم. اینجا نمی‌توانند انقلاب را برگردانند."

حسین علی ریش سفیدان، بلیط فروش میدان امام؛

در حدود ۶ سال است که در این شرکت کار می‌کنم. خانه من نزدیک دولت آباد است و آنجا نیز کیوسک بلیط فروشی هست، ولی من باید از خانه ام سه تومان پول تاکسی بدهم و به میدان امام بیایم، در صورتیکه میتوانم مرا در همان کیوسک نزدیک خانه ام بگذارند. با آمدن مدیرعامل فعلی، حق ناهار و پارکینگ را از ما کم کرده‌اند. برای ایجاد تفرقه، حق ناهار را به راننده‌ها میدهند، ولی به بلیط فروشها، کم کرده‌اند و ما کنترل چپی‌ها نمی‌دهند. دلم خوش است که هشت ساعت در روز کار میکنم، ولی وقت آزادم را باید دنبال گرفتن بلیط باشم، در حالی که میتوانم بلیط را بیاورم و به ما بدهند."

اصغر دهقان، بلیط فروش خیابان حکیم نظامی؛

۱۰ سال سابقه کار دارم. قبلاً حقوق ماها نه من با کار روزجمعه و کلیه مزایا ۲۷۰۰ تومان می‌شد. ولی الان جمعه‌ها کار تعطیل است و ۳۰۰ تومان با بخت آن از حقوق من کم کرده‌اند. حق ناهار و پارکینگ هم که دیگر نمی‌دهند. هشت سال پیش مرخص شدم و یک بایم فلج شد، ولی هنوز بیمه به آن رسیدگی نکرد. است، در حالیکه همیشه حق بیمه از ما کم میشود. همین الان که با شما صحبت می‌کنم، بایم درد می‌کند. بر اثر نداشتن خانه و زندگی نتوانسته‌ام زن بگیرم. میدانم وضع دولت ناسا مان است، اما انتظار دارم که به وضع ما رسیدگی کنند. گرانی ما بحتاج کمم را شکسته است." حسین علی نظری، کمک راننده خط

۱۲؛ سال است در شرکت کار می‌کنم. شش سال بلیط فروش بودم و بعد از آن تا حالا کمک راننده هستم.

اتوبوسهای شرکت واحد همه روزه انبوهی از مردم را، که اکثراً جز و طبقات کم درآمد و محروم جامعه هستند، از گوشه‌ای به گوشه دیگر شهر می‌برند.

شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان حدود ۸۰۰ نفر کارگر اعم از بلیط فروش، راننده، کمک راننده و تعمیرکار، و صدوسی دستگاه اتوبوس دارد، که باید در ۲۶ مسیر مختلف حرکت کنند. مسافری اتوبوسها اغلب از کمبود اتوبوس و دیر رسیدن آن نکایت دارند. برای آشنائی با وضع کارگران این شرکت و اطلاع از خواسته‌های آنها و نیز تحقیق در مورد علل ناراضی مسافری، به نقاط مختلف شهر رفتیم و بارها با کمک راننده‌ها و بلیط فروشان به صحبت نشستیم.

"اغلب اوقات ماشین در خط‌ها نیست. مثلاً بجای ۷ ماشین، در خط سیرها بیشتر وقتها ۳ ماشین دررفت و آمد است. خوب، معلوم است که ما هم نمیتوانیم نیاز مردم را بطور کامل برطرف کنیم. ماشینها مرتب سرویس نمی‌شوند و علت این امور هم عدم تصفیه کامل در شرکت است. از عباسعلی موحدی، راننده خط شماره ۳، در این مورد سؤال میکنیم. می‌گوید:

ما ۱۳۰ دستگاه ماشین داریم که سی‌تای آن همیشه بعلت خرابی خوابیده است. تعمیرگاه هم بخاطر کم کاری و کمبود کارگر ما هر کارش بازده چندانی ندارد و اغلب ماشینها تعمیر نشده رابه راننده دیگر تحویل میدهند. از طرف دیگر صد دستگاه ماشین را که باید برای ایاب و ذهاب مردم بکار بیاورند، مدیر شرکت به موسسات دیگر مثل شرکت نفت، راه آهن، مرکز تکامل صنعتی، دانشگاه، شهرداری، کارخانه ناسیونال و حتی برای کارهای دیگر بطور درستی کرایه میدهد. از وضع خودشان می‌پرسیم. درد دلها زیاد است و تا کنون هیچگونه رسیدگی به آن نشده. چشم امیدشان بدولت انقلاب است و از کارکنانی های مسئولین شرکت به تنگ آمده‌اند. رشته سخن را به آنها می‌سپاریم، زیرا حرفهایشان ما را از هر گونه توضیح اضافی بی نیاز می‌سازد.

محمد کریمی، بلیط فروش میدان امام؛

"سیزده سال سابقه کار دارم. قبل از آمدن مدیر عامل جدید، سندیکای تشکیل داده بودیم که در جهت خواستهایمان قدم بر میداشت. ولی دو ماه پیش مدیر عامل جدید آمد، سندیکا را منحل کرد و یک شورا تشکیل داد. ولی ما کارگران شرکت با اکثریت آرا شورا را منحل کردیم و خواهان تشکیل مجدد سندیکا هستیم. فعلاً نه شورا و نه سندیکا داریم، که از حقوقمان دفاع کنند. مدیر عامل بی جهت در کار شرکت تعاونی دخالت می‌کند. او حق ناهار و پارکینگ ما را حذف کرده و بی جهت سعی در ایجاد ناراضیاتی بین ما می‌کند. یکبار می‌خواستیم بطور دستجمعی مقابل استانداری تحصن کنیم، ولی بخاطر فرمان امام و جلوگیری از تشنج از اینکار خودداری کردیم. عیسی نیازی، راننده خط شماره ۱۲؛ تنها وزارت کار قادر به منحل کردن سندیکا است. در صورتیکه مدیرعامل فعلی شخصاً سندیکای ما را منحل کرد و یک شورای مصلحتی تشکیل داد. ولی ما با هوشیاری و با اکثریت آرا شورا را منحل کردیم. یک هیئت پاکسازی به

#### سندیکای کارگران و کارکنان سینماهای تهران:

#### باملی کردن صنعت سینما، کارگران این صنعت را زیر پوشش قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی قرار دهید.

جاده قدیم شیراز-کازرون را تعمیر کنید.

بسیار از احداث جاده جدید شیراز - کازرون، جاده قدیم آن بصورت مغروبه و غیر قابل استفاده در آمد. در مسیر این جاده چندین روستا قرار دارد، که بعلت وضع خراب جاده، روستاییان مجبورند مسیر دیگری را طی کنند و از طریق تنگ بل الحیات به کازرون روند، و این خود مستلزم خرج بیشتر و تحمل زحمات فراوانی است.

روستاییان این مناطق میگویند: "با توجه به وضع خراب جاده، چطور مریضی خود را به شهر برسانیم؟"

از سوی دیگر، اغلب ماشینهای راه سازی در این منطقه را که مانده است و با توجه به خرابی جاده، روستاییان خواهان ترمیم جاده قدیم شیراز-کازرون هستند، تا برای رفت و آمد مبدعه کازرون در مضیقه نمانند.

ما امیدواریم که هر چه زودتر با ترمیم این جاده، مشکلات دهقانان این ناحیه رفع شود.

ادامه دارد. قوانین کار و بیمه اجتماعی درباره کارگران و کارکنان سینماها بطور کامل اجرا نشده، و این قشر عظیم زحمتکش از نظر شرایط کار در وضع سختی بسر میبرد. سندیکا خواستار آنست که همزمان با ماملی کردن صنعت سینما در ایران، کلیه کارگران و کارکنان سینماها بخد مت دولت درآیند و از مشمول قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی و دیگر مزایا برخوردار شوند. سندیکا امیدوار است که هر روز وحدت سندیکایی این قشر کارگران روز افزون و همبستگی تمام کارگران سینماهای سرتاسری کشورمان ایران عزیز پرتوان تر و متحدتر گردد.

سندیکای کارگران و کارکنان سینماهای تهران و حومه در شرایط کنونی با توان هر چه پرتوانتر از انقلاب ایران از دستاوردهای انقلاب دفاع کرده و مبارزه علیه تهاجم نظامی و تحریم اقتصادی امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، را وظیفه میهنی و انقلابی خود میدانند، و در خا نواده کارگری، آمادگی خود را جهت دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی برهبری امام خمینی اعلام می‌دارد.

موارد آن، از فیلم سازی تا نمایش فیلم، ملی شود. مسلماً در این صورت است که وسیله بسیار مهم تبلیغاتی از یک سرمایه داران آزمند داخلی و خارجی را شده و امکان تبلیغ بسود هدفهای ملی و میهنی مردم ایران، برهبری امام امت خمینی بت شکن، فراهم میگردد.

۳- سندیکا معتقد است که صنعت سینما در ایران چنانکه شاید و باید ترقی نموده و آنچه در گذشته وجود داشته، کاریکای توری از صنعت سینما بوده است. سینما وسیله مهمی در تبلیغ و اشاعه میهن پرستانه و استقلال طلبانه است. سینما در آگاه‌ها دادن به توده مردم و نشر افکار مترقی و اخلاق متعالی در آنان نقش مهمی ایفا می‌کند. بنا بر این صنعت سینمای ایران باید بطور همه جانبه تقویت گردد. فیلمهای ایرانی به روی محنه درآید و سینما وسیله‌ای آموزشی و مفیدی تا قلب روستاها رسوخ نماید.

۴- کارگران و کارکنان سینماهای تهران و حومه در سالهای رژیم طاغوت در معرض شدیدترین استثمار و نقض حقوق انسانی قرار داشته‌اند، که هنوز هم

سندیکای کارگران و کارکنان سینماهای تهران و حومه، در ارتباط با مسایل صنعت سینما، اخیراً با انتشار بیانیه‌ای، ضمن طرح نظرات خود، رهنمودهای مفیدی ارائه داشته است. در این اعلامیه می‌خوانیم:

سندیکای کارگران و کارکنان سینماهای تهران و حومه اوضاع کنونی و گذشته سینماهای سرتاسری کشور عزیزمان ایران را بشرح ذیل با طلاع کلیه کارگران سینماهای ایران و مردم میهنمان می‌رساند:

۱- فعالیت ما حبان سینماها را در ۲۵ سال گذشته، که به نمایش فیلم های مبتذل آمریکایی و غربی با جمع ایرانی را به فساد کشاندند و مدها میلیاردریال پول درآمد مردم ایران را بجیب انحصارات فیلم سازان آمریکا و دول غربی ریخته‌اند و در همین حال با دستگاههای پلیسی رژیم همکاری نزدیک داشته‌اند، قویا محکوم می‌کنند.

۲- سندیکای کارگران و کارکنان سینماهای تهران و حومه معتقد است که صنعت سینمای ایران باید از دست کار فرمایان خصوصی خارج شده، در تمساک

# شکوه آرمان‌های المپیک



روز هفتم اوت سال ۱۹۸۰ (۱۶ مرداد ۱۳۵۹) روزنامه "پراودا" مقاله‌ای از یگناتی نوبکوف سرپرست کمیته برگزاری المپیک ۸۰ و معاون شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی تحت عنوان "شکوه آرمان‌های المپیک" منتشر کرد،

که در زیرخلاصه‌ای از آن را به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسانیم:

ورزشکاران اغلب کشورهای جهان در زیرپرچم‌های المپیک، در بازیهای المپیک ۸۰ مسکو گرد هم آمدند. هیئت‌های ملی ورزشی از ۸۱ کشور ۵ قاره جهان، جمعاً بیش از ۸ هزار نفر و از جمله ۶ هزار ورزشکار، در بازیها شرکت کردند. در این مسابقات ۲۰۳ سری مدال در ۲۱ رشته مختلف ورزشی به ورزشکاران کشورها تعلق گرفت، که این بزرگترین برنامه ورزشی در تاریخ جنبش المپیک محسوب می‌شود. برای انجام مسابقات، در شهرهای مسکو، تالین، لنینگراد، کیف و مینسک مناسب‌ترین شرایط و امکانات فراهم گردید. شرکت‌کنندگان و میهمانان المپیک از تشکیلات و وسایل ورزشی مجهز، امکانات مدرن تکنولوژی ورزشی، دستگاه‌های ارزیابی و قضاوت فوق‌العاده دقیق، تابلوی اعلانات و همچنین هتلها، خوابگاه‌ها و امکانات حمل و نقل، سالنهای غذاخوری و رستورانها، که برای پذیرایی از آنها در نظر گرفته شده بود، افسراز رضایت بسیاری گردیدند.

نتایج مسابقات حاکی از موفقیت بازیهای المپیک ۸۰ است. در میدانهای ورزشی مسکو ۷۴ رکورد المپیک و ۲۶ رکورد جدید جهان شکسته شد.

جمعاً ورزشکاران ۳۶ کشور از سراسر جهان موفق شدند مدالهای المپیک را دریافت کنند و ۱۰ تیم صدرنشین نیز عبارتند از: اتحاد شوروی با ۸۰ مدال طلا، ۶۹ نقره و ۴۶ برنز و سپس تیمهای جمهوری دمکراتیک آلمان، بلغارستان، لهستان و مجارستان، رومانی، انگلستان، کوبا، چکسلواکی و ایتالیا.

در تمام مسابقات، رقابتها در سطح بالا بود، بطوریکه سرپرستان فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی معتقدند که المپیک ۸۰ مهمترین رویداد ورزشی برای یک دوره چهار ساله است. ۱۲۴۵ داور از ۷۸ کشور جهان به سوگند خویش کسه در مراسم گشایش یاد کرده بودند، تا به بهترین نحو به وظایف خویش عمل کنند، فادارمانندند و مقررات را با پیروی از روح واقعی ورزشی رعایت کردند.

اعضای کمیته بین‌المللی المپیک، سرپرستان فدراسیونهای بین‌المللی ورزشی، کمیته‌های ملی المپیک و سایر مقامات اعضای برجسته جنبش بین‌المللی ورزشی برای شرکت در بیست و دومین بازیهای المپیک به مسکو آمدند. همچنین میهمانان قتلخاری و نماندگان محافل اجتماعی سیاری از کشورهای جهان در المپیک شور یافتند.

جمعاً ۵ میلیون تماشاچی از شوروی تورپست خارجی ۲۲ کشور جهان شاهد برگزاری مسابقات در میدانهای ورزشی المپیک بودند. فرستنده‌های ۵۹ کشور نتلف همه روزه صدها برنامه و رپرتاژ باره بازیهای کشورهای خویش تا بهره می‌کردند، که این برنامه‌ها جمعاً را میلیاردها تماشاچی در سراسر جهان شت.

بیست و دومین دوره بازیهای المپیک مطبوعات نیز انعکاسی وسیع یافت. شاز ۵۵۰ نماینده رسانه‌های گروهی در اختیار داشتن مراکز مطبوعاتی کزی و فرعی مجهز، در استادیوم‌ها و جمع‌های ورزشی به تهیه گزارش از زبهای المپیک پرداختند.

خلق شوروی با میهمانان بسیار شرکت‌کنندگان و میهمانان المپیک تقبال کرد. همه‌گونه خدمات لازم در اختیار ان‌بود. طبق نظر همگانی، دهکده المپیک کو بی‌نظیر است. در این دهکده تمام پیل راحتی، استراحت و حتی انواع لرمی فراهم بود. فضای شادی آور و بان انگیز و احساسات دوستی و روابط با خانواده بزرگ و چندملیتی بپیک از خصویات بارز این دهکده باب می‌آمد.

برنامه‌های جنبی فرهنگی المپیک ۸۰ شنواره هنرمندل گردید، که در جریان نمونه‌های بارز هنرملی همه‌جمهوریهای وی به نمایش درآمد. نمایشگاه‌های آثار ی در مسکو و سایر شهرهای محل برگزاری بقات، بسیار مورد توجه قرار گرفتند. بسیاری از مقامات برجسته جنبش المللی المپیک در باره موفقیت ت و دوومین بازیهای المپیک اظهار نظر هاند.

پرنس الکساندر دمروود، عضو کمیته مللی المپیک از بلژیک، معتقد است

## کارگران قندریز: تلخکام در زندگی

کارگران صنعت قندریز، که از جمله با سابقه‌ترین کارگران ایران هستند، عمدتاً در کارگاههایی (در حدود ۱۰۰ کارگاه کوچک و متوسط در تهران) که در نقاط مختلف تهران مانند: جاده قم و جاده مسگرآباد و کاروانسراهای اطراف شوش قرار دارد، گرد آمده‌اند و بکاری سخت مشغولند.

اصولاً کار تولید و تامین قند برای مصرف داخلی کشور را ۳ بخش مختلف بعهده دارند:

۱- کارخانه‌های دولتی و خصوصی بزرگ، که از جفندرقتند، شکر و قندگله تولید می‌کنند، مانند کارخانه‌های هفت‌تپه خوزستان (فریمان- شیروان- شیرین) خراسان و شاهزند قزوین و...  
۲- کارگاه‌های کوچک، که از شکر تولیدی و یا شکر وارداتی، قندگله شهری و یا قندحبه ماشینی تولید می‌کنند.

۳- واردات قند از خارج، که بصورت قند حبه از کشورهای بلژیک و فرانسه و... به ایران صورت می‌گیرد.

کارگران این صنف، که سندیکی کارگران قندریز تهران تعدادی از آنان را در خودمستقل ساخته است، در کارگاه‌های نوع دوم مشغول بکار هستند.

کار "قندریز"ی را میتوان از جمله کارهای سنگین بحساب آورد، زیرا حمل کيسه‌های شکر و تخلیه آن از داخل ماشین به کارگاه، که وزن آنها در حدود ۵۰ و با ۱۰۰ کیلوگرم است، و همچنین حل طشکهای قند مذاب، که حرارت فوق‌العاده زیادی دارد و اگر به جانی از بدن بریزد، مانند روغن داغ می‌وزاند (خطرناک) برای کارگران فاقد وسایل حفاظتی و بالاخره جابجایی کيسه‌های قند از طرفی و مکانیزه نبودن وسائل کار از طرف دیگر (در کارگاه‌های کوچک امر مکانیزه کردن وسائل کار تقریباً غیرممکن است) باعث می‌گردد که

### آغاز مسابقات کشتی قهرمانی جوانان ایران

مسابقات قهرمانی کشتی جوانان ایران از روز چهارشنبه ۲۹ مرداد ماه با حضور کشتی‌گیران ۱۷ تا ۲۰ سال سراسر کشور در سالن بدیع زادگان تهران آغاز می‌شود. قهرمانان این دوره تا وزن ۹۰ کیلو برای شرکت در مسابقات قهرمانی جوانان جهان، که در کانادا برگزار خواهد شد، به این کشور عزیزم خواهند کرد.

### یک رکورد ۴x۲۰۰ متر بانوان جهان شکسته شد

در جریان یک رکورد شکنی، تیم ۴x۲۰۰ متر بانوان جمهوری دمکراتیک آلمان رکورد جدیدی برای جهان در این رشته بدست آورد.

تیم جمهوری دمکراتیک آلمان موفق شد که ۴x۲۰۰ متر را در یک دقیقه و ۲۸ ثانیه و ۲ دهم ثانیه طی کند، و بدینسان ۲ ثانیه رکورد جهان را بهبود بخشد.

رکورد قبلی این رشته به تیم اتحاد شوروی با زمان یک دقیقه و ۳۰ ثانیه و ۲ دهم ثانیه تعلق داشت.

### تیم ژیمناستیک ایران به شوروی می‌رود.

برای انتخاب تیم ژیمناستیک ایران جهت اعزام به اتحاد شوروی، از روز دوم شهریور ماه، در سالن ژیمناستیک ورزشگاه امجدیه مسابقات انتخابی برگزار خواهد شد.

فدراسیون ژیمناستیک ایران از هیئتهای ژیمناستیک استان‌ها خواسته است که ورزشکاران خود را به این مسابقه‌ها اعزام کنند.

### لرستان، میزبان مسابقات کشتی قهرمانی ایران

پس از بازدید رئیس فدراسیون کشتی ایران از تاسیسات و امکانات ورزشی استان لرستان و طبق توافق استاندادر و رئیس تربیت بدنی استان، برگزاری مسابقات قهرمانی ایران در استان لرستان قطعی شد. بنا به گزارش دبیر هیات کشتی لرستان، مسابقه‌های قهرمانی کشور در کشتی آزاد در روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ شهریور ماه و مسابقات کشتی فرنگی در روزهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ شهریور ماه سال جاری در این استان برگزار خواهد شد.

### مسائل کارگری

این کار جزء کارهای مشکل و سنگین محسوب شود.

مشکل اصلی کارگران، این صنف فصلی بودن است.

کارگران فصلی این صنف، که معمولاً از اوائل پاییز یا عیدنوروز به مدت چندماه مشغول بکاری‌شوند، بیمه نیستند و از هیچگونه مزایای قانونی کار استفاده نمی‌کنند. چه‌بسا کارگرانی که سالیان دراز در این کارگاه‌ها (و حتی در یک کارگاه) کار کرده، ولی از سابقه کار و مزایای دیگر بی‌بهره مانده‌اند. برعکس کارگران فصلی، کارگران دائمی این صنف از مزایای کار و بیمه و غیره استفاده می‌کنند.

دستمزد کارگران قندریز بعلت سختی کار در حد متوسطی است. این دستمزد برای کارگران تازه‌کار روزانه در حدود ۱۰۰۰ الی ۱۳۰۰ ریال و برای کارگران حرفه‌ای‌تر و خلیقه (اوستا) بیشتر از اینهاست.

یکی از شگردهای کارفرمایان این است که حقوق کارگر را با همه مزایا ذکر و منظور می‌کنند. مثلاً حقوق کارگری را ۳۰۰۰۰ ریال تعیین می‌کنند و می‌گویند که این دستمزد سود و تئین حق اولاد، حق مسکن، خواربار و همه مزایای کارگری را در بر می‌گیرد، و در هر ماه از وی رسید دریافت می‌کنند.

از دیگر شگردهای کارفرمایان، استفاده وسیع از کارگران افغانی است که مزد کمتری دریافت می‌دارند و بسادگی آنها را اخراج می‌کنند. وضع کارگران و کارگاه‌ها از نظر ایمنی و بهداشت محیط کار، بسیار اسفناک است. کارگران معمولاً فاقد دستکش هستند (کارفرما دستکش نمی‌دهد) از این جهت و در بیشتر مواقع، کارگران این صنف را می‌توان از تاولهای دستشان تشخیص داد. بخار شیرینی قند باعث خرابی دندانهای خلیفه، که بالای اجاق می‌نشینند، می‌شود. حمل بارهای سنگین نیز صدمات زیادی به کارگران وارد می‌آورد. (در کارگاه‌های کوچک کارگران خود وظیفه باربری را تقبل می‌کنند و درازای جابجایی هر کيسه ۵ الی ۸ ریال دریافت می‌دارند.)

سندیکی این صنف، که در دوران رژیم سابق نیز وجود داشت، همانند سایر سندیکاهای از این دست، حافظ منافع کارفرمایان بود. مثلاً رئیس هیئت مدیره سندیکا خود سابقاً خلیفه بوده و سپس دارای کارخانه کوچکی شده است.

در مقابل، کارفرماها اتحادیه‌های دارند که در آن تصمیماتی درباره نرخ فروش قند و تعیین حقوق کارگران و مبارزه با کارگران انقلابی گرفته می‌شود. بعنوان مثال میتوان از تصمیمی که در گذشته در مورد منع استخدام کارگران مبارزی که توسط دیگر کارفرمایان نام برد، کارگران گزیری جزنشکل سندیکائی در برابر کارفرمایان ندارند، زیرا فقط از این طریق میتوانند از حقوق خود دفاع کنند.

### نقش دولت در رابطه با صنعت قندریز

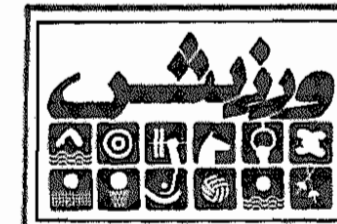
کارخانه‌های قندریز زمانی می‌توانند بکار خود ادامه دهند که: اولاً تولید جفندرقتند در داخل کشور ناکافی باشد،

ثانیاً، خرید شکر از کشورهای خارجی همچنان ادامه یابد.

واضحتر بگوئیم، اگر جفندرقتند در داخل کشور به قدر کافی وجود داشته باشد، دیگر نیازی به دوباره کاری نیست، که اول از جفندر، شکر تهیه کنیم و سپس آن را به قند تبدیل نماییم، بلکه می‌توان در کارخانه‌های قند مستقیماً از جفندر قند تهیه کرد. از این رو با تولید کافی جفندر قند و ایجاد کارخانه‌های قند دولتی در دراز مدت، دیگر وجود این نوع کارگاه‌ها ضروری بد نظر نمی‌رسد.

اما در موقعیت کنونی دولت میتواند با دادن وام به آن عده از کارفرمایانی که سعی در ماشینی کردن دستگاه‌ها و گسترش کارگاه‌هایشان را دارند، به امر تولید بیشتر قند و قطع ورود آن از خارج نقش مؤثری ایفا کند. البته تهیه قند حبه به وسیله ماشینهای اتوماتیک موجود خیلی با صرفه‌تر و اقتصادی‌تر است، ولی اکثر مردم شهرها و فریب به اتفاق روستائیان میهمان، از استفاده از قند حبه امتناع می‌کنند. این نیز دلیلی است برای توسعه کارخانه‌های قندریز در شرایط کنونی.

## تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است



تیم تنیس روی میز ایران به ژاپن می‌رود

بعدهت کمیته تشکیلاتی ژاپن، تیم تنیس روی میز ایران روز سه‌شنبه ۹ شهریور ماه، برای شرکت در بازیهای سه قاره‌ای (آسیا، آفریقا، آمریکا لاتین) به ژاپن خواهد رفت. این مسابقات تا روز دوشنبه ۱۷ شهریور ماه بطول خواهد انجامید و ۵ بازیکن از سوی فدراسیون تنیس روی میز ایران به این مسابقات اعزام خواهند شد. اعضای تیم ایران در جریان مسابقات قهرمانی کشور، که در شیراز برگزار می‌شود، مشخص خواهند شد.

### اخبار از آنگری

### کارگران بیکار سندج خواستار اقدامات جدی در زمینه ایجاد کاراند

سازجنگی که از جانب ضدانقلاب وابسته به امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق به شهر سندج تحمیل شد، کارگران فعلی این شهر وضع اسفناکی پیدا کردند. این شهر کارگران که عمدتاً به کارهای ساختمانی مشغولند و اکثر آرزوی آینده هیچگونه امکانی برای تامین آبنده ندارند. آنها هر روز در میدان شهر به امید کار جمع می‌شدند و اغلب دست خالی و بدون اینکه موفق به یافتن کار گردند، به منزل خسود برمی‌گشتند.

جدی فصل ارگانهای انقلابی مستقر در شهر سندج برای ایجاد کار قویای مساعدی به کارگران دادند. با کوششهای مسئولین قسمتی از طرح سد سائیر بهره افتاد و کارگران سد قشلاق (شرکت سائیر) به سرکار خود بازگشتند. اما عده ای از کارگران را بدون ذکر دلیل تاکنون سرکار نبرده‌اند. با اینکه فضای شهر برای شروع ساختمان‌هایی که از طرف وزارت مسکن فراربود برای مستضعفین شروع شود، مناسب است، هنوز اقدامی در این مورد صورت نگرفته است. شرکت مادهم، که منازل سازمانی یا دکان را می‌سازد، هنوز بطور فعال راه نیفتاده است.

کارگران بیکار سندج خواستار رانداندازی این طرح‌ها، که موجب ارتزاق کارگران بدون سن استوار و محتاج می‌شود، هستند و از مقامات مسئول تقاضا دارند که طرحهای عمرانی را هرچه سریعتر بمورد اجرا گذارند تا نیروی فعال در این منطقه هز ضرر نبرد آنها می‌خواهند که پس از پایان کار سد قشلاق، فکری بحال حدود هزار نفر کارگری که آبی، که با پایان یافتن آن بیکار میشوند، بنمایند.

درصورت کارگران خواهان کسترش فعالیت جهاد سازندگی، که اکنون شروع به کار کرده، هستند.

### درددل یاک کارگران مرئیوانی

من کارگری هستم اهل مرئیوان. دارای زن و هفت فرزند. کارگر فصلی هستم و کمی هم سنایی بلدم. قبلاً روزها کارهای مختلفی می‌کردم و سیاه هم لحاف‌دوزی. وقتی جنگ اخیر به مرئیوان هم کشیده شد، دوهفته تمام در خانه خود زندانی شدیم و نتوانستیم بیرون بیاییم. بعد هم مانند اکثر مرئیوان‌ها آواره گوه‌دست شدیم. یک هفته در روستاهای اطراف مرئیوان بودیم، بعد هم وارد سندج شدیم و در محله عباس‌آباد منزلی گزیده کردیم.

تمام بیس‌اندازم خرج شده و بیس ریال ندارم. با این خرج سرسام آور، از مردم میخواهم خود قضاوت کنند که چرا من در سن ۶۵ سالگی هیچگونه تأمینی برای هفت فرزندم ندارم؛ از مقامات مسئول میخواهم بفکر ما بمانند.

بربرک مالک، محصل دهقانان "حما مید" رابه آتش کشید

جدی قبیل در روستای "محا" صد" از توابع اهوار، بار دیگراتش آرزوی یک فتودال منجر به نابودی محصول کشاورزان شد.

اهالی محامند برای حمل محصولات خویش (ساردر) یک دستگاه سارکنور و ریلرگرا نه می‌گردد. در این مسائل فتودال و مدعی می‌سود که در اسناد باید محصولات او حمل بود، اما با مقاومت سرحبت کشاورزان مواجه می‌شود. مالک رورکو به این اکتفا کرده و برادر ۱۷ ساله خود را با ماورآسی رن یکی از حرمینا می‌کند. که در سجده آس به حرمینای دکتر سرب می‌کنند و محاسن دهقانان به قدری رود.

کشاورزان برادر مالک را دستگیر کردند و محمول سازه دادند. اما ماهه سهه یا ستادوی رابه دلیل "عدم وجود مدارک" آزاد کرد.

اس همدار دیگری اسب برای محاسن مسئول و علاقمندان انقلاب، با قطع بدکار مل سرک مالکی و فتودالسم در جامعه روستایی، بوطنه و بحریک در تمام سطوح ادامه خواهد داد. با دستیار بود و در اجرای قانون حتی یک لحظه درنگ نکرد و حتی یک نفر را مسسبی نکرد.

# جریان یک دادگاه

## دادگاه انقلاب شهرستان ساری، در جریان بازپرسی، یکی از کشاورزان مصممانه از حقوق دهقانان دفاع کرد.

## دادگاه انقلاب و پاسداران به حقوق دهقانان زحمتکش صحت گذاردند.

آقای بازپرس! آنها از این انقلاب زیان دیده‌اند و می‌خواهند به هر طریقی سده آنرا بسکنند. مطمئن باشید، اگر این انقلاب در اثر تحریک و توطئه آنان سکست بخورد، هم‌من وهم شما هر دو در یک سلول زندانی خواهیم بود.

آقای بازپرس! اگر زندگی دهقانان از روستای ما را جمع بکنید، به ارزش یک ماشین ب.ام.و. نیست، که زیر پای پسر همین فتودال هست.

آقای بازپرس! این شخص وقتی مرد ۹۰ میلیون تومان پول نقد داشت. ما حاضریم به شما کمک کنیم که تمام ما بملک ایشان را صورت برداری کنید. به عبارتی انتظار داریم که تحقیقات لازم را ظرف آن دادگاه محترم صورت گیرد، آنوقت هر رای که تشخیص دادند، ما در فرماتیند.

آقای بازپرس! وراثت ایشان در شکایت خویش نوسندند که فرامرز نمیری دهقانان را تحریک کرده و زمین و باغ ما را بزرور تصرف کردند و این جنبش را یک جنبش کمونیستی قلمداد کرده‌اند و ضمناً گفته‌اند که او توده‌ای است. من افتخار می‌کنم که یک توده‌ای هستم و به حزب خود می‌بالم ولی اینجا مسئله من نیست. مسئله یک پارچه دهقانان است. اگر همه دهقانان را به دادگاه نیاوردیم، مرفا بخوا طراپیکه مبادا ضد انقلاب بهره برداری کند.

س: با تمام این فداکاری‌های شما، فقط یک اشکال در کار شماست. این آید شولوزی خودتان را عوض بکنید، خیلی خوب می‌شود.

ج: نتیجه وجود حزب و آید شولوزی من این است که شما تا این حد معتقد شده‌اید که فداکارم.

س: شما نسبت به قانون احترام می‌گذارید. پس چرا پشت پا به معویسه شورای انقلاب زدید، که بزور زمین کسی را نباید تصرف کرد؟

ج: شورای انقلاب در تاریخ ۸/۱۹/۵۸ مصوبه‌ای در این مورد گذراند، در صورتیکه طبق مدارک موجود در تاریخ ۵۸/۸/۱۶، یعنی سه روز قبل از اینتکسسه قانون تصویب شد. اقدام به کشت گندم نموده‌ایم. بعلوه ما که زمین را نغزورده‌ایم. آنجاست. و هرگاه که هیئت ۷ نفره هر تصمیمی بگیرند، مورد قبول ما هم هست. ولی ما اعتقاد داریم که هیچگاه هیئت محترم ۷ نفره به ضرر ما روستائیان تصمیمی نخواهند گرفت.

س: صحت گفته‌های شما مورد قبول ۷ نفر دیگر هم می‌باشد؟

ج: حرف همه ما یکی است.

پس آقای بازپرس به توبیت از آنان سؤال کرده‌ایم، صحت گفته‌های او را تا کبده کردند و همان با جوابی وی را بعنوان ۷ نفر دیگر قبول کردند.

در این موقع فتودال زاده وارد شد و گفت: "آقا چه تصمیمی گرفته‌اید؟" آقای بازپرس در جواب گفتند که پرونده را به هیئت ۷ نفره می‌فرستیم. بنا بر این سوختنا نه حکمی مبنی بر گرفتن زمین از دهقانان ما در نگردد و البته پاسداران هم طبق خصلت انقلابی خود طرفدار دهقانان هستند.

در مجموع دادگاه انقلاب شهرستان ساری، در این مرحله، از حقوق روستائیان دفاع کرد و بعلوه پاسداران نیز به حقوق آنان صحت گذاردند.

در این دادگاه ندرای بحق کشاورزان منعکس گردید و نتیجه رضایت بخش دادگاه مطابق با روح انقلاب است. زیرا بار دیگر از حقوق زحمتکشان در مقابل حیل و حیله‌گران دفاع شد. رای این دادگاه و نظرسیه پاسداران، یعنی این دوشد انقلابی، به نفع دهقانان زحمتکش نسان دادگاه‌های انقلاب وساه پاسداران، در صورتیکه افراد مومن به انقلاب در آن جای گرفته باشند، در خدمت ندانم انقلاب است. با قویت این نهاد دوگانه رن افراد واقعا مومن به انقلاب، نهادهای انقلابی را می‌سود برای تحقق اهداف انقلاب تجهیز کرد.

دادگاه انقلاب شهرستان ساری، یکی از کشاورزان مصممانه از حقوق دهقانان دفاع کرد. دادگاه انقلاب و پاسداران به حقوق دهقانان زحمتکش صحت گذاردند.

اول آبان ماه سال قبل، روستا - شهرستان ساری، واقع در حومه شهرستان ساری، خورده جهل دهکته را زمین غصب شده خورد. از دست یک فتودال گرفتند و اقدام به کشت محصول گندم کردند. چندی پس از آنجا گندم را جمع آوری و بطور مساوی بین روستائیان تقسیم کردند، که به هر نفره ۶۶ کیلوگندم رسید. در واقع طبقاتی این روستا، حدود ۹۰ درصد از اهالی جزو دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین هستند.

چندی قبل فتودال این روستا به دادگاه انقلاب در شهرستان ساری، از دست روستائیان شکایت می‌کنند. دادگاه ۸ نفر از روستائیان "منتهم را در روزهای ۵۹/۴/۹ و ۵۹/۴/۸ می‌کند، در دومین روز تشکیل دادگاه، آقای فرامرز نمیری بست تریبون قرار می‌گیرد و بپرس و کسا و رزمته‌هم سئوالات و جوابهای زیر درودید می‌شود:

س: شما متهمید به تحریک دهقانان و تصرف عدوانی زمین و باغ آقای حاجی عباس نادری از خودتان دفاع کنید.

ج: اصل قضیه این بود که زمین، در اصل، متعلق به روستائیان قریه زید علیا بوده، که بعیلت خود خدمتی حاج عباس نادری به‌نام هیور غلیرضا، در کودتای ننکین ۲۸ مرداد، بزرور از روستائیان گرفته‌اند و به‌عنوان یا داتس به ایشان داده شد. از این مقدار زمین، وی حدود ۴۶ هکتار آترابه روستا گذاشت. خوب فروخته و از این بابت، در زمان طاغوت، بین از یک میلیون تومان پول دریافت داشته‌است.

پس از انقلاب ما در حقیقت زمین غصبی خویش را گرفته‌ایم و در آن گندم کاشته و پس از برداشت بطور عادلانه بین خودمان روستائیان تقسیم کرده‌ایم.

ح: کسای می‌توانند است علیه این انقلاب تحریک کنند؟ مسلماً کسانی که منافع آنان در خطر افتاده باشد. کساورزان چه منافعی را از دست داده‌اند؟ جز زنجیر طاغوت چیزی را از دست نداده‌اند. بعلوه اگر قصد تحریک داشته‌ایم، ما هم روستائیان رابه دادگاه می‌کشدیم، همچنانکه فتودال مدکورتاً فک و فامیلشان را آورده بود. ما به قانون احترام می‌گذاریم و وقتی زمین خود را گرفتیم، جریان آنرا به اسناداری، دادگاه انقلاب، سیاه پاسداران، دفتر ما مضمینی، وزارت کشاورزی اطلاع دادیم و هر وقت قانون و هیئت ۷ نفره هر تصمیمی بگیرند، ما کاملاً مطیع هستیم. ما در مقابل قانون قرار نمی‌گیریم. ما زمین زدید شده خود را پیدا کرده‌ایم.

آقای بازپرس! اگر پاسداران باشد، امام خمینی، رهبر ما، چند روز پیش از ملت قهرمان عذرخواهی می‌کرد و تکرار کرد بود که معذرت می‌خواهم، چون در این مدت برای همکاری نکرده‌ایم. حالا شما باید کاری بکنید. حم و کوس دهقانان شتمیده به سعادت و همه امروز در صحرای سوزان منتظر برای بحق و عادلانه شما هستند. نه تنها قریه‌ها، بلکه تمام قراء اطراف منتظرند که ما چه تصمیمی می‌گیرید. آیا به نفع فتودال رای می‌دهید یا نه. نفع روستائیان زحمتکش؟ البته ما به آنان بارها گفته‌ایم و می‌گوییم که شما یک نهاد انقلابی هستید و حتماً به نفع مساری خواهد داد.

آقای بازپرس. من محرک نیستیم، چون منافعی را از دست نداده‌ام. اما فتودال ما را در این شرایط یک تاکسی می‌چرند و دست یک بیگاری می‌چرند، که با بندی بلد یاد، می‌دهد و می‌گوید مال تو، فقط کارکن و تبلیغ علیه انقلاب و جنبش و حلالی و غیره کن.

**تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است**

### اخبار از دهقانی

### دار و دسته قاسملو حافظ منافع فتودالها هستند

روستائیان ده محمود گسزک، از توابع سنقر کلبایی، در بنا مه‌ای که به یکی از مسئولان حزب توده ایران در سندج نوشته‌اند، خواستار افسای کارهای قدردمی گروه قاسملو در دهات و رومکان، گرگر، خلیفه با سیر و محمودگزک و نیز در منطقه گسارود شدند. آنان مطالب زیر را در نامه خود عنوان کردند:

"مسئول تشکیلاتی که تحت نام حزب دمکرات در منطقه گسارود فعالیت می‌کند، کسی است بنام ملا علی شریعتی. این شخص که از دار و دسته قاسملو است، کارهای غیربسیار سرکشیه کردن مردم به هر بهانه، قاچاق اسلحه و باج گرفتن است. یک نمونه از کارهای این است که به خانها و فتودال - زاده‌های فراری پناه داده و به این دریافت پول از آنان مردم روستاها را سرکوب می‌کند. مثلاً در همین ده محمود گزک چندی پیش بین مردم محل دو خان بنا می‌های غلامرضا نصرتی و حسین خان نصرتی درگیری پیش آمد."

مردم خواهان استرداد زمین‌های بی‌بودند که خانها چند سال پیش بزرور اسلحه و باکمک ژاندارم از آنان گرفته بودند، اما خانها مردم را تهدید و بقتل کردند، و چون مردم به کمک پاسداران سنقر اسلحه خانها را کشت کردند و پنهان آنها را روی آب انداختند، خانها متواری شدند. آنها اخیراً نزد ملا علی شریعتی، یعنی سرپرست دار و دسته قاسملو در این منطقه رفتند و با دادن صد هزار تومان پول به او، از او قول سرکوب مردم محمود گزک را گرفتند.

طرف دوهفته گذشته مردم روستای محمودگزک سیانه دوبار از طرف گروه قاسملو مورد حمله مسلحانه قرار گرفته‌اند و تاکنون پنج نفر کشته داده‌اند. مردم منطقه خواستار قاطعیت دولت در برابر این عناصر خود فروخته هستند.

### دهقانان می‌نوبستند

این عین مطالب نامه‌ای است که به نام مردم رسیده است:

"خدمت هیئت تحریریه روزنامه وزین نامه مردم

ما تنی چند از اهالی قریه فنسندک و شهرک طالقان، بدینوسیله از شما استداده میطلبیم که به داد ما برسید، زیرا که ملا علی دده بنام شیخ خصاله محمودی، که در دوره انقلاب یکماه تمام در خانه اقوام مخفی بود، حالا همه کاره ده و مسجد و منبر شده و از همان جائیکه باید مردم را بهم اتحاد دهند، شروع به توهین با افراد و جوانان ده و همه اهالی می‌کند. جوانان ده را یک منت بیگانه کمونیست میخواند، اهالی را از همان روی منبر تهدید به سناساسی کردن بدلیل ضد انقلابی بودن می‌کنند. زنها را بر علیه هم می‌شوراند و بسی حجاب و حجابدار را بجان هم می‌اندازد، دهقانان را که از کار روزانه سخت که از تاریکی سحر تا تنگ غروب شروع می‌شود از خواب میاندازد، چرا که خود خواب بعد از ظهر را کرده و تا ساعت ۱۲ و یک سب روی منبر حرفهای ضد خط امام میزند و مردم را از هم دور میکند و با نسبت بهم سنکوک و دشمن تراشی میکند. بدستور او در قریه "سهرگ"، زنی را که با یکی از آشنایان سابقش پس از مدتی دوری خوس و بس ساده میکرده بچرم رفیق بازی بزیر سلاق فرستاده‌بان جوان که التماس میکرده زن را درملا عام و در پیش روی او شلاق نزنند، بسا شمشیر جواب سر بالا داده و زن بساز شلاق خوردن و چند قدمی دور شدن، جا بجا تلف شده. آن جوان هم فعلاً در زندان بسر میبرد و مردم ده بسدت از این جریان ناراضی و ناراحتند و از اینکه کسی بسداد آنها نمیرسد حتی در جمهوری اسلامی هم باسلام و اسلامیست توهین میسود، خشکین و شدت برای این مجراها ایراد میگیرند. شما بما جواب بدهید، ما با این بی‌دینهای مسلمان نمای ضد خط امام چه باید بکنیم.

با تقدیم احترام زیاد عده‌ای از اهالی خط امام قریه فنسندک و شهرک ۱۲ مرداد (شهادت حضرت علی علیه السلام) .

با تقدیم احترام زیاد عده‌ای از اهالی خط امام قریه فنسندک و شهرک ۱۲ مرداد (شهادت حضرت علی علیه السلام) .

قیام سی ام تیر

در آغاز سال ۱۳۳۱ وضع مصدق «به استحکام سابق» نبود. ترکیب مجلس هفدهم به شدت به زیان او بود، بخش بزرگی از متحدين سابق در جبهه ملی او را ترک می کردند. کوشش های نفاق افکنانه توسط گران نیز که می کشیدند آیت الله کاشانی را از مصدق جدا کنند رفته رفته به ثمر می نشست و این دو رهبر از هم فاصله می گرفتند. از میان قشرهای اجتماعی که پایگاه مصدق بودند... به طور عمده بازار و کسبه - صدهای مخالف شنیه می شد، محافظان آمریکایی نیز با صراحت روزافزونی عدم رضایت خود را از روش مصدق اعلام می داشتند. از جمله در مسأله بسیار مهم و حساسی نظیر «کمک» اقتصادی که مصدق آن همه به آن دل بست و به صورت بهترین اربابان سفر آمریکا عرضه کرده بود پس از رد پیشنهاد های بانک بین المللی محافظان رسمی آمریکا آشکارا موضع مخالف گرفتند. وزارت خارجه آمریکا در یک اعلامیه رسمی نوشت:

«دولت ایران چند بار کتبا و شفاهاً از کشورهای متحده آمریکا درخواست وام و کمک مالی مستقیم کرده است که مشکلات ناشی از قطع عواید نفت را حل کند... دولت آمریکا نمی تواند مادام که برای ایران مقهور است درآمد شایسته ای از سمت نفت ندارد... به دست آورد و این نوع کمک را هوجه سازد.»

این اعلامیه وزارت خارجه آمریکا نقض صریح تعهداتی بود که ظاهراً مقامات رسمی آمریکا و از جمله شخص ترومن به مصدق داده بودند. نقض این تعهد:

اولاً، موقعیت مصدق را در میان وابستگان به آمریکا متزلزلتر می کرد؛ ثانیاً، محافظان بورژوازی و اصناف را که به درآمد نفت و دلارهای آمریکایی چشم دوخته بودند دچار تردید می نمود. مجلس هفدهم در اردیبهشت ماه رسماً افتتاح شد. اکثر حوزه های انتخاباتی و کلبی در مجلس نداشتند. جلسه مجلس از همان آغاز دچار تشنج بود. در تهران حکومت نظامی اعلام شده بود و دربار از این فرصت برای تقویت مواضع خود استفاده می کرد. در چنین جوی مجلس هفدهم از همان ابتدا با قوه امادگی داشت که جانشین برای مصدق پیدا کند. ولی محافظان امریالیستی هنوز موقع را مناسب نمی دانستند و می خواستند مصدق منفردتر شود. آیدن می گفت «عجله کار شیطان است.» او حساب می کرد که زمان به سودش کاری کند. تا مجلس اعتبار نامه ها را تصویب کرده و به طور کامل آماده کار شود موعد اجلاس دادگناه لاهه رسید که می بایست به شکایت انگلیس علیه ملی کردن نفت ایران رسیدگی کند. مصدق برای جلب افکار عمومی و تحکیم موقعیت خویش، شخصاً روانه لاهه شد تا از حقوق ایران دفاع کند. او هفتم خردادماه ایران را ترک گفت و سوم تیرماه به کشور بازگشت. به عبارت دیگر قریب یک ماه از کشور دور بود. در این مدت آرایش قوای داخلی مجلس شور و سنا به زیان مصدق و نهضت ملی ایران به پایان رسیده و شرایط برای مقابله با مصدق فراهم شده بود. به این ترتیب که اولاً تعداد قابل ملاحظه ای از نمایندگان مجلس آشکارا در صف دربار و مخالف مصدق بودند و ثانیاً - که مهم تر است - شکاف درونی جبهه ملی باز شده و نمایندگان وابسته به آن به دو جناح تقسیم شده بودند. این امر در جریان انتخاب رئیس مجلس برملا شد. جبهه ملی نتوانست نامزد واحد معرفی کند. جناح راست جبهه ملی دکتر معظمی را نامزد کرد و جناح چپ دکتر شایگان را، در نتیجه امامی نامزد دربار شانس بیشتری کسب کرد. از ۷۳ نماینده مجلس که در رأی گیری شرکت کردند ۳۳ نفر به امامی رأی دادند، ۱۷ نفر به معظمی و ۱۶ نفر به شایگان. در دور دوم، با آن که شایگان ايجاباً به سود معظمی کنار رفت، امامی برنده شد. زور آزمایی در موقع انتخاب ریاست مجلس چند نکته را روشن می کرد: نخست این که موقعیت مصدق در مجلس حتی پیش از آن ضعیف است که در آغاز به نظر می رسد. تقسیم آشکار نمایندگان جبهه ملی به دو جناح که جناح راست آن مخالف مصدق بود و هواداران واقعی مصدق را به حدود ۱۵ تا ۱۶ نفر تقلیل می داد. دیگر این که با وجود چنین وضعی در درون مجلس، مصدق و یارانش هنوز آمادگی داشتند که به طور جدی مقاومت و مقابله کنند. نامزد کردن شایگان به ریاست مجلس، با آن که پیش نرفت، نشانه ای است از این آمادگی. سوم این که نتیجه آرای مجلس در انتخاب ریاست مجلس به دربار امید می داد که می تواند با رأی پارلمان و به طور «قانونی» مصدق را برادر و فرد دیگری را به جای او بشناسد. با توجه به این امکان، اشرف پهلوی که چند ماه پیش از کشور اخراج شده بود، در نیمه تیر به تهران بازگشت و در تدارک جانشینی قوام به جای مصدق فعالیتان شرکت نمود. طبق سنن پارلمانی مصدق می بایست پس از اعلام آمادگی مجلس به آغاز کار، استعفا دهد.

روز ۱۶ تیرماه مجلس اعلام آمادگی کرد. همان روز نیز مصدق استعفا داد. برای تعیین نخست وزیر رأی تمایل گرفته شد. معلوم شد در مجلس و به ویژه سنا - که شاه آن را از اعمال اجانب پر کرده بود - جبهه محکم مخالفت با مصدق موجود است. از ۳۶ سناتور فقط ۱۴ نفر به نخست وزیر مصدق اظهار تمایل کردند. اکثریت رأی سفید داد. با این حال مصدق روز ۱۹ تیرماه نخست وزیر را پذیرفت و سه روز بعد تقاضا کرد که وزیر جنگ کابینه را هم خودش تعیین کند - توضیح این که تا آن وقت وزیر جنگ و همه مقامات عالی نظامی و پلیس را شخص شاه منصوب می کرد. به علاوه مصدق خواستار اختیارات بود. با این پیشنهاد او می خواست موقعیت خود را در آن واحد هم در برابر دربار و هم در برابر مجلس و سنا تقویت کند و اختیار امور را - چه قانونگذاری و چه اجرایی - در دست خود متمرکز نماید. بعدها مصدق افشا کرد که یک کودتای نظامی در شرف تکوین بود.

«من برای آن هست وزارت جنگ را خواستم که می دانستم کودتایی در شرف تکوین است. با تصدی وزارت جنگ نیروهای متمرکز در مرکز را منحل می نمودم. و تلفظ کودتا را در چنین خفه کردم.»

۱. هواد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، صفحه ۲۵۷.
۲. خاطرات آیدن، ترجمه کاوه دهگان، تهران، نشر اندیشه، صفحه ۲۹۱.
۳. سخنان مصدق خطاب به فراگسیون نهضت ملی در مجلس، نقل از بانک مردم به جای بسوی آینده، ۲۸ اسفندماه ۱۳۳۱.

به نظر می رسد که شاه تقاضای اختیارات از جانب مصدق را فرصت مناسبی برای سرنگونی او یافت. برای مخالفت با اختیارات ممکن بود تعداد به مراتب بیشتری از نمایندگان مجلس را تجویز کرد و در افکار عمومی نیز چنین جلوه داد که مصدق تقاضای خلاف قانون اساسی و موازین دموکراتیک داشته که شاه نتوانسته است آن را بپذیرد. در واقع نیز چنین شد. شاه تقاضای مصدق را دایره به تصدی مقام وزارت جنگ توسط خود مصدق نپذیرفت. و او ۲۵ تیرماه استعفا داد. فردای آن روز اکثریت مجلس (۴۲ نفر از ۷۶ نفر حاضر در تهران) جلسه جداگانه ای تشکیل داد و نسبت به نخست وزیر قوام اظهار تمایل کردند. این تعداد رأی برای نخست وزیر کافی نبود. ولی شاه بلافاصله فرمان به تام قوام نوشت و او نیز بلافاصله اعلامیه گستاخانه و تنیدی علیه مردم منتشر کرد و مدعی شد:

«کشتی بان راسیستی دگر آمد»

در این اعلامیه قوام با شدیدترین لحن مردم را تهدید می کرد و می نوشت:

«دوای به حال کسانی که در مقامات صلاحه من اخلال نمایند... آشوب گران با شدیدترین عکس العمل من رو به رو خواهند شد... کبفر اعلاتشان را در کنارشان می گذارم... ممکن است تاجایی بروم که دست به تشکیل محاکم انقلابی [!!!] زده روزی صدها نفر کار را از هر طبقه به موجب حکم خشک و بی شفقت قانون فرین تیره روزی سالم.»

صدای قوام از جای گرمی می آمد. حتی نزدیکان او گمان می کردند که قوام با اختیارات کاملی آمده و قادر است مجلس را منحل کرده و تهدیدهای خود را عملی سازد. حسن ارستجانی که در این روزها از همکاران نزدیک قوام بود در این باره می نویسد که هنوز قبل از صدور فرمان نخست وزیر قوام خیلی «محکم» حرف می زد و به طوری که نیک پور گفت:

«بارو خیلی محکم حرف می زند» گفتن لایه حساب هایی کرده و بی خود حرف نمی زند... نیک پور گفت:

«دیروز قوام السلطنه پیش والا حضرت اشرف بود حتماً امروز هم در شیران کسی را دیده که این طور محکم حرف می زند.»

ارستجانی به رابطه مستیمی که میان قوام و سفارت خانه های آمریکا و انگلیس وجود داشته و او مراد و میان آنان را به چشم دیده اشاره می کند و می نویسد:

«خواست با قوام صحبت کنم. گفتند الان مهد پیش اوست. پرسیدم مهد کیست... گفتند سابقاً کنسول ایران در نیویورک بوده... از سفارت آمریکا پیام می آورد.

چند دقیقه بعد جوانکی که صبح آمده بود بارم آمد. اسدی گفت:

«او از طرف انگلیسی ها پیام می آورد. گفتن این چه مطالبی است که پیام آورش این شخص است... گفت:

«...! پیام های مهم می آورد.»

پیشخدمت آمد و پاکتی به دست قوام السلطنه داد. پاکت مارک والا حضرت اشرف پهلوی را داشت. پاکت را باز کرد. چهار صفحه پشت و رو نامه والا حضرت اشرف به خط خودشان نوشته شده بود... قوام السلطنه نظر هندی سفیر آمریکا بود... مذاکرات یک ساعت طول کشید... روی هم رفته ملاقات رعایت بخش بود. هندرسن اطمینان داده بود که دولت آمریکا مبلغ قابل توجهی کمک بلاعوض خواهد کرد...»

به این ترتیب قوام السلطنه با این اطمینان روی کار آمد که چون حمایت مراکز قدرت داخلی و خارجی را دارد و با پایداری چندانی از طرف مردم رویه رو نخواهد شد و اگر هم شد با قدرت خواهد شکست. ظاهراً شاه به قوام قول انحلال مجلس و واگذاری اختیارات وسیع را داده بود. روز ۲۸ تیرماه قوام به نزدیکانش می گفت:

می شد. عصر ۲۸ تیرماه با ورود حزب توده ایران به صحنه نبرد، اوضاع در پایین عمیقاً تغییر کرد و چنان وضعی ایجاد شد که هیچ کس از قبل، پیش بینی و یا تصور آن را نکرده بود.

در صفوف حزب توده ایران، چنان که در صفحات پیش گفتیم برخورد دوگانه ای نسبت به حکومت مصدق وجود داشت. از یک سو عدم قاطعیت مصدق، بازی مداوم و پایان ناپذیر او با آمریکا، گذشت فراوانش به شاه، بی توجهی مطلقش به نیازهای اجتماعی توده زحمتکش، حزب را از مصدق دور می کرد و از سوی دیگر مقاومتش در امر ملی شدن نفت و طرد انحصارهای نفتی زمینه ای برای اتحاد فراهم می آورد. در چند ماهه انتخابات مجلس هفدهم و ماه های پس از آن به دلایلی که ذکر شد جانب نخست تشدید شده و مناسبات حزب توده ایران با مصدق رو به سردی رفته بود. حزب توده ایران در پیدایش چنان مجلسی مصدق را هم گناهکاری می دانست که عمداً و به زور از ورود نمایندگان حزب توده ایران به مجلس جلوگیری کرد. به علاوه حزب توده ایران تمهید قرارداد نظامی ایران و آمریکا را که مصدق - ولو با کمی مقاومت - بدان تن درداد ضربه سنگینی به نهضت ملی ایران می دانست. محافظان خرابکار و جناح راست جبهه ملی ایران نیز که در لباس دوستی ظاهری با مصدق کودتای ضد مصدق را تدارک می دیدند بر این سردی مناسبات می افزودند. در آستانه حوادث تیرماه فتنه این محافظ به حزب توده ایران بسیار شدت گرفت. روزنامه های وابسته به این جناح و اظهارات رهبران آن در این ماه ها پراز بدترین دشنام ها به حزب توده ایران بود. امروز می توان با صراحت گفت که این حملات به حزب ما جزئی از نقشه کودتا بود تا تشکیل جبهه واحد ملی را نامقدور کنند مصدق را تنها بگذارند و بکشند.

با وجود همه اینها وقتی لحظه خطر و حساس رسید مشی سانه انقلابی در حزب توده ایران بر همه سوء تفاهات قانع آمد. حزب تصمیم به دفاع از مصدق و مقابله با قوام گرفت و نخستین تماس ها با حزب ایران و جناح مصدقی جبهه ملی از ۲۷ تیرماه برقرار شد و عصر ۲۸ تیر به نتیجه رسید. صبح ۲۹ تیر «جمعیت ملی مبارزه با استعمار» طی اعلامیه ای:

«از کلیه احزاب، سازمانها، جمعیت ها و شخصیت های ضد استعمار، از دکتر مصدق، آیت الله کاشانی، جبهه ملی و سازمان های وابسته به آن برای تشکیل یک جبهه واحد ضد استعمار،»

دعوت به عمل آورد.

در اتخاذ این تصمیم درست، توده مردم زحمتکش و تنه حزب به رهبری کمک فراوان کرد. ششم انقلابی توده ها به آنان هشدار می داد که علی رغم همه کاستی ها که مصدق دارد، در مقابل مزدوران شناخته شده ای چون قوام باید از او حمایت کرد. توده مردم علی رغم توصیه های رهبران جبهه ملی که از آن ها می خواستند:

«با نهایت آرامش و همت از این جنبش مقدس ملی شرکت مریابند.»

به روش های قاطع و انقلابی روی می آوردند. تعطیل بازارها وسعت می یافت و با تظاهرات توده ای در می آمیخت، این روح انقلابی در تصمیم رهبری حزب ما منعکس شد.

آیت الله کاشانی که قبل از تیرماه از مصدق فاصله گرفته بود و جناح راست جبهه ملی می کشید او را به سوی خود جلب کند در مورد نخست وزیر قوام موضع درستی اتخاذ کرد و علیه او برخاست. خود قوام نیز به این امر کمک کرد. در اعلامیه ای که قوام صادر کرد حمله های آشکاری به شخص کاشانی و جناح او وجود داشت.

قوام اعلام می کرد:

«در محافل مذهبی از ریا و سواست منجر... از جناح سپاه شندی به آزادی وارد ساخته و زحمت بانان مشروطیت را... به هدر داده است... دیانت را از سیاست دور نگاه خواهم داشت.»

آیت الله کاشانی متقابلاً، با قاطعیت بیشتری به میدان آمد و در بیامی خطاب به سرایان و افسران نوشت:

«امروز جنگ جدل بین دوصف حق و باطل است. اعمال احمد قوام که تنها برای جاه طلبی و برگشت انگلیسی ها و استعمار است نباید به دست شما انجام رشنا را در مقابل خون ها و حق کشی ها مسئول کنید.»

کاشانی در اعلامیه دیگری خطاب به مردم تأکید کرد:

«برعمو برادران مسلمان لازم است که در راه این جهاد اکبر کمر همت محکم بربسته و... ثابت کنند... که ملت ایران به هیچ یک از بیگانگان اجازه نخواهند داد که به دست مزدوران آزمای شده استقلال آن ها را با پایمال نمایند.»

در پشت پرده کوشش هایی از طرف محافظان ارتجاعی و خیانت پیشه انجام گرفت تا شاید قوام و کاشانی را به هم نزدیک کنند اما نتیجه ای حاصل نشد. آیت الله کاشانی به جای پذیرش سازش با قوام دعوت حزب توده ایران را برای وحدت پذیرفت و طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفت:

«امروز روزی است که این ملت از مردوزن و هر جمعیت باید همدست و همدستان باشند. در مبارزه با اجنبی باید همه یک رنگ باشیم... امروز ملت ایران تمام افراد از زن و مرد و بزرگ و کوچک در تمام احزاب در این مقصد مقدس، هم مقصد هستند. هر جمعیتی در این باب قیام کند ما با صمیم قلب می پذیریم.»

حزب ایران نیز اتحاد با حزب توده ایران را در در چارچوب معینی پذیرفت.

در چنین وضعی بود که مقاومت در برابر حکومت قوام به یک نبرد وسیع توده ای بدل شد. ابتدا کارگران نفت آبادان به میدان آمدند. روز ۲۹ تیر ماه، زمانی که موضع قاطع حزب توده ایران اعلام شد و اعضا و هواداران حزب همه نیروی خود را به کار انداختند، در آبادان تظاهرات وسیعی به وقوع پیوست.

پلیس و ارتش به مقابله برخاستند. چندین نفر کشته و زخمی شدند. اما مقاومت مردم شکست بلکه برعکس تشدید شد.

کارگران تهران نیز زیر رهبری حزب توده ایران به وسعت وارد نبرد شدند. زیر رهبری جبهه ملی فقط بازار و دکان ها تعطیل می کردند. با پیوستن حزب زحمتکشان بقلای به ملاقات قوام فرستاد جاسوس آمریکا تشکیل

۸. روزنامه کیهان، ۲۹ تیرماه ۱۳۳۱.
۹. روزنامه کیهان، ۲۸ تیرماه ۱۳۳۱.
۱۰. اعلامیه قوام، روزنامه کیهان، ۲۶ تیرماه ۱۳۳۱.
۱۱. روزنامه کیهان، ۲۸ تیرماه ۱۳۳۱.
۱۲. همان جا.
۱۳. روزنامه کیهان، ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱.

۴. خاطرات حسن ارستجانی، خوانندنییا، شماره ۸۷، ۳۰ تیرماه ۱۳۴۱.
۵. همان جا.
۶. همان جا.
۷. روزنامه کیهان، ۲۷ تیرماه ۱۳۳۱.

ف. م. جوانشیر

ف. م. جوانشیر

نظری به تاریخ

بار دیگر در آستانه فاجعه بزرگی در تاریخ که در راه استقلال و آزادی عیبت آموزش است. سازمانهای جاسوسی سارمان داد، امیربازل رزم دیکتاتوری محسد دشمنان سوگند خورده اسلامی ایران، که سینه سنده وزحمتکش ما به این هدف شیطانی ایران - ارحله آن نیازمندند. این نحو برداد، و ادامه چگونگی بوجود آمدن ویژگی های جنگ روانی برای یوسن س. معاصر ایران، که بیش ملی شدن است ایران کتاب "تجربه" ۲۸ یافت.

ماصمن ابتکار باارزش را به همه کس به مسابست سالگرد کو بیامگر بوظنه های بی آمریکا، برای سرکوب حکومت ملی و قانونی کودتای ۲۸ مرداد رسامجنرس، نقل می عرض از این بجای خودبهم و لا برای مقابله با نوط انقلاب و جمهوری ما

نخستین توطئه و دربار پهلوی برا ساقط کردن حکومت ۲۶ تیر ۱۳۳۱ اینجا برداد" را ازصل "

حزب توده ایران انحصار گرفت. ترکیب طبقاتی نسبت شعارهای مبارزه و اوج مقاومت رو اعلام شده بود. در این روز سازمانده اصلی نبرد اعت اولاً، با تعطیل جوان مبارز را به میدان آورد. ثانیاً، چنان رو فعالیت های هواداران ما نداشت. ثالثاً، از لحاظ داشتند و می توانستند به ورود حزب توده ایران به یافت. اعضا و هواداران عملی وسیعی را در در پیوستن واحد تانک سر توده ای در سی ام تیر سال پیش از آن رفته و بود. پرمان از تانک بی پیوست و با این اقدام درباریان را نسبت به و عقب نشینی واداشت. خبرهایی که بر ایران به نبرد آشکار ض مصدق جا گرفته بودند سازش هرچه سریع حزب زحمتکشان بقلای به ملاقات قوام فرستاد جاسوس آمریکا تشکیل

اتنها ساز سلم و ک کسان

# توده ایران

## توده ایران

ریم - روزی که یادآور  
که برای همه آسهای  
مدهاند و می‌زنند،

کودنای ۲۸ مرداد را  
نیروهای آمریکا، که  
تکمیل کردند، این  
بران و نظام جمهوری  
مردم ۱۳۳۲، مردم  
در آورد، برای نسل  
نش آزادبخش ملی  
۱۳۳۲ منجر شد  
همان کودنای ۲۸  
این تحریف در  
تکرار ۲۸ مرداد، از

پس دوره‌های تاریخ  
نی شود، یعنی جنبش  
مذقی، چندی پیش  
م. حوانسراسار

حالت و فوق العاده  
بر، نویسنده کتب  
آبی از کتاب را که  
کردگی امیرالسلطان  
ایران و سابق کردن  
بی که سواجم بد  
سبب نماند، محمد

تاریخ نیست که  
این درس از تاریخ  
له کوسوی و نخب

ویکاشی و انگلیسی  
حقی ملی ایران و  
قوام السلطنه در  
کتاب "تحریر" ۲۸

مؤسست تولیدی را فرا  
تعبیر کرد و به همین  
یافت.

ز پیش تعطیل عمومی  
، ریختند. مؤید واقعی  
ند. آنان:

زار کارگر و دانشجو و  
ش می‌دیدند که در  
ی ام تیر هرگز وجود

هی انقلابی آشنایی  
و سرانجام این که با  
در صفوف ارتش راه  
حزب) کار تبلیغی و  
تجلی این کار پرثمر  
ندگان بود. این افسر  
ت هدایت حاتم ۶  
دم آذربایجان پیوسته  
ی را کند و به مردم  
سلطنتی انداخت و  
دچار تردید کرد و به

از ورود حزب توده  
که در میان هواداران  
اقوام و دربار برای  
وارد مذاکره شدند.  
سپیدی را محرمانه  
یب و پول مأموران

که سربا و با دلایل  
ما از همان اول کفیم  
، گیرند نمی توانیم به

آنان اجازه دهیم با ما اختلاف کند» ۱۵  
«حزب زحمتکشان» که در واقع شعبه‌ای از سازمان جاسوسی  
آمریکا در ایران بود، بهانه می‌تراشید که با احزابی که «وابسته» بیگانه‌اند!!  
نمی‌تواند اختلاف کند. [چند شبیه همین روزگار است! امیرانتظام‌ها و  
دریادار علوی‌هایی که حتی پس از پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ با نیاس  
تمام رسمی ملاقات‌های مکرر محرمانه با مأموران سازمان‌های جاسوسی  
آمریکا داشته‌اند و دارند همان‌هایی هستند که حزب توده ایران را «وابسته»  
معرفی می‌کنند و از شرکت آن در انقلاب نگرانند.]

با وجود تلاش همه جانبه ضد انقلاب، قیام مردم گسترش یافت.  
شرکت حزب توده ایران در مبارزه و وسعت تظاهرات مردم محافظ ضد انقلابی  
را چنان غافل گیر کرد که فرصتی برای تفکر و تصمیم‌گیری نداشتند:  
«قوام خیلی حسته و ناتوان به نظر می‌رسید. حالتش به قدری بد بود که  
زیر بشش را می‌گرفتند... با آمبول کسی حالش بهتر شد... خبرهای  
شد و نقیضی می‌رسید. واقعا گویج کننده بود... ناصردولفقاری عراق  
ریزان از شهر رسید. گفت شهر شلوغ شده است... ما با همه چیز  
خودمان بازی کرده‌ایم. این که کار نمی‌شود اگر قرار باشد با سهل  
انگاری کار صورت دیگری پیدا کند وضع ما به خطر خواهد افتاد... باید  
از دربار تقاضا کنیم کار بیکاره شود.»  
قوام السلطنه در تمام این مدت در حال اغما بود... صریح  
قلبش نامنظم و ضعف فوق العاده بر او مستولی بود به طوری که کسی  
موفق نمی‌شد جرئیات شهر را به اطلاع او برساند... علاوه بر دربار و  
بزدان پناه آمدند. ساعت ۲/۵ بعد از ظهر... علافت:

قربان نزدیک باشد نفر کشته شده‌اند. شهر خیلی شلوغ و  
خطرناک است... در تهران جوی خون جاری شده است... زد و خورد  
شدید بوده، وضع سهر انقلابی و خیلی وخیم است و باید چاره‌ای  
کرد. ۱۶  
ساعت ۵ بعد از ظهر سی ام تیر خبر استعفای قوام از رادیو خوانده شد.  
قیام سی ام تیر پیروز شد. مصدق با رأی مردم مجدداً به نخست وزیر رسید.  
فردای آن روز، سی و یکم تیرماه، خبر رأی دادگاه بین المللی لاهه به  
تهران رسید. دادگاه به نفع ایران رأی داده و عدم صلاحیت خود را برای  
رسیدگی به اختلاف ایران و شرکت سابق نفت اعلام کرده بود.

### نتایج قیام سی ام تیر

نخستین نتیجه مستقیم قیام سی ام تیر بازگشت مصدق به نخست  
وزیر بود. او توانست هردو خواست خود را به گرسی نشانند: هم وزارت  
جنگ را از دست شاه خارج کرده بود به دست گیرد وهم اختیارات وسیع  
قانون گذاری از مجلس کسب کرده عملاً مجلس هفدهم را کنار بگذارد و  
دست خود را باز کند. در نبرد میان دو قلب حکومت دو کانه: مصدق- شاه،  
که از آغاز روی کار آمدن کابینه مصدق آغاز شده بود سی ام تیر نقطه عطفی  
بود. مصدق توانست کفایت ترازو را به سود خود به طور چشم گیری سنگین کند و  
بخش قابل ملاحظه‌ای از قدرت حاکمه را در دست خود متمرکز نماید.  
اهمیت این مسأله بیشتر می‌شود اگر در نظر بگیریم که مصدق این  
بار نه از طریق بازی‌های پارلمانی بلکه آشکارتر از گذشته بروی امواج قیام  
توده مردم و به ویژه طبقات زحمتکش پیروز شد و در نتیجه بیش از هر وقت  
دیگر نسبت به دربار و مجلس و طبقات ملاک و سرمایه دار وابسته استقلال  
یافت.

رأی دیوان داوری لاهه نیز موقعیت مصدق را بیش از پیش تحکیم  
کرد.  
دومین نتیجه بسیار مهم سی ام تیر این بود که ضرورت و امکان اتحاد  
نیروهای ضد امپریالیستی را در عرصه نبرد نشان داد. قیام سی ام تیر حاصل  
اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی ایران بود و اهمیت کارایی این اتحاد را ثابت  
می‌کرد. نمایندگان جناح سالم حزب ایران و آیت الله کاشانی دعوت  
حزب توده ایران را برای وحدت پذیرفتند. پس آیت الله کاشانی در مینتینگ یا  
شکوه جمعیت ملی مبارزه با استعمار (حزب توده ایران) اعلام کرد:

«شما بشارت می‌دهیم که دعوت به تشکیل جبهه واحد ضد  
استعمار از طرف آیت الله کاشانی پذیرفته شده است.» ۱۷  
در قیام سی ام تیر هدف‌ها، شعارها و شیوه‌های گوناگون مبارزه که از  
طرف سازمان‌های مختلف مطرح می‌شد به قضاوت توده مردم گذاشته شد و  
صحت نظریات حزب توده ایران به اثبات رسید. مردم با پوست و گوشت خود  
احساس کردند که ملی کردن نفت در واقع یک انقلاب ضد امپریالیستی  
است و تنها در نبرد قاطع با نیروهای امپریالیستی - چه انگلیسی و چه  
آمریکایی - می‌تواند پیروز شود. مردم دست بیتی آورد امپریالیسم آمریکا را  
درکشارسی ام تیر دیدند. خوش بینی نسبت به امپریالیسم آمریکا که جبهه  
ملی و حکومت مصدق به مردم تلقین می‌کرد در سی ام تیر بدل به تردید و  
ناباوری شد. نقش خانان دربار پهلوی نیز بیش از پیش آشکار گشت

وقش‌های هوادار مصدق به درک این واقعیت آغاز کردند که تا این دربار باقی  
است دست از توطئه برنخواهد داشت. در این قیام دست سازشکاران روشد.  
کسانی که در پشت پرده با شاه می‌ساختند تا امثال مصلحی را به جای مصدق  
برسرکار آورند، کسانی که به مردم توصیه می‌کردند دست از تظاهرات خونین  
برداشته و برای رویارویی با توطئه امپریالیستی قوام-شاه «در پشت بام‌ها  
قاشق بزنند» تا حدود زیادی رسوا شدند. مردم دنبال آن‌ها نرفتند. شعارهای  
«مرگ برشاه»، «مرگ بر امپریالیسم آمریکا»، با شیوه‌های قاطع نبرد در  
آبخت... قیام سی ام تیر آشکارا مُهر و نشان توده‌ای خورد. این تحول  
کیفی در جنبش ملی شدن نفت، برجسته‌ترین خصالت این قیام و  
مهم‌ترین عامل پیروزی آن بود.

شعارهای ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی که در سی ام تیر از  
طرف مردم داده شد و پس از آن با وجود مخالفت جبهه ملی در صفوف  
نهضت ماند و ریشه دو انبیه منحصرأ شعارهای حزب توده ایران بود. سی ام تیر  
تنها با حضور حزب توده ایران بود که روز قیام ملی شد و در تاریخ ماند.  
سومین نتیجه قیام سی ام تیر تشدید دشمنی با مصدق در محافل حاکم  
ملاک- بورژوازی و تضعیف موقعیت مصدق در آن محافل بود. این نتیجه

۱۴. بحث‌های درون حزب زحمتکشان، روزنامه «کیهان» ۲۲ مه ۱۳۳۱-۱۳۳۱  
۱۵. دفاع دکتر مظفر بقایی در دادگاه، روزنامه «اطلاعات»، ۲۳ مه ۱۳۳۱-۱۳۳۱  
۱۶. خاطرات دستجاتی، خواندنیها، شماره ۹۰ سال ۱۳۴۱.  
۱۷. دژ بهجای بسوی آینده، ۱۰ مرداد ۱۳۳۱.

گیری شاید در نظر اول عجیب بنماید زیرا سی ام تیر ظاهراً موجب آن شد که  
دو جناح جبهه ملی که قبل از برکناری مصدق آشکارا از هم جدا شده بودند  
برای مقابله با قیام به هم بیوندند. به علاوه گروه قابل ملاحظه‌ای از وکلای  
درباری مجلس شورا و سایر تیز پس از سی ام تیر به مصدق رأی اعتماد داده و  
اختیارات او را تصویب کردند. اما این نوع همکاری ظاهری بود. بحرانی از  
جلو صحنه به پشت پرده رفته و توطئه‌گری تشدید شده بود. به نقطه دربار و  
وکلای درباری وابسته به امپریالیسم با وجود رأی که در ظاهر به مصدق  
می‌دادند بر اثر قیام سی ام تیر از او دورتر شده بودند، بلکه عده‌ای از  
نمایندگان هوادار مصدق نیز- به طوری که بعدها معلوم شد- در این روزها از  
مصدق جدا شده در پشت سر به صف دشمن پیوستند. قاطعیتی که مردم در  
سی ام تیر نشان دادند، این رفیقان نیمه راه را به شدت وحشت زده کرده بود.  
همین وحشت محافل بورژوازی از توده‌ها زمینه‌ای به دست دربار و محافل  
امپریالیستی می‌داد که پس از عقب نشینی سریع سی ام تیر هجوم جدیدی را  
بلافاصله تدارک ببینند.

از میان احزاب و سازمان‌های سیاسی ملی و یا مدعی ملی بودن،  
متأسفانه هیچ یک- به جز حزب توده ایران - حوادث سی ام تیر را تحلیل  
نکرد و از آن نتایج لازم را نگرفت. از طرف هیچ یک از احزاب و سازمان‌های  
وابسته به جبهه ملی و هوادار مصدق تاکنون سندی، تحلیلی، تصمیمی در این  
باره منتشر نشده و در واقع چنین چیزی وجود ندارد.  
تنها حزب توده ایران بود که این حوادث را تحلیل کرد و مهم‌ترین  
نتیجه‌ای که گرفت این بود که پیروزی سی ام تیر قطعی نیست، ارتجاع و  
امپریالیسم دست از توطئه برنخواهند داشت و این بار نمی‌توان مانند سی ام  
تیر با تأخیر در اتحاد نیروها و با دست خالی جلوتانک رفت و پیروز شد.  
این مطلب در انتشارات فرمانداری نظامی و ساواک به شرح زیر  
متنکس شده است:

«بعد از جریانات ۳۰ تیر ۱۳۳۱ کمیته مرکزی حزب توده طی یکی از  
جلسات خود تصمیم به مسلح کردن حزب گرفت و چون خریدن سلاح  
چه از نظر مادی و چه از نظر اخفا مشکلاتی را وجود می‌آورد تصمیم  
گرفته شد که حزب به موازات خرید تفنگ و فشنگ و مسلسل و غیره  
ساختن نارنجک و فشنگ و بطری آتش را... را در دست کار خود قرار  
دهد.» ۱۸

«بنا به ابتکار دکتر کیانوری، کمیته مرکزی حزب توده دست به  
تهیه سلاح جنگی زد... کیانوری چنین استدلالی می‌کرد که «ارتجاع»  
بازساکت نخواهد نشست و حمله خود را به آزادی از سر خواهد گرفت.  
این بار با دست خالی مانند ۳۰ تیر نمی‌توان برافروختی آمد.» ۱۹  
متأسفانه استاد و صورت جلسات هیأت اجراییه از میان رفته و برای  
بازسازی دقیق حوادث آن روز چاره‌ای جز مراجعه به خاطرات رفقای مسئول  
نیست. رفیق کیانوری که در تصمیمات آن روزهای هیأت اجراییه نقش  
اساسی داشته به یاد می‌آورند:

«آنچه من درباره تصمیمات هیأت اجراییه در زمینه لزوم تدارک مقاومت  
مسلحانه در برابر کودتای احتمالی به خاطر دارم این است که پس از  
رویداد ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ و بعد از آن افشا شدن تدارک کودتای  
آمریکایی- درباری آخر شهریورماه ۱۳۳۱ دیگر مسلم بود که  
امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی به کارگردانی دربار پهلوی و  
همه نیروهای سرسپرده به آنان و به دست ارتش، شهربانی و ژاندارمری و  
اوباش در تدارک سرنگون کردن دکتر مصدق هستند.»

مسأله اساسی برای رهبری حزب عبارت بود از ایجاد و تحکیم  
جبهه نیرومندی از همه نیروهای ضد امپریالیستی و در درجه اول از  
نیروهای وفادار به دکتر مصدق و نیروهای حزب توده ایران. همان طوری  
که می‌دانیم تمامی تلاش‌های حزب ما در این راه که پس از رویداد  
۲۰ تیرماه همواره جدی‌تر می‌شد بر اثر انتفاع دکتر مصدق و هوادارانش از  
یک سو و حرب‌بکاری آگاهانه گروه‌های وابسته به امپریالیسم آمریکا و  
دربار در درون جبهه ملی یعنی گروه مظفر بقایی و خلیل ملکی بی نتیجه  
ماند.

نظر حزب ما این بود که تنها در صورت به وجود آمدن چنین  
جبهه‌ای می‌توان همه نیروهای ضد امپریالیستی را در برابر توطئه‌های  
رواقفون دشمنان تجهیز کرد. به موازات این خط اساسی در رهبری  
حزب این مطلب هم مورد بحث و مطالعه قرار گرفت که با دنظر گرفتن  
این که مرکز اصلی تدارک کودتای ارتش و سایر نیروهای مسلح خواهد  
بود، حزب باید برای مقابله با کودتا در فکر تدارک وسایل فنی و حداقل  
سلاح باشد- در این باره تصمیماتی گرفته شد. ولی بر سر راه عملی  
کردن این تصمیم یک مانع سیاسی بزرگ وجود داشت.

امپریالیست‌ها و نفاق افکنان که خوب می‌دانستند اتحاد  
نیروهای توده‌ای و سایر نیروهای راستین ضد امپریالیستی و ضد  
استعماری که از دکتر مصدق پشتیبانی می‌کردند بزرگ‌ترین غریبه را به  
نقشه‌های جنایت کارانه آن‌ها وارد خواهد ساخت تمام تلاش خود را در  
این زمینه متمرکز کرده بودند که- درست همان طوری که امروز  
شاهدش هستیم- در زیر پرچم دو روین «خط کمونیسم» و «نقشه‌های  
شوروی برای رسیدن به آب‌های گرم» و نظایر آن‌ها نیروهای ملی‌گرا را  
در مواضع دشمنانه نسبت به نیروهای توده‌ای نگاه دارند. مسلح شدن  
مفاتیح حزب توده ایران و یا سازمان مخفی کار دیگر- در صورتی که  
گروه‌های از فعالیتشان در این زمینه رومی‌شد- می‌توانست به صورت  
عاملی شدیداً منفی در جریان تلاش حزب به منظور تشکیل جبهه متحد  
اثر بگذارد.

از آنجا که تهیه و تدارک سلاح از دوره بیشتر می‌شود یا می  
باید از ذخائر ارتش آن‌ها راپرداریم و یا این که در بازار قاچاق با پول  
بسیار زیاد که حزب ما فاقدش بود خریداری نماییم. این هر دو راه هم  
دشوار و هم بسیار خطرناک بود و می‌توانست نتایج سیاسی خیلی منفی  
به بار آورد.

با توجه به این مشکلات تصمیم تدارک سلاح خیلی به کندی و  
در مقیاس بسیار کوچک عملی گردید و آنچه حزب مادر ۲۸ مرداد در  
اختیار داشت منحصر می‌شد به چند تفنگ، ده دوازده سلاح کمری،  
مقداری نارنجک و ۱۵۰ بازوای ضد تانک. مسأله ساختن نارنجک  
تا ۲۸ مرداد از حدود تدارک مقدماتش فراتر رفته بود و تنها پس از ۲۸  
مرداد به طور جدی دنبال شد. حزب توانست در شرایط بسیار دشوار حاکم  
به کمک گروه فنی مأمور این کار ۱۲ هزار نارنجک قابل استفاده تهیه  
کند ولی تغییر شرایط سیاسی و وضعیاتی که بر اثر تثبیت رژیم کودتا به  
سازمان حزب ما وارد آمد ادامه کار را غیرمفیدتر کرد. این که گفته شده

است که گویا حزب در ۲۸ مرداد ۱۲ هزار نارنجک ساخت خود داشته  
است به کلی دروغ است.

به طور کلی در ماه‌های پیش از ۲۸ مرداد شمار حزب افشای  
توطئه‌های کودتا، تجهیز مردم برای مقابله با این خطر و وا داشتن  
دکتر مصدق به اقدامات جدی برای خنثی کردن توطئه‌ها بود.

در این باره که برای یک حزب مخفی تهیه پنهانی سلاح برای دفاع  
از دولتی که روی کار است، چه دشواری‌های سیاسی و فنی بزرگی دارد،  
نیازی به توضیح بیشتری نیست. آنچه اکنون باید گفت این است که حزب  
توده ایران از حوادث تیرماه ۱۳۳۱ این نتیجه اصلی را گرفت که باید شمار  
تشکیل جبهه واحد ملی و دفاع از حکومت مصدق را با بی‌گیری به مراتب  
بیشتری دنبال کرد. تداوم هم که برای مسلح کردن حزب اتخاذ می‌شد  
برای دفاع از حکومت مصدق بود و نه برای سرنگون کردن آن. به همین  
دلیل هم تا ۲۸ مرداد اجرای آن مقصور نشد.

### از سی ام تیر تا کودتای نافرجام شهریور- مهر ۱۳۳۱

پس از سی ام تیرماه نفرت مصدق از امپریالیسم انگلیس بازم بیشتر  
شد. او طی دو ماه مرداد- شهریور ۳۱ چنین ضربت کاری به انگلستان  
وارد آورد: بانک شاهنشاهی انگلیس پس از ۶۳ سال فعالیت خرابکارانه  
تعطیل شد، مواضع عمال بریتانیا در مجلس تا حدود زیادی آسیب دید،  
عده‌ای از افسران ارتش نزدیک به انگلستان از کارهای حساس برکنار شدند،  
صحت قطع ارتباط با انگلستان رفته رفته سر زبان‌ها افتاد.

در تماسبات با امپریالیسم آمریکا نیز مصدق پس از سی ام تیرماه  
کمی خشن‌تر شد. دخالت مستقیم و علنی هندرسن، سفیر آمریکا در تهران،  
در حوادث تیرماه، مصدق را نسبت به او به حدی خشمگین کرده بود که شایعه  
فراخواندن و یا حتی اخراج او از تهران به روزنامه راه یافت. گفته می‌شد  
ممکن است مصدق پس از به دست گرفتن زمام امور ارتش به کار مستشاران  
آمریکایی در ایران پایان دهد. با این که، این فقط یک شایعه بود، حزب توده  
ایران از چنین احتمالی استقبال می‌کرد. «بسوی آینده» می‌نوشت که مصدق  
ممکن است به کار مستشاران آمریکایی پایان دهد ولی شاه با تمام قوا برای  
ابقای آن‌ها می‌کوشد. ۲۰

اقدامات ضد آمریکایی مصدق بسیار با احتیاط و محدود بود. مصدق  
از استراتژی دور برد خود دست نمی‌کشید؛ حاضر نبود بپذیرد کلام امپریالیسم  
آمریکا در مجموع خویش دشمن ایران و دشمن شماره یک ایران است. او در  
عین حال که از روش کسانی مانند هندرسن- سفیر آمریکا در ایران- ابراز  
عدم رضایت می‌کرد امیدوار بود که افراد دیگری در آمریکا پیدا شوند که به  
ملی شدن نفت ایران کمک کنند. مصدق در این زمان به شرکت آمریکایی  
سیتز سرویس دل بسته بود. آلتون جوزز رئیس این شرکت انحصاری که در  
عین حال رئیس هیأت مدیره انجمن نفت ایالات متحده آمریکا بود بلافاصله  
پس از سی ام تیر از طرف مصدق برای «کمک و راهنمایی جهت به کار  
انداختن صنایع نفت ایران» به کشور ما دعوت شد. وی در آغاز شهریورماه  
۱۳۳۱ به ایران آمد و چند هفته در کشور ما ماند و به آبادان سفر کرد، و وعده  
میانجی‌گری داد.

کوشش‌های امثال جوزز برای انحصارات امپریالیستی نفت جنبه  
فرعی و غیر جدی داشت. کارتل نفت می‌خواست مسأله را به سود خود و در  
چارچوب امتیازهای استعماری موجود در خلیج فارس حل کند. بنابراین در  
پشت پرده حوادث دیگری می‌گذشت. لندن و واشنگتن به طور مداوم در  
تماس بودند. مبارزه مردم ایران در سی ام تیر، گسترش شعارهای ضد  
آمریکایی و ضد سلطنتی و مقاومت‌تر شدن مصدق آنان را به این نتیجه می  
رسانید که باید لحن خود را علیه او شدیدتر کنند و مسأله نفت را نه با خود  
مصدق بلکه با جانشین او حل نمایند. آن‌ها می‌کوشیدند این نظر و عقیده خود  
را به همه محافل ارتجاعی و سازشکار ایران و خاورمیانه بفهمانند تا روح مقابله  
و مخالفت با مصدق بیش از پیش تشدید شود.

روز ۵ شهریور سفیر آمریکا و کاردار سفارت انگلیس در تهران پیش  
مصدق رفتند و پیام مشترک رئیس جمهور آمریکا و نخست وزیر انگلیس  
(ترومن و چرچیل) را به او دادند. این پیام با این روح و به این قصد تنظیم  
شده بود که مصدق نتواند آن را بپذیرد ولی بفهمد که در برابر نوعی اوثیماتوم  
قرار گرفته و همین است و بس!

مصدق این مطلب را درک کرد. او طی اطلاعیه‌ای که برای  
خبرنگاران خوانده ضمن رد پیشنهاد مشترک آمریکا و انگلیس گفت:

«پیام نشان می‌دهد که اولیای امر انگلستان در لاف‌ها عبارات تازه عیناً و  
بلکه شدیدتر همان مقاصد سابق خود را دنبال می‌کنند...  
راه حلی که در این پیام پیشنهاد شده... به مراتب از راه حل‌های  
سابق شدیدتر و غیر عملی‌تر است... می‌خواهند مسأله داخلی را... به  
صورت اختلاف بین المللی در آورند.» ۲۱

مصدق می‌کوشید نام آمریکا را نیاورد. اما از این واقعیت که دولت  
آمریکا به گناه خود مصدق و بنا به دعوت خود او از یک سال پیش در  
مسأله اختلافات ایران و شرکت نفت انگلیس رسماً دخالت داشت نمی‌شد  
فرار کرد. این خود مصدق بود که آوریل هرین نماینده رئیس جمهور آمریکا  
را در مذاکرات با شرکت نفت رسماً دخالت داد. این مصدق بود که به طور  
مداوم موضوع اختلاف خود را با شرکت نفت به رئیس جمهور آمریکا که یک  
مقام دولتی است گزارش می‌داد و این مصدق بود که درباره مسأله نفت که  
یک مسأله داخلی ایران است به طور مداوم با مقامات دولتی آمریکا مذاکره  
می‌کرد.

باری اسلحه‌ای که مصدق به خیال خود علیه انگلستان به کار انداخته  
بود اینکه به سمت خود او بر می‌گشت. آمریکا «میانجی» به طور رسمی  
در کنار انگلستان از مصدق می‌خواست که بلاشرط تسلیم شود.  
چنان که گفتیم نه ترومن و نه چرچیل پیام خود را با این قصد و این  
روح تدوین نکرده بودند که راهی پیش پای مصدق بگذارند و او بتواند آن را  
بپذیرد. بلکه بر عکس این پیام (شدیدتر) و «غیر عملی‌تر» بود. علت اتخاذ  
این لحن تصمیمی بود که امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی برای تغییر  
بقیه در صفحه ۱۸

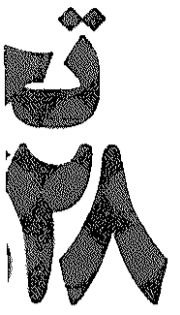
۱۸. سیرکونیسم در ایران، از انتشارات فرمانداری نظامی تهران، چاپ  
کیهان، تهران ۱۳۳۶، صفحه ۵۷۱.  
۱۹. کمونیسم در ایران، منتسب به سرهنگ تاد علی زیبایی (جنایتکار  
معروف ساواک)، تهران، ۱۳۳۲، صفحه ۵۷۱.

۲۰. دژ بهجای بسوی آینده، ۱۷ مردادماه ۱۳۳۱.  
۲۱. روزنامه «کیهان»، ۱۶ شهریورماه ۱۳۳۱.

۱۴. بحث‌های درون حزب زحمتکشان، روزنامه «کیهان» ۲۲ مه ۱۳۳۱-۱۳۳۱  
۱۵. دفاع دکتر مظفر بقایی در دادگاه، روزنامه «اطلاعات»، ۲۳ مه ۱۳۳۱-۱۳۳۱  
۱۶. خاطرات دستجاتی، خواندنیها، شماره ۹۰ سال ۱۳۴۱.  
۱۷. دژ بهجای بسوی آینده، ۱۰ مرداد ۱۳۳۱.



ف. م. جوانش



نظری به تاریخ

دولت انگلیس را قطع ک واحدهای به تصویب مجلس شورا دوسال تعیین دوسال طول کشیده بود پای مصدق در چند ضربت مت کانون‌های کودتا را کویبی این اقدامات ف نزدیک‌ترین یاران مصد کامل قرار گرفت. اکثریت قاطع را جبهه ملی آشکار و نهان مخالفان او پیوستند. در برابر قطع رابط این اقدام دولت مصدق دشواری‌هایی را که از حاصل می‌شود بر می‌ش از مردم دعوت می‌کرد که

۱. اصل چهار
۲. مؤسسات ج
۳. نیروی خود
۴. مبارزات ج

حزب توده ایران، امپریالیستی آمریکا و دیپلماتیک نیستند. کار دیپلماتیک دارند. این «بسوی آینده» م «جاسوسان سفارتخانه» جاسیب‌اند. ما آمریکایی! انگلستان م ما کارشکی پای را اخراج متأسفانه آن رو جاسوسی امپریالیستی مستقیماً کودتای ۲۸ مر امروز این خواست ملت مسلمان‌پرو خط امام» بودن آن را به اثبات رس حمایت ما از برخلاف ادعای خرابه نیست، محصول چهل سازش کاران است.

به سوی توطئه نهر پاییز سال ۳۱ استراتژی مصدق بود ک کمونیسم» نبرد خود آمریکا که پس از جت در این لحظات به نقطه سیاست خشن و تجاوز می‌نمایند و طلب «جلوگیری از گسترش حسی فاطمی به وزا نخستین اقدام سیاس ۴۰ ده‌وگراسی نوین مهرماه ۱۳۳۱.

کمیته مرکزی حزب توده ایران پس ازافشای کودتاگران و یادآوری بی‌توجهی‌های مصدق به هشدارهای مکرر حزب می‌نویسد:  
«ما بازم می‌گوییم: هر گونه دستبرد جدیدی که از طرف امپریالیست‌ها به حقوق ملت ایران زده شود، اگر چه ظاهراً مقارن برکاری شما از نخست وزیری باشد مسئولیت آن مستقیماً متوجه شخص شماست. «۲۳»

در این روزها حزب توده ایران برای جلوگیری از کودتا به معنای واقعی کلمه با تمام قوا می‌رزمید و بدون توجه به فشارهایی که بر حزب وارد می‌آمد با شهادتی شایان تحسین به افسران و سربازان ارتش شاهنشاهی خطاب می‌کرد و از آن‌ها می‌خواست که انضباط کورکورانه را بشکنند و دستورات ضد ملی مافوق را اجرا نکنند.

در بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به سربازان و افسران که در همین زمان منتشر شد و به وسعت در سربازخانه‌ها پخش شد از جمله گفته می‌شود:  
«برادران سرباز و افسر!

... هرکس به شما فرمان حمله و هجوم به ملت بدهد قاتل است دستورش را اجرا کنید، بی درنگ سر نیزه‌ها را به سوی خود او برگردانید، چنین شخصی پاداشی جز گلوله ندارد. «۲۴»

در مطبوعات حزبی از مردم و سربازان دعوت می‌شد که کودتا را به ضد کودتا بدل کنند. در این روزها جملاتی از نوع:  
«ایده کودتا را به جنگ بر ضد کودتا چنان مبدل ساخت. «۲۵»

«جنگ بر ضد کودتا از هم اکنون باید شمار همه باشد. «۲۶»

در مطبوعات حزب فراوان بود. پس از ۲۸ مرداد کارشناسان جنگ روانی و مرتدین و دوستان نیمه راه، رهبری حزب را به باد ناسزا گرفتند که دائماً شعار می‌داد جنگ بر ضد کودتا اما خود کاری نمی‌کرد. این گونه حرف‌ها را اگر از کینه ضد توده ای و قصد تخریب روحیه مبارزان خالی کنید چیزی جز حرف مفت در آن‌ها باقی نمی‌ماند.

اولاً، حزب توده ایران در همین زمان و بعدها ضمن تأکید ضرورت بدل کردن کودتا به جنگ بر ضد آن این نکته را هم به طور مداوم و هم زمان تأکید می‌کرد که این کار جز از طریق اقدام مشترک همه نیروها و جز از طریق تأمین آزادی مقدور نیست. دشمنان، طبق معمول لاله را از لاله جدا کرده‌اند.

حزب توده ایران می‌نوشت:  
«مردم را آزاد بگذارید تا بساط کودتا و کودتاچیان را در هم ریزند... برادران نظامی! ما می‌توانیم به اتفاق هم ... کاخ قدرت بوشالی کودتاچیان را در هم بریزیم. شما می‌توانید در کنار فرزندان ملت دشمنان ایران را سرکوب کنید. «۲۷»

«تشکیل جبهه متحد ضد استعمار جواب دندان شکن به امپریالیست‌های انگلیسی و آمریکایی است... بهترین پاسخ به توطئه گران تشکیل جبهه متحد ضد استعمار است. «۲۸»

ثانیاً، حزب توده ایران توجه داشت که یک حزب پنهانی، حزبی که از همه طرف مورد هجوم است و کودتاچیان برای موقتیت در توطئه‌های خویش آن را منعم به تدارک کودتا !! می‌کنند، نمی‌تواند در زیر حکومت مصدق- که مورد حمایت است- مخفیانه مسلح شود. مادر صفحات پیش تصمیمات حزب را در این باره و دشواری‌های اجرای آن را یاد کردیم. بنابراین حزب توده ایران در نامه به مصدق تأکید کرد که اگر کودتایی موفق شود مسئولیت آن مستقیماً متوجه شماست!! چرا که اقدامی برای سرکوب آن نکردید.

با در نظر گرفتن مجموعه این مطالب و در رابطه متقابل آن‌هاست که حزب توده ایران از بدل کردن کودتا به جنگ بر ضد کودتا سخن می‌گوید که حرفی منطقی و درست است. دعوت است، هشدار است، که اگر مورد توجه قرار می‌گرفت ۲۸ مردادی پیش نمی‌آمد.

ولی متأسفانه این هشدارها مورد توجه قرار نمی‌گرفت. در شهر پورماه ۱۳۳۱ هم اطرافیان مصدق و رهبران جبهه ملی هشدار حزب توده ایران را به هیچ گرفتند. به جای توجه به هشدار آزاد گذاشتن حزب برای دفاع از نهضت برقرار خود افزودند. جناح راست جبهه ملی که در کودتا شرکت داشت و یا از آن بدش نمی‌آمد به هشدار حزب توجه نکرد، هیچ، که طلبکار هم شد و حزب ما را به تحریک افکار مردم منعم کرد. با این حال هشدار حزب به هر صورت اثر بخش بود. مصدق هوشیارتر شد. و به خبرهایی که از ارتش می‌رسید توجه بیشتری کرد. این خبرها حاکی از این بود که لشکر گارد شاهنشاهی نیروی نرنگی در اطراف تهران متمرکز کرده و زیر پوشش «مانور نظامی» ضد حمله به تهران دارد. در روزهای آخر شهر پورماه مصدق دستور انحلال لشکر گارد و تقسیم آن به سه تیپ را صادر کرد و موقتاً نیروی متمرکز کودتا را پراکند. اما توطئه ادامه یافت تا این که سرانجام ۲۱ مهرماه ۱۳۳۱ وجود توطئه کودتا رسماً اعلام شد. سرلشکر حجازی آجودان مخصوص شاه و برادران رسیدن از تجار بازار که با سفارت انگلیس رابطه داشتند دستگیر شدند. اعلام شد که ۷ ستانور (از جمله سرلشکر زاهدی)، ۴ نماینده مجلس (از جمله دکتر بقایی)، ۵ افسر ارشد و چندین از اعضای خانواده سلطنتی در توطئه کودتا شرکت داشته‌اند.

مصدق در آغاز با این کودتا به طور قاطع مقابله کرد. بنا به اصرار مصدق اسرف پهلوی و مملکت مادر از کشور بیرون رفته به آمریکا پناه بردند. وسایل تبعید ساجبور علی رضا و چندین دیگر از اعضای خاندان سلطنتی نیز فراهم شد. مصدق در دشتی با امپریالیسم انگلیس گام بزرگ دیگری به جلو برداشت و در ۳۰ مهرماه ۱۳۳۱ طی یادداشتی رابطه سیاسی ایران با

۳۳. رژیم آوران، به جای بسوی آینده، ۱۶ شهریورماه ۱۳۳۱، تکیه از ما است.
۳۴. بیوندها به جای بسوی آینده، ۲۱ شهریورماه ۱۳۳۱، تکیه از ما است. ( تا این زمان نزدیک ۲۵ روزنامه به جای بسوی آینده توقیف شده بود. تنها به این دلیل که کودتا را افشا می‌کرد و سربازان را به دفاع از منافع ملی فرا می‌خواند).
۳۵. رژیم آوران، ۱۶ شهریورماه ۱۳۳۱.
۳۶. سرانجام به جای بسوی آینده، ۱۲ شهریورماه ۱۳۳۱.
۳۷. همان جا.
۳۸. تقریباً همه شماره‌های بسوی آینده در شهریورماه ۱۳۳۱.

تدارک می‌شد فراهم نمایند. چهارشنبه پنجم شهریور- چند ساعت پس از تسلیم پیام ترومن و چرچیل به مصدق، مظفر بقایی لیدر حزب زحمتکشان پیامی منتشر کرد و اعلام داشت که به بنهای خونریزی از شرکت توده‌ای‌ها در این مراسم جلوگیری خواهد کرد.

او در این پیام خطاب به مردم و مبارزان! می‌نوشت:  
«شما بروید مقاومت کنید! بیگانه پرستان [!] را ولو با ر پختن خون باشد از این مقبره مقدس جانبازان راه آزادی و استقلال برانید. «۲۸»

بقایی بعدها در دادگاه چگونگی تدارک این خونریزی را تا حدودی توضیح داد و روشن کرد که طرف خطاب او که بیرونه و خون بریزند چه کسانی بوده‌اند.  
مظفر بقایی می‌گوید:  
«خبر شدم که توافق محرمانه ای شده است که توده ای‌ها هم به طور رسمی در مراسم چهلم شهدای سی ام تیر شرکت کنند. این مطلب برای من غیر قابل تحمل بود. همان شب با حالت کسالت اعلامیه‌ای به دست خودم نوشتم... مبنی بر این که مردم [!] اجازه نخواهند داد که بیگانه پرستان [!] در مراسم شهدای سی ام تیر حاضر شوند.

پس از انتشار اعلامیه گرفتار مراجعین شدم. اول آن مؤتلفین با حزب توده که من می‌دانستم، آمدند که این اعلامیه چیست؟ این‌ها هم ایرانی هستند و می‌خواهند از شهدا تجلیل کنند و بر عظمت تجلیل خواهد افزود.

این اصرار علنی داشت و آن این که از همان شب افراد حزب زحمتکشان را فرستادم از سازمان‌های حزب در ورامین و کرج و اطراف عده ای را با چوب و جفا آوردند و بردند این بابویه و گفتیم به مسئولیت خودم، هر توده ای خواست بیاید اینجا قلمش را خرد کنید... فرستادگان مصدق آمدند که این کار تو ایجاد جنجال می‌کند و الا با یک محیط آرام لازم دارم.

چند نفر از وکلا و وزرا آمدند که نظر آقای دکتر مصدق این است که اعلامیه را لغو کنید و اجازه دهید کمیونیست‌ها بیایند و عزاداری کنند... نصیحت و التماس و تهدید کردند که فردا خون می‌ریزد... هرچه گفتند زیر بار نرفتم... از طرف هیأت دولت آمدند رسماً در خواست کردند زیر بار نرفتم.

آن شب هیأت دولت نشست و تصویب نامه صادر کرد که مقررات حکومت نظامی برای ۱۲ ساعت ملغی می‌شود. سپس اعلامیه حزب توده ایران که نظاره‌ام در میدان فوزه است. «۲۹»

علت این که بقایی با چنین اعتمادی دستور هیأت وزیران را هم زیر پا می‌گذاشت و جرأت می‌کرد روز روشن چماق‌دار استخدام کند و به جان مردم بیاندازد، حوادث پشت پرده بود که در آن وظیفه‌ای هم به عهده بقایی گذاشته شده بود. درست در همان هفتم شهر پورماه «به سوی آینده» خبر داد که علی رضا پهلوی و گروهی از افسران خائن کودتایی را تدارک می‌کنند. «۳۰»

بقایی در این کودتا دست داشت و می‌خواست زمینه آن را فراهم کند.

روز چهلم شهدای سی ام تیر حزب توده ایران درایت و انعطاف فراوانی از خود نشان داد. از رفتن به این بابویه خودداری کرد و میتیگی در میدان فوزه به برگزار کرد. در اعلامیه ای که از طرف «جمعیت ملی مبارزه با استعمار» منتشر شده بود تصریح می‌شد:

«مبارزان حقیقی ضد استعمار هرگز نمی‌خواهند که امکان اخلال گری به بقایی‌ها و واربابان آن‌ها بدهند. «۳۱»  
«جمعیت ملی مبارزه با استعمار» باز و بازم همه نیروهای صلحی ضد امپریالیست را به اتحاد دعوت می‌کرد و توضیح می‌داد:

«مقصود به هیچ وجه این نیست که جمعیت‌ها و احزاب مشکل در جبهه واحد ملی خط مشی سیاسی و هدف مبارزه خود را تغییر دهند. پیشنهاد هیجکاری ما فقط روی موارد معینی است که جمعیت پیشنهاد کرده است. «۳۲»

مؤادیر پیشنهادی «جمعیت ملی مبارزه با استعمار» عبارت بود از ملی کردن واقعی نفت، تأمین آزادی‌های دموکراتیک، بهبود وضع مردم، تدارکات مکرر حزب توده ایران در باره تدارک کودتا و ضرورت اتحاد نیروهای ملی برای رو پارویی با آن متأسفانه آنچنان که باید مورد توجه واقع نمی‌شد. ۱۶ شهریورماه ۱۳۳۱ کمیته مرکزی حزب توده ایران لازم دید که این مسایل مهم را طی یک نامه رسمی سرگشاده به اطلاع مصدق برساند و او را در برابر مسئولیت‌های خود قرار دهد. در این نامه سرگشاده پس از توضیح هدف‌های عمومی امپریالیست‌ها و اعمال کودتاچی آنان در کشورهای مثل ایران گفته می‌شود که از مدت‌ها پیش تلاش برای برکناری دولت مصدق وجود دارد. کودتاهای مکرر تدارک می‌شود ولی مصدق توجه کافی نمی‌کند. کمیته مرکزی حزب توده ایران متذکر می‌شود که ما در پهن ماه ۱۳۳۰ هشدار دادیم. توجه نشد، در نتیجه شبه کودتای قوام پیش آمد، امروز هم خبر می‌دهیم، هشدار می‌دهیم، اگر توجه نشود نهضت ملی در خطر خواهد بود.

در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران سپس خطاب به مصدق گفته می‌شود:  
«امپریالیست‌ها به منظور مشوب کردن اندها در اطراف «کودتای چپ» سخن پردازی می‌کنند. امپریالیست‌ها از هم اکنون به دست مستشاران نظامی نقشه مفصلی در باره سرکوب نمایش‌ها، تظاهرات توده ای از راه برادر کنشی طرح کرده و برای اجرا آماده ساخته‌اند... کودتا با موافقت آمریکا و انگلیس تدارک می‌شود... سرلشکر ارفع، سرلشکر حجازی، سرهنگ مختار، سرهنگ انوری... در توطئه دخیل‌اند.»

۲۸. شاهد، ششم شهریورماه ۱۳۳۱. (می‌بینید! بقایی‌ها- در واقع فقط بقایی‌ها- مبارزان صدیق انقلابی را درست در زمانی که خودشان به دستور امپریالیست‌ها در کار تدارک توطئه‌اند، بیگانه‌پرست می‌نامند! )  
۲۹. دفاعیات دکتر بقایی، روزنامه اطلاعات، ۲ دی‌ماه ۱۳۴۰.  
۳۰. رهبر مردم به جای بسوی آینده، ۲ شهریورماه ۱۳۳۱. ( رهبر مردم دههین روزنامه‌ای بود که پس از سی ام تیر به جای بسوی آینده منتشر و بلافاصله از طرف فرمانداری نظامی توقیف می‌شدند. اما شاهد با وجود خیانت آشکار مسئولین مظفر بقایی تا روز کودتای ۲۸ مرداد با خیال راحت منتشر می‌شد و کسی مزاحمش نبود )  
۳۱. همان جا.  
۳۲. آخرین علاج به جای بسوی آینده، ۱۳ شهریورماه ۱۳۳۱.

مصدق گرفته بودند و درست در زمانی که ترومن و چرچیل پیام می‌فرستادند عمال آنان در نهان کودتای جدیدی را تدارک می‌دیدند.  
طبق معمول کودتا با حمله به حزب توده ایران، با جنجال بر سر «خطر کمونیسم»، «آب‌های گرم» و ولاطاناتی از این دست- که هنوز هم متأسفانه عده‌ای آن را به کار می‌گیرند- تدارک می‌شد. این جنجال ضد کمونیستی پرده دودی برای استتار خطر واقعی ایجاد می‌کرد.  
دیلی تلگراف می‌نوشت:

«هرگاه یک دولت توده‌ای زمام امور ایران را به دست گیرد دولت شوروی به آب‌های خلیج فارس دست خواهد یافت. بدین طریق دنیای غرب با بزرگ‌ترین خطر [!] بعد از جنگ روبرو خواهد شد. «۲۲»  
گاردین اضافه می‌کرد:

«اگر دولت جدید نتواند اوضاع را بهبود بخشد یک دولت توده‌ای روی کار خواهد آمد. «۲۳»

فرانس پرس از واشنگتن خبر می‌داد:  
«به عقیده وزارت خارجه آمریکا تا آخر سال جاری میلادی (۱۹۵۲) کمیونیست‌ها ضرب شستی برای به دست گرفتن قدرت در ایران نشان خواهند داد [!] تلگراف‌های ناراحت کننده و بی در پی از سوی هندرسن به واشنگتن می‌رسد [!]»

هندرسن مرتباً به واشنگتن اعلام خطر می‌کند. آمریکای از تثبیت اوضاع ایران کاملاً نوسید شده و قصد دارد این کشور را به حال خود بگذارد. وضع فعلی ایران راه خلیج فارس و نفت آبادان را به روی روس‌ها باز گذاشته است. «۲۴»  
روزنامه‌های آن روز کشورهای سرمایه داری را که نگاه کنیم پراز این جنجال ضد کمونیستی است. مطبوعات ایران نیز به وسعت آن را بازگو می‌کنند.

در پشت سر این جنجال ضد کمونیستی در واقع خود محافل امپریالیستی بودند که می‌خواستند ضرب شصت نشان داده و برای به دست گرفتن قدرت کودتا کنند.  
می‌توان گفت که تدارک کودتا از همان عصر سی ام تیر ۱۳۳۱ آغاز شد. از بعد از ظهر سی ام تیر، زمانی که حضور قاطع حزب توده ایران مردم را به سوی قیام برد و شعارهای حزب همه جا رسوخ کرد، دربار و محافل امپریالیستی که پشت سر قوام بودند، ضمن عقب نشینی سریع در مقابل مصدق، حمله گسترده ضد حزب توده ایران را آغاز کردند.

مظفر بقایی عامل سیا در ایران چنین می‌گوید:  
« در غروب سی ام تیر که کمیونیست‌ها و مؤتلفین آن‌ها می‌خواستند دامنه جریان را به تغییر رژیم بکشانند من و دوستانم ترمزی بودیم که آنان را به جای خود نشاندهیم...  
در جلو حزب زحمتکشان توده ای‌ها هم بودند. شمار دادند که حالا قوام رفته باید رژیم عوض شود...  
ما سرگند خوردیم که به مقام سلطنت وفادار باشیم. «۲۵»

از همان غروب سی ام تیر- که بقایی از آن یاد می‌کند- مأمورین به اصطلاح انتظامی تا جایی که می‌توانستند به حزب توده ایران می‌ناختند. فردای سی ام تیر دست مأمورین پلیس و ارتش در مضرور کردن توده‌ای‌ها که شعار ضد سلطنت داده و شاه را در توطئه قوام شریک می‌دانستند کاملاً باز بود. تا جایی که رئیس شهر بانی در پیامی علیه حزب توده ایران- که از رادیوی دولتی زیر نظر مصدق چندین بار پخش شد- بدترین ناسزاها را نثار حزب توده ایران می‌کرد و می‌گفت:

«عده‌ای از عناصر و عمال اجانب [!] ... به انجام مقاصد شومی اشتغال ورزیده‌اند. منبریات آن‌ها فقط وطن فروشی است... عملیات خانناکه فقط مطلوب خائنین است... به مقدسات ملی توهمین می‌کنند... در آینده به امدی اجازه تحقیر و اهانت داده نخواهد شد.  
کمترین تظاهر مخالف مصلحت و حیثیت کشور... سرکوب... «۲۶»

{ چه دنیایی داریم! چه کسانی چه کسانی را عامل اجنبی و وطن فروش مینامند!!}

مصدق در روزهای آخر تیرماه برای جلب اطمینان خاطر شاه پشت قرآن را امضا کرده و برای او فرستاده بود.  
مصدق در این قرآن تقدیمی نوشت:

«دشمن قرآن باشم اگر خواهم بر خلاف قانون اساسی عمل کنم. و همچنین اگر قانون اساسی را نقض کنم و رژیم مملکت را تغییر دهم من ریاست جمهوری را قبول ننمایم. «۲۷»

مصدق با چنین تعهدی که داشت لازم می‌دید دست پلیس را در سرکوب مخالفین شاه باز نگذارد تا ابدا به اقدام خلاف قانون اساسی منعم شود. اکثریت قاطع اطرافیان او، رهبران جبهه ملی نیز سلطنت طلب بودند و از این که شعار ضد شاه از طرف حزب توده ایران به میان مردم برده می‌شود نگران می‌شدند. آنان نیز فشار پلیس شاه را به مردم تأیید کرده و یا لااقل در برابر آن سکوت می‌کردند. توطئه گران درباری از این فرصت حداکثر استفاده را می‌بردند. آنان نیروهای پلیسی- نظامی را به نام مقابله با شعارهای ضد سلطنتی و ضد آمریکایی حزب توده ایران، برای کودتا تجهیز می‌کردند و محیط فشار و تشنج ضد کمونیستی پدید می‌آوردند که مناسب ترین محیط برای پیروزی یک کودتای ضد ملی است.

این تشنج در آغاز شهریورماه ۳۱ بسیار تشدید شد. همزمان با پیام اولتیماتوم وار ترومن و چرچیل به مصدق که روز پنجم شهر پوریه او داده شد، محافل خرابکار و توطئه گر دست به تحر یک علنی زدند. چهلم شهدای سی ام تیر که می‌بایست روز جمعه هفتم شهر پور برگزار شود دستاویزی در دست آن‌ها شد. قرار بود در این روز مراسم مشترکی از جانب توده ای‌ها و مصدق ها در این بابویه برگزار شود. این مراسم می‌توانست تأکیدی بر تشکیل جبهه واحد ضد استعماری باشد و پایه‌های آن را مستحکم‌تر کند. این روند سالم مورد کینه خرابکاران و عوامل امپریالیسم بود. آن‌ها دست به کار شدند تا چهلم شهدا را به ۲۳ تیر دیگری بدل کنند، اتحاد را بشکنند، مصدق را تضعیف نمایند، زمینه را برای موقتیت کودتایی نظامی که در پشت پرده

۲۲. روزنامه کیهان، ۱۶ مردادماه ۱۳۳۱.
۲۳. همان جا.
۲۴. روزنامه کیهان، ۵ مهرماه ۱۳۳۱.
۲۵. مظفر بقایی، دفتر درد، ۵ مهرماه ۱۳۳۱، اطلاعات، ۹ دی‌ماه ۱۳۴۰.
۲۶. روزنامه کیهان، چهارم مردادماه ۱۳۳۱.
۲۷. پیام رادیویی مصدق، ۱۶ فروردین ماه ۱۳۳۲، روزنامه اطلاعات، همان روز.

شدن نفت ایران

ز (اول آبان ماه ۱۳۳۱) ماده... ب آن دوره مجلس سنا مانند کنونی مجلس سنا که پیش از تعطیل گردید... به این ترتیب مغارت انگلیس و لشکر کارد شیث کرد.

توده ایران و نفی چند از... نریمان... مود تأیید

اب و سازمان‌های وابسته به و باقاعده بیشتر به صف

توده ایران ضمن تأیید کامل آمریکا را متذکر می‌شد و پالیسی آمریکا در کشور ما را با استعمار طی بیانیهای

یکا از کشور ما طرد شدند. را که به نام مستشار نظامی و شغال کرده‌اند اخراج نماید و

یک امکان دهد که ملت تمام... ۳۹

ارت خانه‌های کشورهای به آنها در واقع مؤسسات سوسی هستند که پوشش تعطیل کرد.

مربکایی را از ایران برانید. نهای دریگ و نوبه و تعطیل کرد...

بر پالیسی‌های انگلیس و مغارتخانه‌های دول آمریکا و بریک است.

مربکایی جز خرابکاری و تلفه‌ای ندارند. راست و جاسوسان بیگانه

د. جاسوسان ولانه‌های و چنان که خواهیم دید جای خوشحالی است که پوشیده و «دانشجویان اال کرده و جاسوسخانه

مسلمان‌پرو خطامام کودکان، فرصت طلبی بن دل خوردن از دست

گم‌تراز همیشه به سود ترسانیدن آن از «خطر سیاست امپریالیسم

تر و درنده‌تری می‌شد، پالیسی آمریکا حتی د. آن را «نابلی‌گیر» ی به جای دکترین | از جنگ کمونیسم» یکا مدعی بودند که

ور بیست و دومین مهرماه ۱۳۳۱ دکتر ج رابطه با انگلیس سوی آینده) ۱۳

سیاست «جنگ‌گری» کافی نیست چرا که هر صورت «تدافعی» است. باید سیاست «رهایی» را پیش گرفت که مبتنی بر «تهاجم» و «پورش» باشد. نمایندگان انحصارات امپریالیستی آمریکا می‌خواستند که آمریکا در همه جبهه‌ها به تهاجم دست‌زند. هرچا «کمونیسم» است سرکوب کند، همه جنبش‌های رهایی بخش ملی، همه حرکات ضد امپریالیستی هم در قاموس این محافل «کمونیستی» بود و هست) و این هدف را در برابر خویش قرار دهد که سیستم جهانی سوسیالیستی را بشکند، کشورهای را که پس از جنگ به اردوگاه سوسیالیسم پیوسته‌اند «آزاد» کند، سوسیالیسم را به مرزهای ۱۹۳۹ عقب براند و سپس در درون این مرزها «خفه» کند.

این سیاست خارجی هاروی ملاحظه، از سیاست داخلی فاشیست مآبی که انحصارات امپریالیستی در درون ایالات متحده آمریکا پیش گرفته بودند سرچشمه می‌گرفت. این سیاست خش داخلی به نام ستاور مرتجع و فاشیست مک کارتی، که معروفیت نامیومون در تاریخ معاصر آمریکا کسب کرده، «مک کارتیسم» نامیده می‌شد. مک کارتی مرتجع ترین نیروهای جنایت کار و نژادپرست آمریکا را دور خود جمع کرد و به بهانه «مبارزه با کمونیسم»، همه آثار دموکراسی بورژوازی را زیر ضربه گرفت. مک کارتیسم به مثابه فاشیسم نوع آمریکایی شناخته شد. کتاب سوزان، تفتیش عقاید، سرکوب جنبش‌های کارگری و مترقی، عدم تحمل در برابر هر عقیده مخالف، ایجاد شبکه وسیع خبرچینان و جاسوسان، روش روزمره مک کارتیسم بود.

درباره سیاست خارجی، مک کارتیسم، خواستار جنگ مداوم بود. هواداران آن طلب می‌کردند که آمریکا مسابقه تسلیحاتی را با چنان سرعتی ادامه دهد که برتری «مطلق» بر اردوگاه سوسیالیسم به دست آورد. در پاییز ۱۹۵۲ (۱۳۳۱) این سیاست تجاوزکارانه رو به اوج بود. امپریالیسم آمریکا شبکه پایگاه‌ها و پیمان‌های تجاوزکارانه را به دور اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای سوسیالیستی می‌گسترده. در همان وقت ترکیه و یونان به پیمان تجاوزکارانه ناتو جلب شدند و سپس آلمان غربی به آن پیوست. در همان زمان جنگ تجاوزکارانه آمریکا در کره با وسعت و شدت و باتمام قوا ادامه داشت و انحصارات امپریالیستی هنوز امیدوار بودند که با افزایش تهاجم نظامی به پیروزی دست یابند.

امروز که به این تاریخ از فاصله زمانی می‌نگریم از کوه‌بینی سیاست‌سازان امپریالیستی جهانی دچار شگفتی می‌شویم. هیچ‌یک از خواب‌های آنان در طول رهان تغییر نشد و آنان نتوانستند با تهاجم خود جلو پیشرفت انقلاب جهانی را بگیرند. مارش پیروزمند انقلاب جهانی با گام‌های شتابنده پیش رفت و پیش می‌رود.

اما در آن زمان هنوز کوه بینان آرزومند سلطه جهانی در آمریکا و همه کشورهای امپریالیستی قدرتی داشتند. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که در پاییز ۱۹۵۲ (۱۳۳۱) انجام شد تحت تأثیر مستقیم همین سلطه‌جویان قرار داشت. محافل ارتجاعی و تجاوزگر امپریالیستی ترومن و حزب دموکرات را - با وجود آن همه تلاش تجاوزکارانه، با وجود هیروشما، جنگ کره، محاصره اقتصادی اردوگاه سوسیالیسم، ایجاد پیمان‌های تجاوزکار... به حد کافی جنگ طلب و تهاجم نمی‌دانستند. آنان گروه آیزنهاور - دلس از حزب جمهوری خواه را بر سر کار آوردند که در تاریخ معاصر آمریکا به کابینه ۱۷ میلیون معروف است و در سیاست جهانی با تشدید بی سابقه جنگ سرد و گسترش پیمان‌های نظامی، تقویت «سیا» و انجام کودتاهایی چون ۲۸ مرداد شهرت پلیدی دارد.

در چین محیط بین المللی بود که مصدق ضمن اقدامات قاطع و جسورانه علیه امپریالیسم انگلیس می‌کوشید هنوز هم امپریالیسم آمریکا را از «خطر کمونیسم» در ایران بترساند و حمایت آن را جلب و حفظ کند. مصدق که یک سال پیش مقابله خود را با انقلاب قابل تقدیس دانسته و به ترومن نوشته بود:

برز بدنت عزیزم!

از آن حضرت انصاف می‌خواهم آیا ملت در برابر ایران که با تحمل شدایدو محرومیت‌های یاس آور تاکنون نوابسته است در مقابل تبلیغات قوی و انقلابی ایستادگی کرده و اسباب زحمت دنیا را فراهم نیاورد قابل تحسین و تقدیر هست یا نیست؟! ۴۱

اینک در پاسخ پیام مشترک ترومن و چرچیل می‌نوشت:

«در وضع کنونی ملت ایران در راه در پیش دارد که باید یکی را اختیار کند: یا باید کوشش و سعی در اصلاح اوضاع اجتماعی و بهبود حال طبقات محروم کند که غیر از تحمیل عواید نفت به طریق دیگری میسر نیست یا اگر این راه همچنان مسدود بماند باید به حوادث احتمالی آینده که به زبان صلح جهانی تمام خواهد شد تسلیم گردد.» ۴۲

مصدق پس از کودتای ۲۸ مرداد وقتی در زندان تپ زهری اسیر بود تازه فهمید که منظور امپریالیست‌ها از خطر کمونیسم، خود او هم هست. خطر کمونیسم بهانه‌ای است برای سرکوب نهضت‌های استقلال طلبانه. اودر زندان نوشت:

«درحسن نیت دول بزرگ!!! باید تردید کرد. زیرا کمونیسم را بهانه کرده‌اند برای این که ۴۰ سال دیگر از معادن نفت ما سوء استفاده کنند.» ۴۳

باری مصدق استراتژی جلب حمایت امپریالیسم آمریکا را با تهدید به «خطر کمونیسم» با شدت ادامه می‌داد ولی در لندن و واشنگتن می‌دانستند که ایران را «خطری» تهدید نمی‌کند.

منتجسترنش ناردین نوشته بود:

«مبای سیاست فعلی دکتر مصدق این است که مرتباً خطر کمونیسم را بزرگ کند تا مردم را با سفير آمریکا مواجه می‌شود بگویند: «یا بول بدهید یا ما کمونیست خواهیم شد.» ولی تا به حال نه آمریکا با پول داده‌اند ونه ایران کمونیست شده است!!!» ۴۴

تلاش مصدق برای جلب همکاری آمریکا، چنان که گفتیم، در این

۴۱. پیام مصدق به ترومن، مورخ ۳۰ خرداد ۱۳۳۰، روزنامه کیهان، همان تاریخ.

۴۲. پیام مصدق به ترومن و چرچیل، روزنامه کیهان، ۵ مهرماه ۱۳۳۱.

۴۳. دفاع دکتر مصدق از نفت در زندان زهری، تدوین حسن صدر، چاپ تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷، صفحات ۵۶ و ۱۱ - تکیه ازنا است.

۴۴. خواندنیها، ۲۹ مهرماه ۱۳۳۱ - تکیه ازنا است.

زمان بیش از هر وقت دیگری در گذشته بی فایده بود. امپریالیسم آمریکا نه فقط در مقیاس جهانی مهاجم‌تر می‌شد بلکه در مورد خاص ایران به توافق‌های پایداری با امپریالیسم انگلیس نزدیک می‌شد. پس از شکست توطئه قوام در تیرماه ۱۳۳۱ قطع رابطه ایران و انگلیس، شرکت نفت انگلیس بیش از گذشته آمادهٔ سازش با انحصارات آمریکایی بود و پیشنهادهای روشن‌تری برای همکاری می‌داد. کریمت روزولت رهبر عملیات کودتای ۲۸ مرداد اعتراف می‌کند که درست در همین زمان شرکت سابق نفت از او خواسته است که نقشهٔ سرنگونی مصدق را مشترکاً بررسی کنند.

روزولت می‌نویسد: «مصدق مناسبات دیپلماتیک با انگلستان را قطع کرد... یک هفته بعد من در تهران بودم... ماه نوامبر [آبان] هنگام بازگشت از تهران به کشورم از لندن گذشتم. شرکت نفت ایران و انگلیس با من تماس گرفت. سخنگوی آن‌ها کوچران [سرجون کوچران] بود. آن‌ها به هیچ چیز جز براندختن مصدق نمی‌اندیشیدند...»

توضیح دادم که این جا برشی از مسایل مهم است که باید با دولت من بررسی شود... گفتند این مسایل بارها در این جا و آن جا بررسی شده است... آنان همان وقت نقشهٔ آماده‌ای برای نبرد داشتند. با دقت بررسی کردیم. بعدها تمداد شرکت کنندگان در بررسی روز به روز زیادتر می‌شد...

نقشهٔ آن‌ها این بود که به همراه اعلیحضرت همایون کار کنند و نه علیه او مأمورین اصلی آن‌ها در ایران رابطهٔ نزدیکی با دربار داشتند... دربارهٔ ارزش ارز یابی آن‌ها شبهه‌ای از بابی من بود... ۴۵

سیاست عمومی چرچیل - ایمن که همکاری همه جانبه و حفظ روابط ویژه با امپریالیسم آمریکا و حفظ منافع استعماری انگلیس از طریق تقسیم آن با انحصارات آمریکایی بود، در این زمان در مورد نفت ایران وارد مرحلهٔ اجرایی مشخص‌تری شد. در ملاقات‌ها و تماس‌های مکرر میان محافل آمریکایی و انگلیسی، توافق شد که کنسرسیومی از انحصارات آمریکایی و شرکت سابق انگلیسی نفت و شرکت شل برای تسلط نفت ایران تشکیل شود. مواقت انگلستان با این نقشه تصمصیم آمریکا را دربارهٔ مصدق قطعی کرد:

یا مصدق با این پیشنهاد موافقت می‌کند و یا سرنگون می‌شود.

نابی گیری مصدق نه فقط در سیاست خارجی بلکه در سیاست داخلی نیز وجود داشت و صدمات سنگینی به جنبی می‌زد. مصدق، چنان که گفتیم پس از سی‌ام تیر چندین ضربه سنگین به محافل ارتجاعی و ضد ملی که در دربار جمع آمده بودند وارد کرد: گروهی از دربار بان توطئه‌گر را از کشور راند، بخشی از نیروهای نظامی کودتایی را پراکنده، تنی چند از امراء لشکر را بازنشسته کرد، در مجلس سنا را بست و... ولی در همین جا ایستاد و حتی گامی چند عقب نداشت. آن‌هایی را که دستگیر کرده بود آزاد کرد، بازنشستگان را با پست‌های سفارت و نان و آب دار گماشت، و امکان داد که مجلس سنا با حضور گروه‌های ناراضی هیأت‌ها که جلسات منظمی در منازل خصوصی تشکیل دهد و به توطئه‌گری بپردازد.

در بارهٔ گذشت و عدم قاطعیت مصدق طی قریب سی سال اخیر بسیاری چیزها گفته شده اما باید توجه داشت که مصدق ضعیف النفس و حلیم نبود. او آن‌جا که می‌خواست می‌توانست بسیار هم قاطع و قوی عمل کند. گذشت او از منافع طبقاتی و از محاسبات سیاسی اش سرچشمه می‌گرفت، همان محاسباتی که او را به حمایت از منصور، و... واداشته بود. با توجه به این توافقاتی پنهانی و طبق همان نقشه‌ها بود که پس از قطع رابطه با انگلستان توطئهٔ ضد مصدق در مقامات بالای حکومت شدت یافت، محیط سیاسی متشنج‌تر شد و پس از انحلال مجلس سنا و مرکز نقل پنهانی توطئه‌ها علاوه بر دربار بیش از پیش به سفارت آمریکا و ادارهٔ اصل چهار و مرکز نقل علنی آن به مجلس شور ا منتقل شد. سیاست ارتجاع و امپریالیسم در این لحظه عبارت از این بود که:

«به مصدق امان ندهیم و آسوده‌اش نگذاریم.» ۴۶

مجلس برای آسوده نگذاشتن مصدق کانون بسیار مناسبی بود. زیرا هر روز تعداد جدیدی از رهبران جبههٔ ملی و نمایندگان هوادار مصدق از او جدا شده به اردوی دشمن می‌پیوستند و با انواع بازی‌های پارلمانی مانع کار مصدق می‌شدند. برای نشان دادن جرح‌حکم در مجلس و طرز رفتار آن با مصدق کافی است که یادآوری کنیم که روز قطع رابطه با انگلیس اکثریت مجلس از حضور در مجلس خودداری ورزید و مجلس را تعطیل کرد تا گزارش مصدق در جلسهٔ علنی و رسمی خوانده نشود و قطع رابطه رسمیت پیدا نکند. مصدق گزارش خود را از راديو برای مردم خواند.

باید توجه داشت که جبههٔ قوی علیه مصدق در مجلس از همان فریادی سی‌ام تیر تشکیل شد. وقتی برائز پیروزی قیام سی‌ام تیر مصدق به نخست وزیری رسید جناح راست جبههٔ ملی که قبل از حوادث تیرماه در برابر مصدق صف بسته بود، از فرصت استفاده کرد و در اتحاد با درباری‌ها مواضع حساس مجلس را به دست گرفت: بقایبی، رئیس کمیتهٔ تحقیق دربارهٔ حوادث سی‌ام تیر شد، بهادری، میرشرافی، ذوالفقاری و امثال آن‌ها در هیأت رئیسهٔ مجلس جا گرفتند. به عبارت دیگر پیروزی سی‌ام تیر میان مصدق و مخالفین او در جبههٔ ملی تقسیم شد و جناح مخالف در مجلس سنگر گرفت. دشمنان مصدق با زرنگی خاصی آیت‌الله کاشانی را به ریاست مجلس انتخاب کردند تا بتوانند مقابلهٔ مجلس و دولت را به صورت مقابلهٔ کاشانی - مصدق درآورند. این امر به ویژه پس از آن که مصدق از مجلس اختیارات گرفت اهمیت بیشتری کسب کرد. زیرا موافق اختیارات، مصدق مجلس را کنار می‌گذاشت و آن‌هایی که کاشانی را به قبول ریاست مجلس برانگیخته بودند می‌توانستند هر بی‌اعتنایی مصدق به مجلس ارتجاعی را به صورت بی‌اعتنایی مصدق به شخصیت کاشانی جلوه دهند.

در روزهای بلافاصله پس از سی‌ام تیر جدایی این دو جبهه چندان آشکار نبود. برعکس، آیت‌الله کاشانی در براندختن قوام و روی کار آوردن مصدق پیش از همهٔ محافل جبههٔ ملی رزمیده و قاطعیت نشان داده بود و لذا پس از پیروزی سی‌ام تیر می‌بایست اتحاد آن‌ دو محکم‌تر باشد. اما نفاق افکنان و خرابکاران مجال نمی‌دادند. و از اختلاف سلیقه‌ها و تفاوت در مشی و حتی ملاحظات شخصی به حد اکثر استفاده می‌کردند تا مصدق و کاشانی را از هم جدا کنند. برای امپریالیسم خطری بزرگ‌تر از اتحاد نیروهای ملی ضد امپریالیستی نیست و این اتحاد فقط با درک و مراعات

۴۵. کریمت روزولت، کتاب یاد شده، صفحات ۱۰۶ - ۱۱۰.

۴۶. خاطرات ایمن، چاپ یاد شده، صفحه ۲۹۶.

اختلاف سلیقه‌ها ممکن می‌شود و نه تحمیل یکی بر دیگری. حزب تودهٔ ایران در این زمینه هم تلاش صادقانه‌ای داشت. ما از این که کاشانی از جنبش ملی دور شود خرسند نبودیم. برعکس، می‌کوشیدیم که پیوند او را با جنبش تحکیم کنیم. مطبوعات حزبی ما به آیت‌الله کاشانی توجه می‌کردند و هر اقدام مثبت او را مورد تأیید جدی قرار می‌دادند. برای مثال می‌توان از روش خلق (بسوی آینده) ۲۵ شهریورماه ۱۳۳۱ یاد کرد که مصاحبهٔ آیت‌الله کاشانی را با روزنامهٔ احرام چاپ دمشق در جای برجسته و با احترام فراوان چاپ کرد.

بسوی آینده نوشت: «آیت‌الله کاشانی با شرکت در اتحادهای دفاعی خاورمیانه مخالفند. مداخلهٔ انگلیس را در امر نفت ایران سباز نمی‌دانند... آیت‌الله در مصاحبه با احرام گفته: آزادی بالاترین نعمتی است که خداوند متعال پرملت اعطا می‌فرماید. دیانت اسلام ملت را به شوهرت و حکومت مشورتی دعوت کرده است...»

ما هنوز از زیر تأثیر کاپوس انگلیس آزاد نشده‌ایم... چه طور ممکن است یک استعمار جدید (آمریکا) را جانشین استعمار قدیم سازیم... دول اسلامی نباید در اتحادیه‌های تجاوزکار مداخله و مشارکتی کنند...» ۴۷

مراجعات مکرر حزب ما هم برای تشکیل جبههٔ متحد ضد استعمار فقط متوجه مصدق و هوادارانش نبود. ما مسلمانان متعهد ضد استعماری را هم که زیر رهبری کاشانی بودند به اتحاد دعوت می‌کردیم.

دشواری کار آن‌جا بود که جناح کودتایی بقایبی - زاهدی از فریادی توطئهٔ ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۳۷ می‌کوشید آیت‌الله کاشانی را به سوی خود جلب کند و از نفوذ او بهره‌گیرد. آنان کوچک‌ترین فرصتی را برای جدا کردن مصدق و کاشانی از دست نمی‌دادند. در روزهای پس از سی‌ام تیر نیز با این که دست خود اینان تا مرفق به خون شهیدان سی تیر آغشته بود با زرنگی خاصی دور کاشانی را گرفتند و کوشیدند او را در برابر مصدق بگذارند.

کشف توطئهٔ کودتای نظامی در شهر یوز - مهر ۱۳۳۱ بهانهٔ جدیدی برای تشدید خصومت مصدق و کاشانی شد.

زاهدی و بقایبی که در این کودتا دخالت مستقیم داشتند کوشیدند پای آیت‌الله کاشانی را به میان کشیده او را در کنار خود مقابل مصدق بگذارند.

سرلشگر زاهدی وقتی به شرکت در کودتا متهم شد ضمن این که با اعلامیهٔ شدیدالحنی مصدق را کوبیده و خود را به مثابه نامزد نخست وزیری برجسته می‌کرد طلب کرد در کمیسیونی با شرکت آیت‌الله کاشانی به اتهامات او رسیدگی شود. دربار نیز فرصت را از دست نداد. بی‌اعتنایی مصدق به مجلس و آیت‌الله کاشانی زمینهٔ مناسبی بود برای تفتیش روزنامه‌ها از تماس‌های مداوم وزیر دربار با کاشانی خبر می‌دادند:

«از ده روز پیش حسین علا وزیر دربار و اینست پرون سوسیسی [جاسوس مشهور انگلستان مقلید دربار پهلوی که بعدها در لندن نشان امپراطوری گرفت.] به فعالیت‌ها و ملاقات‌های مشکوکی مبادرت ورزیده‌اند.

بیشترین ملاقات‌ها با نمایندگان مجلس است. به همین جهت مظلمین عقیده دارند که دربار می‌خواهد بلوکی در پارلمان برای خود تشکیل دهد تا در موقع لزوم به عنوان حربه‌ای علیه دولت از این حبه استفاده شود.» ۴۸

«رابطهٔ ساده و آیت‌الله کاشانی کاملاً حنه است. اغلب ملاقات‌های سورت می‌گیرد... اغلب اوقات علا حامل پیام‌های شاه است.» ۴۹

فعالیت نفاق انگیزان امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی و عمال ایرانی آن‌ها سبب انتشاق و انشباب در سازمان‌های وابسته به جبههٔ ملی شد. هم حزب ایران و هم حزب به اصطلاح زحمتکشان شکست و از هر یک جناحی آشکارا به سوی دربار رفتند و خود را هوادار کاشانی نامیدند و جناحی موقتاً با مصدق ماندند. تا در فرصت دیگری خیانت کنند.

انتشباب در حزب زحمتکشان ۲۱ مهرماه ۱۳۳۱ اعلام شد. جناح بقایبی که در کودتا شرکت داشت متهم بود که با سرلشگر زاهدی و قوام بند و بست دارد و جناح مقابل آن که با نام خلیل ملکی شناخته می‌شد متهم بود که با توماس - مأمور انتلیجشن سرویس انگلیس - تماس گرفته است. در لحظهٔ موجود بقایبی ظاهراً با کاشانی بود و ملکی ظاهراً با مصدق (چنان که خواهیم دید ملکی نیز به توبهٔ خود چند ماه بعد با شاه ملاقات کرد و به کودتاجان پیوست) انتشباب در حزب ایران نیز روی داد. در بهمن ماه بخشی از آن جدا شد و به دنبال کاشانی رفت و بخشی دیگر با مصدق ماند.

یکی از رهبران جبههٔ ملی که در این زمان به مصدق پشت کرد و سرودهایی به راه انداختن یوسف مشار است که در جلسهٔ ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۳۱ مجلس، درستی تصمیماتی را که به سود مصدق و علیه دربار و انگلستان گرفته شده بود مورد تردید قرار داد و مدعی شد که نمایندگان مجلس یا «مروبنده» و یا «مجنوب» و لذا تصمیمات مجلس معتبر نیست. با جدا شدن مشار از صف مصدق، تا آن لحظه اکثریت قاطع کسانی که ۳ سال پیش پایهٔ «جبههٔ ملی ایران» را گذاشته بودند آشکارا از آن جدا شده و در سنگر دشمن قرار می‌گرفتند و نشان می‌دادند که هواداری مقدماتی آنان از ملی شدن نفت و مبارزه با امپریالیسم فقط در چهار چوب معنی و به معنای محدود «افزایش درآمد» با همکاری آمریکا ارزش داشته است. تجزیهٔ جبههٔ ملی و جدا شدن تدریجی و گروه گروه رهبران آن از مصدق و پیوستن شان به سنگر دشمن بازتابی بود از تغییری که در پایهٔ طبقاتی حکومت مصدق حاصل می‌شد. ملائین لیبرال و عناصر بورژوازی که در آغاز با جبههٔ ملی همکاری کرده بودند با درک این مطلب که تأکید اصلی ملی شدن نفت به معنای انجام انقلاب ملی و دموکراتیک است، به وحشت می‌افتادند و حساب خود را جدا می‌کردند. به ویژه گسترش نهضت‌کارگری و آغاز جنبش‌های دهقانی بر نگرانی آن‌ها می‌افزود.

۴۷. روش خلق به جای بسوی آینده، ۲۵ شهریورماه ۱۳۳۱.

۴۸. روزنامهٔ خبر، نقل از خواندنیها، ۲۷ آبان‌ماه ۱۳۳۱.

۴۹. روزنامهٔ سرد آسیا، نقل از خواندنیها، ۱۴ آذرماه ۱۳۳۱.

ادامه دارد

# گامهای بزرگ الجزایر در راه چیرگی بر میراث استعمار

شش ساله بمدرسه میرفتند. اینک ۹۰ درصد کودکان از آموزش ابتدایی و متوسطه برخوردار میشوند. طبق ماده ۶ قانون اساسی الجزایر، خدمات پزشکی در آن کشور رایگان است. اکنون هر ۲۶۵۰ شهروند الجزایر یک پزشک در اختیار دارند. «مشور ملی» الجزایر کاهش این شماره را به ۲۰۰۰ پیش‌بینی میکند.

دبیر کل «جبهه آزادیبخش ملی» و رئیس جمهوری الجزایر، شاذلی بن‌جدید، چندی پیش اعلام داشت: «نخستین مرحله دگرگونی را به نوسازی اقتصاد ما بنانه پایه‌ای برای عمران کشور اختصاص دادیم؛ اینک لازمست که به افزایش کارآیی آن پردازیم. بدین منظور، قرار است که بیاری برنامه‌ریزی همه‌جانبه و علمی تولید و بارآوری در چارچوب برنامه پنجساله آینده ازدیاد یابد، شرایط زندگی زحمتکش‌ان بهبود پذیرد و بیکاری محدود شود.

ککوه فوق‌العاده «جبهه آزادیبخش ملی» تغییراتی چند را در آیین‌نامه این سازمان تصویب کرد. برای نمونه، بودی سیاسی «جبهه» از این پس، بجای ۱۷ نفر، تنها هفت تا یازده نفر را دربر خواهد گرفت. کازسوی دبیر کل «جبهه آزادیبخش ملی» و رئیس جمهوری پیشنهاد خواهند شد و به تأیید کمیته مرکزی خواهند رسید.

ککوه سنگیری خویش را تحکیم‌دمکراسی، پرورش کادرهای انقلابی و تقویت «جبهه آزادیبخش ملی» بنانه پیشاهنگ خلق الجزایر اعلام کرد.

ازاینرو، اسال دولت اعتبارات کشاورزی را ۳۰ درصد افزایش داده‌است. علاوه بر این، الجزایری‌ها قصد دارند، که دگرگونیهای اجتماعی را، که با فرمان ۱۳۵۰ درباره انقلاب کشاورزی آغاز شد، بگیرانه ادامه دهند. در این زمینه، لازمست که از روی آوردن نیروی کار از روستاها به شهرها جلوگیری کرد، شرایط آموزش جوانان روستایی را فراهم آورد و به‌بهبود شرایط اجتماعی روستا کوشش ورزید.

در الجزایر نیز مسئله مسکن هنوز حل‌نشده است. البته باید بخاطر داشت، که جمعیت الجزایر (۱۸ میلیون نفر) سالانه ۳۲ درصد افزایش می‌یابد و بیست‌سال دیگر به ۳۶ میلیون نفر خواهد رسید. قرااست که سالانه ۱۰۰ هزارخانه در الجزایر ساخته شود.

الجزایر در گستره آموزش نیز به‌موفقیت-های بزرگی دست‌یافته است. هیجده‌سال پیش، در نخستین سال استقلال، کمتر از ۱۰ درصد کودکان

میلارد مترمکعب، گاز استخراج شد. از آنجا که بموجب برآورد کارشناسان، منابع نفتی الجزایر، در صورت ادامه تولید در سطح کنونی، سی‌سال دیگر بیاان خواهد رسید، الجزایر مجبور است که از درآمدهای نفتی برای پایه‌ریزی و گسترش رشته‌های صنعتی دیگر استفاده جوید.

کشاورزی یکی از شاخه‌های اقتصاد ملی الجزایر است، که از توجه خاص برخوردارمی-گردد. بکفته سعدی، وزیر اقتصاد الجزایر، تا-کنون میان ۱۰۰ هزار دهقان و کارگر روستایی زمین تقسیم شده است. فزون‌تر ۶ هزار تعاونی کشاورزی، ۳۰۰ ده انقلاب کشاورزی، پدید آمده است، که همگی دارای مدرسه، درمانگاه و کانون فرهنگی هستند. لیکن، به‌عقیده «جبهه آزادیبخش ملی» این واقعیت که کشاورزی الجزایر هنوز قادر به تأمین نیازهای داخلی مردم آن کشور نیست، مسئله‌ایست پس‌جدی، چه هنوز در حدود یک‌سوم این نیازمندیها از طریق واردات تأمین میشود.

چند هفته پیش «جبهه آزادیبخش ملی» الجزایر در کنگره‌های فوق‌العاده کارنامه کنونی خود را، بویژه در زمینه اقتصادی، بررسی کرد و سمت‌گیری سوسیالیستی خود را در آینده مورد مذاکره قرار داد.

الجزایر میتواند بخود بیاید که در راه چیرگی بر میراث شوم استعمارگران فرانسه، گام‌های بزرگ به پیش برداشته و صنعتی مدرن را در آن کشور پایه‌ریزی کرده است. تنها در سالهای ۱۳۴۸-۵۶، ۳۳۰ واحد صنعتی در الجزایر تأسیس یافت، که اینک تولیدشان به پنجاه درصد ظرفیت پیش‌بینی شده رسیده است.

صنعت الجزایر، که نود درصد آن زیر نظارت دولت‌است، در حدود دویستم فرآورده‌های اجتماعی آن کشور را تأمین میکند. در کنگره تأکید شد، که یکی از راه‌های ازین‌بردن بازمانده وابستگی‌های اقتصادی الجزایر نسبت به کشورهای امپریالیستی، افزایش هرچه بیشتر کارآیی صنعتی است.

از جمله برنامه‌های اقتصادی آینده، که در کنگره نامبرده مورد بحث قرار گرفت، میتوان از «تبادل منطقه‌ای»، آفرینش کانونهای جدید تمرکز صنعتی و بهبود زیرساختار، بویژه توسعه شبکه در اقتصاد الجزایر، استخراج و پالایش نفت نفتی کلیدی بازی میکند. در این کشور در سال ۱۳۵۷، ۶۱ میلیون تن نفت و در سال ۱۳۵۷، ۱۴

## سیاست ریاکارانه عربستان سعودی در برابر «مسئله فلسطین» نمایانگر وابستگی آن به امپریالیسم آمریکاست

آیت‌الله خمینی در سخنرانی‌های اخیر خود بارها به نقش خائنه و ضد خلقی رژیم کنونی عربستان سعودی اشاره کرده‌اند و وابستگی آنرا به امپریالیسم آمریکا یادآور شده‌اند.

ما برای توضیح این نقش و بعنوان مثال، در زیر برخی از جنبه‌های سیاست دولت عربستان سعودی را در قبال «مسئله فلسطین» با مختصر بررسی میکنیم:

شاید هیچ جنبه سیاست خارجی عربستان سعودی موزیان‌تر و ریاکارانه‌تر از سیاست این رژیم در برابر مسئله خاورمیانه و بویژه مسئله فلسطین نباشد. مقامات عربستان سعودی از یکسو خویش را مدافع خلق‌های مبارز عرب و رژیم‌های فلسطین معرفی میکنند و از سوی دیگر در عمل عبودیت خویش را از اربابان آمریکایی‌شان بنیوت می‌رسانند. ائتلاف نظامی ایالات متحده آمریکا - اسرائیل - مصر که زیر پوشش مذاکرات صلح اسرائیل - مصر اعمال میشود، رسواگر اوضاع‌های فزاینده مقامات سعودی است، که میکوشند تا از طریق باصلاح مناسبات ویژه خود با آمریکا موثع آن کشور را درباره فلسطینی‌ها در جهت مثبتی تغییر دهند.

عربستان سعودی پس از عقد قرارداد مصر و اسرائیل، در بهار سال ۱۳۵۸، برای آنکه در کشورهای عربی منفرد نشود، بعنوان «اعتراض»، به قطع روابط سیاسی و دیپلماتیک خود با مصر مبادرت ورزید. اما واقعیت آنستکه این کشور درحفا کمک اقتصادی خود را به رژیم ورشکسته سادات ادامه داد و از این راه مذاکرات دکمبدیوییه را، که خود در ظاهر به «دم‌آویز» با جبهه پایداری عرب، محکوم ساخته بود، تشویق کرد.

عربستان سعودی در سیاست خود نسبت به فلسطین نمی‌تواند انزوا را کامل خود را چه در میان کشورهای عرب و چه در داخل کشور پذیرا باشد. در این کشور بیش از صد هزار فلسطینی زندگی میکنند، که برخی از آنها مقامات کلیدی را نیز در دولت و اقتصاد عربستان سعودی به‌عبد دارند. بی‌شود نیست، که رژیم سعودی هر ساله پنجاه میلیون دلار در اختیار «سازمان آزادیبخش فلسطین» میگذازد، تا باین ترتیب بحیال خود سیاست فلسطینی‌ها را تعدیل بخشد. از سوی دیگر، این رژیم از تأثیر فعالیت «سازمان آزادیبخش فلسطین» بر سکنه فلسطینی خود بی‌اندازه هراس دارد و بهین دلیل هم به این سازمان اجازه نمیدهد، که در عربستان دفتر نمایندگی بگشاید.

بیم عربستان سعودی از گسترش نفوذ و قدرت فلسطینی‌ها همچنین در جنگ لبنان، در سال ۱۳۵۵ نمایان گشت. در این جنگ، که بمنظور تضعیف جنبش مقاومت فلسطین و نیروهای چپ لبنان، برافروخته و از نظر مالی از سوی عربستان سعودی تأمین شد، ۶۰ هزار نفر جان‌سپردند و ۲۰۰ هزار نفر مجروح گردیدند.

بنوشته نیوزویک (۱۲ افسند ۱۳۵۸)، ملک فهد، ولیعهد عربستان سعودی، در سخنرانی درباره افغانستان گفته‌است: «شورویها از هیچ‌گونه تلاشی برای بدست آوردن پایگاه‌های جدید در مناطق نفت‌خیز خودداری نخواهند کرد. وظیفه جهان آزاد است، که در برابر خطر شوروی به‌مقابله بپردازد. لازم است که جامعه بین‌المللی کوشش‌های خود را بدین منظور تمرکز بخشد. «جهان آزاده» ملک فهد عین همان عبارت دکشورهای آزاده قطب‌زاده است که بمنای کشورهای امپریالیستی است!!»

آیا این اعتراف خود رسواگرانه، به‌بهترین وجهی وابستگی عربستان سعودی را به امپریالیسم آمریکا، این رهبر جهان آزاد و معنای واقعی مفاهیمی چون «حقوق بشر» و «خطر شوروی در منطقه» را نشان نمیدهد؟

## لائوس در سمت گیری سوسیالیستی

لئونید برژنف، رهبر اتحاد شوروی، در کریسه باکیسون فوموویس، دبیر کل کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق ونخست‌وزیر جمهوری دموکراتیک خلق لائوس دیدار و مذاکره کرد. فوموویس در این دیدار اصلاح کرد که برغم مشکلات ناشی از عقب‌ماندگی اقتصادی و شرایط بی‌ثباتی سیاست خارجی، خلق لائوس مصمم است که شالوده سوسیالیسم را بنا نهد و از مرحله رشد سرمایه‌داری بگذرد.

رهبر لائوس از سوی حزب دولت و ملت این کشور از حزب کمونیست، دولت مردم شوروی به‌عنوان کمک‌های همه‌جانبه بی‌شائبه به‌لائوس در مراحل دشوار سیاست‌گذاری کرد.

لئونید برژنف و کیسون فوموویس از روند همکاری‌های دو کشور ابراز رضایت کردند. در مورد اوضاع جهانی دوطرف اعلام کردند که کشور های صلح‌دوست از توان و نفوذ کافی برای دفاع آمدن بر افزایش تشنج جهانی و آرام کردن اوضاع جهانی برخوردارند. دوطرف بویژه اعلام کردند که سیاست توسعه طلبانه پکن، تشنج را در آسیای جنوب شرقی افزایش داده است. رهبران مائوئیست چین در امور داخلی کشور سوسیالیسم را علیه این کشورها تحریک میکنند.

## هند در برابر وظیفه انجام اصلاحات بنیادی بنفع اکثریت خلق

سی و سومین سالگرد استقلال هند باشکوه فزوان در سرتاسر کشور بر گزار شد. بهین مناسبت رهبران هند در سخنرانی‌های خود به وظائف مهمی که در مقابل مردم هند قرار دارد اشاره کردند.

سانجیوآدری، رئیس جمهوری «هند» سخنرانی خود ضمن اشاره به مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور، مبارزه با بیکاری و انجام اصلاحات بنیادی بنفع اکثریت خلق را مورد تأکید قرار داد و گفت باید هرچه سریعتر شکاف میان اقلیت ثروتمند و اکثریت مستمند از میان برداشته شود. دولت با توجه به اکثریت خود در پارلمان می‌تواند مسائل مهم زندگی مردم را حل کند. پاسو آندیرا گاندی نخست‌وزیر هند نیز گفت هند خواهان صلح و دوستی با همه است. نخست وزیر هند از نظامی کردن اقتصاد هند ابراز نفکرائی کرد.

رهبران کشور های سوسیالیست در پیام‌های سالگرد استقلال هند به رهبران هند شادویش گفته و موفقیت‌هایی را که هند در طول مدت استقلال بدست آورده است مورد ستایش قرار دادند.

## میدان تورم و بیکاری در ایالات متحده

تورم در آمریکا همچنان به سر سعودی خود ادامه میدهد. وزارت برنامه‌داری آمریکا اعلام کرد که در ماه گذشته بهای عمده فروشی ۲٫۲ درصد افزایش یافته است، که رشتن سال گذشته بسابقه است. همچنین میزان بیکاری نیز در این مدت افزایش یافته است.

بنا به پیش‌بینی کارشناسان اقتصادی آمریکا، با افزایش تورم، کساد اقتصادی و بیکاری در سال آینده نیز همچنان به سر سعودی خود ادامه خواهد داد.



**رویدادهای جهان**  
**انحصارات امپریالیستی گرداننده هر دو حزب دمکرات و جمهور یخواه هستند**

کانونسیون (بخوان: نمایش وشو) حزب دمکرات آمریکا پایان یافت و جیمی کارتر و والزمندیل پاردریک بعنوان نامزدهای ریاست جمهوری و معاونت ریاست جمهوری این حزب در انتخابات نوامبر سال جاری انتخاب شدند.

چند هفته پیش نیز حزب جمهوریخواه، «نمایش» مشابهی برپا کرده و «روئالد ریگان» از سوی این حزب بعنوان رقیب کارتر انتخاب شده بود. این «کانونسیون»ها در حالی بر-گزار شد، که اقتصاد آمریکا با بحران بزرگی روبه‌رو شده است. بی تفاوتی مردم آمریکا نسبت به این کانونسیون‌ها نشان میدهد که توده‌های زحمتکش آمریکائی تا چند نسبت به این نمایش‌ها، که هر چند وقت یکبار برای «سرگرمی» بر-گزار میشود، بی تفاوت شده‌اند و تا چند نسبت به این بازیهای تکراری ابراز انزجار میکنند. زحمتکشان آمریکائی بتدریج بی‌میرند که هر دو باصلاح «حزب بزرگ» آمریکا، چیزی جز عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی انحصارات نیستند و هر گروه رقیب در واقع میخواهد سهم بیشتری از چاقول را بخود اختصاص دهد.

کس‌ها، دبیر کل حزب کمونیست آمریکا، در ارتباط با این نمایش‌های مسخره، در مصاحبه‌ای با روزنامه دیلی ورلد گفت که «ردو حزب، که دست نشانده انحصارات هستند، تصمیم گرفته‌اند که از باکاذیب مربوط به باصلاح «خط شوروی» استفاده کنند، تا بتوانند هزینه‌های نظامی را بنفع اربابان خود، یعنی انحصارات افزایش دهند.

## خلق السالوادور نبرد را ادامه میدهد

اعتصاب بزرگ کارگری سه‌روزه در السالوادور، که از سوی جبهه دموکراتیک انقلابی - یعنی جبهه برکنار بده نیروی چپ و دموکراتیک اعلام شده بود، برغم گزارش‌های مغرضانه و تحریف آمیز خبرگزاری‌های امپریالیستی، با موفقیت بزرگ‌تر شد و زحمتکشان السالوادور با این اعتصاب، اراده قاطع خود را برای سرنگون کردن دایرودسته مزدور حاکم بر کشور و قلع‌سلفه امپریالیسم چنایتکار آمریکا، که عامل اصلی فقر و بدبختی مردم است، اعلام کردند. گزارش‌های رسیده از السالوادور نشان میدهد که حدود پانصد هزار تن در این اعتصاب سه‌روزه شرکت کردند. خیرگزاری‌های امپریالیستی در روز اول اعتصاب تلاش کردند که برای دایرودسته حاکم بر کشور آبروی دست و پا کنند و بدین جهت، علیرغم آنکه

## آموزش پزشکی

یک هیئت پزشکی و علمی شوروی زودی راهی کابل میشود، تا در انشکده‌های پزشکی افغانستان، دانشجویان رشته پزشکی را آموزش دهد. یکسک اتحاد شوروی، در نغانستان چند بیمارستان و کلینیک جبهی ساخته شده و چند بیمارستان دیگر در دست ساختمان است.

**نامه مردم**  
 ارگان مرکزی حزب توده ایران  
 دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
 خیابان ۱۱ آذر شماره ۸۸  
**(دفتر نامه مردم، فعلا در اشغال عناصر غیر مسئول است)**  
**MARDOM**  
 No. 309  
 17 August 1980  
**Price:**  
 West-Germany 0,80 DM  
 France 2 Fr.  
 Austria 8 Sch.  
 England 20 P.  
 Belgium 10 Fr.  
 Italy 350 L.  
 U.S.A 50 Cts.  
 Sweden 1.50 Skr.

**گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی میکند**  
**زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد**



سروان مهندس اسماعیل محققزاده



سرگرد هوایی رحیم بهزاد



سرگرد ییاده ارستو سروشیان



سروان یکم هوایی منوچهر مختاری گلیایگانی



سروان یکم هوایی حسین مرزوان



سروان سوم هوایی اسدالله نصیری

# بیست و پنجمین سالگرد شهادت ۶ افسر توده‌ای خاطره تابناک شهیدان راه استقلال، آزادی و ترقی ایران جاودان باد!

۲۵ سال پیش سحرگرم ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ بیکر شش قهرمان راه آزادی، استقلال، ترقی و رفاه مردم زحمتکش ایران: سروان مهندس اسماعیل محققزاده، سرگرد هوایی رحیم بهزاد، سرگرد ییاده ارستو سروشیان، سروان یکم هوایی منوچهر مختاری گلیایگانی، سروان یکم هوایی حسین مرزوان و سروان سوم هوایی اسدالله نصیری بدست عمل‌چندیت کادر رژیم نژادپرستانه پهلوی کشته شدند.

سیدی خندان محققزاده، حتی در لحضاتی که با جسمی دردم کوبیده از اطاق شکنجه به سلول انفرادی منتقل میشد، حاکی از اعتدال‌اندیشی به حقانیت اندیشه‌های عالی بود که میرفت تا جان سیرین خود را در آن راه نثار کند. او در بیادگاه نظامی شاه سابق بی‌خاست و گفت که او مسئول جلب پانزده افسر هم‌زمان به صفوف حزب توده ایران است، اگر از نظر این دادگاه غرضتوئی کتاهی وجود دارد، کنعانکار فقط

اوست و فقط او باید اعدام گردد. مختاری، افسر جوان ۲۵ ساله‌ای که همه نیروی زندگی بر یکگز خود را در خدمت حزب توده ایران قرار داده بود، در نامه‌ای به حزب خود نوشت: «محققزاده مردانه در برابر شکنجه مقاومت کرد. روحیه‌اش عالی بود. مختاری در نامه خود به حزب نوشت: «در دادگاه بدوی از آزادی دفاع کردم و دفاع خود را با جمله زیرین تمام کردم... آرزو دارم روی زندانیان

استخوانهای من، هموطنانی شاد، وارسته و آزاد پایکوبی کنند و گفتم که از تیرباران، با اینکه بزرگی و زیبایی آن بسیار علاقمندم، اما این علاقه آنچنان لکه ابر تاریکی را تشکیل نمیدهد که آفتاب درخشان حقیقت زحمتکشان را نه‌بینم... مرزوان در آخرین دقیقه حیات برافشانش، حکمی که او را برای اعدام می‌رود، خطاب بررقای زندانیان گفت:

«دست بگذارید روی قلب من و بهینید چقدر آرام می‌زند. امیدوارم ده زندانیان سیاسی مثل من باشند. سروشیان به‌کام خدا حفظی، همه هم‌زمان خود را به حفظ وحدت، یکپارچگی و یکجوشی فراخواند. بهزاد و نصیری، مانند سایر رفقای رژیم پهلوی، جسمی از رشادت در مبارزه علیه استعمار و استبداد و مظهری از ایثار در راه حزب خود، در راه منافع زحمتکشان بودند. امروز که ۲۵ سال از آنچنانیت

## در جلسه دیروز مجلس، حجت الاسلام رفسنجانی گفت:

# توطئه دیگری از سوی سازمان «سیا» علیه انقلاب ایران تدارک دیده شده است

- حجت الاسلام رفسنجانی: ملت ایران تمام چنایاتی را که رژیم شاه مرتکب شده از چشم دولت آمریکا می‌بیند.
- عده‌ای از نمایندگان بر لزوم محاکمه جاسوسان آمریکایی تاکید کردند.

در جلسه علنی دیروز مجلس حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی قاضی ساخت که «بنا به گزارشاتی که در دست داریم سازمان سیا، دست اندرکار توطئه دیگری است که موفق نخواهد شد...»

جلسه علنی دیروز مجلس ساعت ۱۰:۳۰ صبح به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و با حضور ۱۸۱ تن از نمایندگان رسمیت یافت. در ابتدای جلسه حسینی اوراسانی نماینده تهران طی سخنانی از لزوم فعالیت‌های تبلیغاتی در جهت خنثی کردن تبلیغات مسموم امپریالیستی علیه انقلاب اسلامی ایران یاد کرد و گفت: «در حالیکه ما را محاصره نظامی و اقتصادی می‌کنند نباید بگذاریم که از نظر فرهنگی هم منزوی شده و در محاصره قرار بگیریم. تبلیغات سوء به شدت علیه ما جریان دارد و وزارت ارشاد ملی چه به‌مدد و یا به سهو کاری صورت نمیده...» وی افزود علاوه بر آن باید در مردم خودمان روحیه رژیم را حفظ کنیم و کسترش دهیم. آنها را برای مقابله با هی تبدیلید و توطئه‌های آنها را کیم. ما هنوز اقتصاد اسلامی سالم تدارکیم و اقتصاد ما هم‌اکنون دریاچه همان اقتصاد غربی زمان طاغوت است...» وی در پایان سخنانش خواستار انتشار بیان سود و زیان بانکها و اعلام علت تاخیر در این کار شد.

ذائقه بعدی قبل از دستور احمد همتی نماینده همتی نماینده مشکین‌شهر در قسمتی از سخنانش ضمن شرح محرومیتها و فقر حوزه انتخابیه خود گفت «در حوزه انتخابیه من دادگاه انقلاب و جهاد سزندی خیلی ضعیف هستند و چند سزندی حتی از داشتن پولداز و ماشینیهای کشاورزی محروم است...»

محمد محمدی نماینده کرکن نطق بعدی گفت «دیروز آقای مظهری می‌گفت که «اعرفات نامه‌ای داشته است که در طی آن از تفرقه در صفوف انقلابیون ایران اظهار نگرانی کرده است... عامل اصلی سوزنی انقلاب ایران به‌تعمیر امام بعد از ایمان وحدت بود... ولی همه ن انجام می‌شود که باعث دل‌سردی مردم بخصوص جوانان می‌گردد. بنابراین مثل روشی که در آموزش و پرورش در استخدام آوزگاران وجود دارد و سئوالاتی که از آنها می‌شود منجر به دل‌سردی جوانان مؤمن و انقلابی و محروم شدن ما از بهترین نیروهایمان می‌شود...»

آخرین نطق قبل از دستور جلسه دیروز محسن مجتهد شبستری نماینده تهران ضمن ستایش از مبارزات دلیرانه دانشجویان ایران در پاکستان و حکوم نمودن عمل‌پلیس آن کشور در سرکوب دانشجویان از این دلیران به‌نویس انقلاب اسلامی ایران، نام برد و به‌آرام آورد فرستاد. وی خطاب به‌نمایندگان مجلس گفت: «دیروز مردم غیرد و مبارز تهران باجتماع خود در مقابل سزنت انگلستان از این جوانان

که آن‌ها در تربیت نوابگان کشور دارند باید ضوابطی داشته باشیم... ممکنست در بعضی از شهرستانها کمیسیونهای مضامحه کننده با وادارترین دچار تنگ‌نظریها و اشکالاتی باشند که به‌محض آنکه مطلع شدید جلوی آنرا خواهیم گرفت...»

سپس در مورد ماده ۶۱ آیین‌نامه پیرامون مدت صحبت قبل از دستور نمایندگان بحث شد. آنکه تفسیر این ماده مورد بحث به‌را گذاشته شد و در نتیجه مدت صحبت نمایندگان از ۱۰ دقیقه به ۵ دقیقه افزایش یافت.

حجت الاسلام رفسنجانی ضمن اعلام تکمیل شدن کمیسیونها آنها خواست که هرچه سریعتر و قاطعتر به کار بپردازند و وظایف خود انجام دهند. وی سپس در مورد نامه‌ای که ۲۶ تن از نمایندگان کنگر آمریکا توسط سفیر سوئیس به مجلس شورای اسلامی فرستاده‌اند گفت «در این نامه سر تا پای شیطان، که هدفش تنها کلاه گذاشتن به‌سرمایه از موضع و سخنان من درباره جواب به‌نمایندگان کنگره سراسر است می‌شد در صورتیکه من گفته بودم که نامه نمایندگان کنگره جور می‌باید که نمایندگان حتی حاضر به‌جواب دادن به آن نشوند...» پیرا من به آنها گفتم که این گونه سیاست آمریکا کار مسئله خودشان مشکلات خواهد کرد... وی ضمن اشاره به گزارش دیگری که از سوی دولت آمریکا فرستاده شده بود گفت: «در این گزارش ضمن یوزت از عمل‌پلیس آمریکا، از خدمت پزشکی وقتونی که آمریکا به‌را دانشگاه جوان ایرانی انجام داده!! سخن گفته شده است و اضافه شد که آنها می‌توانند از کشور خارج شوند و حتی دولت آمریکا حاضر است کرایه‌شان را هم بپردازد. (وی در توضیح گفت: با همان پولهای که از خودشان بر داشته‌اند)... و تقاضا کرده‌اند خوب است دولت ایران هم با گروگانها رفتار می‌مانند دولت آمریکا با دانشجویان ایرانی داشته باشد. سپس گفتند در صورتیکه دولت ایران طوردیکری عمل کند همین روزا فلی در آمریکا جریان خواهد داشت...»

بنا این مطلب از گزارش دولت آمریکا باعث تاخیراتی رخت کرده‌ای از نمایندگان شد و آنها یاد کرد اینکه این نامه سراسر تهدید و ارباب است به‌مطالاب نامه اعتراض کردند. حجت الاسلام رفسنجانی در توضیح جوابش به این گزارشات گفت: «من گفتم. اصلا مقیسه‌بیر جاسوسان آمریکایی در تهران و دانشجویان در بند ما در آمریکا کما غلبه است. طرف ما در اینجا جاسوسان آمریکایی هستند که به توطئه علیه انقلاب ملت ما مشغول بودند. در صورتیکه طرف شما عده‌ای ا «وادیان بینکاه ایرانی هستند که برای تحصیل به‌آنجا آمده بودند»

گروگرفتنی و بزدلانت جاسوسان آمریکا توسط ملتی استوار شده انجام شد که شما مدت ۴۰ سال پایبتر اموالشی را غارت کردید جوانان را کشتار کردید و جاسوسان خود را بر آنها مسلط نمودید. تما چنایاتی که رژیم پهلوی مرتکب شد ملت ایران از چشم شماهای بیند... در حالیکه عدل دستگیری دانشجویان مبارز ایرانی توسط دولت پلیس فانیست شما انجام شد «چطور می‌توانید عمل یک ملت استعما شده را با عمل دوات استعمارگر و چنایتکار خود که باید جواب چنایتا را بدهد مقایسه کنید. شما هنوز هم علیه انقلاب ما مشغول توطئه‌اید ما گزارشاتی داریم که سازمان سیا دست‌اندرکار توطئه جدیدی است و ملی موافقی نخواهد شد...» سخنان حجت الاسلام رفسنجانی در تکمیل نمایندگان و حاضرین در مجلس مورد تأیید قرار گرفت.

در پایان جلسه دیروز مسئله استرداد استقامه آقای شجاع نماینده زنجان و نامه‌ای که وی در این مورد به‌حضور امام نوشته بوده مطرح شد که پس از بحثهای متعدد پیرامون آن، استرداد استقامه و بزرگت وی در جمع نمایندگان به‌تصویب رسید.

## در حاشیه مجلس

### وقتی اسلام آمریکائی توصیه میکنند!

محسن شبستری ضمن اشاره به مفتی اعظم مصر گفت «این فرد همان کسی است که به همراهی انور سادات از بکین استقبال کرد و برای عقد قرارداد کمپ دیوید نماز شکر خواند...» وی در جای دیگر اشاره به توصیه مفتی اعظم مصر به امام خمینی کرد و گفت: «وی به امام توصیه کرده که بیشتر قرآن بخوانند...»

هنکامی که حجت الاسلام رفسنجانی گفت «آمریکائیا در نامه خود خواسته‌اند که دولت ایران با جاسوسان آمریکایی همان برخوردی را داشته‌باشد که دولت آمریکا با دانشجویان ایرانی داشته است...» چندتن از نمایندگان با خنده پرسیدند: «یعنی ما هم آنها را شکنجه کنیم؟!»

بدنبال طرح استرداد استقامه شجاعی نماینده زنجان و در گرفتن بحث زیاد بین نمایندگان حجت الاسلام خلیفای به اعتراض گفت «سوابق درخشان مبارزاتی وی در حوزه علمیه و زنجان بر کسی پوشیده نیست و ضمناً وقتی که از انصراف خوداز استعفا را خدمت امام عرض می‌کند دیگر مسئله تمام است و بحث ندارد و تیزید وقتزیدی تلف کرد...» لازم به‌تذکر است که حسن آیت به‌شدت با مسئله بازگشت نماینده زنجان مخالفت می‌کرد.

# برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق